اتّحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۹۰
دوره دوم
دوشنبه ۲۶ مرداد ماه ۱۳۶۰
بها ۲۰ ریال

مبادا فراموش کنیم!

آنچه به‌روشنی می‌توان دید و براستی مایهٔ خوشوقتی و مباهات است این‌که، در دو سال و نیمه پس از پیروزی ۲۲ بهمن ۵۷، چهرهٔ انقلاب مرحله به‌مرحله مشخص‌تر گشته، گستردگی و ژرفایی و پویایی آن به‌برکت حضور انبوه و فعال توده های

بقیه درصفحه ۱۱

اعضاء و هواداران "مجاهدین خلق" باید دست رد به سینهٔ رجوی ها بگذارند

اعضاء و هواداران "مجاهدین خلق"

کدام راه را برخواهند گزید: راه رجوی یا راه سعادتی؟

سقوط **ابوالحسن بنی صدر** که امید بزرگ امپریالیسم آمریکا، جبهه‌براندازی و ازجمله رهبری ضدانقلابی "**مجاهدین خلق**" برای بی‌ثبات کردن و تضعیف جمهوری اسلامی ایران و سرانجام ایجاد جنگ داخلی و منهدم کردن انقلاب ایران بود و باحمایت آگاهانه، فعال و میلیونی توده های زحمتکش از خط ضدامپریالیستی و مردمی **امام خمینی** و صورت گرفت.

بقیه درصفحه ۲

ملاك تشخیص انقلابی وضد انقلابی

انقلاب اسلامی ایران، که محتوای آن ضدامپریالیستی (استقلال طلبانه)، ضداستبدادی و مردمی است، اینک بمدت دو سال و نیم تجربه اندوخته و آزمایش‌های گران از سرگذرانده است. با این همه هنوز به‌نظر می‌رسد که برای همه نیروهای صدیق انقلابی پاسخ این پرسش روشن و دقیق نشده است که:

ملاک تشخیص انقلابی وضد انقلابی کدام است؟

بعد از سرنگون شدن رژیم استبداد سلطنتی دست‌نشاندهٔ آمریکا ـ چنانکه می‌دانیم ـ دولت موقت "گام به گام" روی کار آمد. این دولت نه‌فقط از مسلمان‌نماها، بلکه همچنین از افرادی ترکیب یافته بود که نظیر **مهندس بازرگان** (رئیس دولت موقت) در اعتقادات عبادی اسلامی آنها کمترین تردیدی نبوده و نیست. ولی این تظاهر به اعتقادات مذهبی و یا خود اعتقادات صادقانه مذهبی مانع از آن نشد که دولت موقت تعمیق و گسترش انقلاب به‌سود مستضعفان را "**تخریب**" بداند، از انقلاب اظهار "**پشیمانی**" کند، کسب استقلال را ناممکن بداند و معتقد باشد که "**چون وابسته بوده‌ایم بناچار باید وابسته بمانیم**"، در جهت "**بهبود**" روابط با آمریکا ـ دشمن اصلی انقلاب ـ گام بردارد، از خط ضدامپریالیستی و مردمی **امام خمینی** "**کلافه**" شود و خلاصه از "**خط برژینسکی**" پیروی کند و برای تحقق آن بکوشد.

این تجربه روشن نشان داد که میتوان باتظاهر به اعتقادات مذهبی و حتی با اعتقادات صادقانهٔ مذهبی، در خط مخالفت با تعمیق انقلاب به سود مستضعفان قرار گرفت.

انقلاب همچنین تجربهٔ "**حزب خلق مسلمان**" را از سرگذراند که رهبری عملی و واقعی آن را یکی از روحانیون عالیمقام برعهده داشت. این "حزب" که بلوای خونین ضدانقلابی در تبریز براه

بقیه درصفحه ۲

رئیس "سیا" هم جنایتکار است هم دزد!

بقیه درصفحه ۳

جهادسازندگی ره‌آورد انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی و اسلامی ایران

جهاد سازندگی از جمله نهاد های انقلابیست، که از بدو تاسیس تمام هم خویش را درجهت پیشبرد بخشی از اهداف انقلاب ضدامپریالیستی و مردمی و اسلامی کشورمان در روستاها به‌کار برد. جهاد سازندگی درواقع براساس این ضرورت که، هر انقلاب مردمی به‌منظور نیل به اهداف موردنظر خویش لاجرم به‌وسایل وابزار خاص خود نیاز دارد، بوجود آمد. جهاد سازندگی علاوه بر فعالیت ممتد و مستمر در سطح روستاها در مقاطع حساس از روند انقلاب، در اقدامات عاجل به‌سود حراست از دستاوردهای انقلاب فعالانه شرکت کرده است. از جمله این اقدامات عاجل میتوان از شرکت جهاد سازندگی در دفاع از جمهوری اسلامی ایران در مقابل متجاوزان صدامی نام برد. لذا مروری بر مجموعه فعالیت‌های این نهاد انقلابی ونشان دادن ابعاد اقدامات مردمی این نهاد همواره ضروراست. درزیر نحوهٔ تشکیل این نهاد و نیز مجموعه اقدامات آن آمده است.

نکته‌ای که ذکر آن جهت مزید اطلاع خوانندگان ضروراست، اینست که آمار ذکر شده از فعالیت‌های جهاد سازندگی تالحظهٔ حاضر نیست، وعلت آن نیز تنها عدم انتشار آمار جدید است.

بقیه درصفحه ۱۰

در دیدار مشترك کمونیست های آلمان غربی وعراق جنگ تجاوزکارانه صدام حسین علیه ایران بشدت محکوم شد

چندروز پیش دیداری میان نمایندگان **حزب کمونیست آلمان وحزب کمونیست عراق** در **جمهوری فدرال آلمان**، صورت گرفت ریاست هیئت‌های نمایندگی کمونیست های آلمان غربی وعراق را بترتیب **هرمان گوتیه**، معاون صدر **حزب کمونیست آلمان**، و **پروفسور دکتر قادم حبیب** عضو کمیته مرکزی "**حزب کمونیست عراق**" بعهده داشتند.

در پایان این دیدار، اعلامیهٔ مشترکی انتشار یافت، که در آن، ازجمله، به جنگ تحمیلی دارودسته صدام حسین علیه ایران اشاره شده است. در این زمینه می‌خوانیم:

دوهیئت نمایندگی جنگ تجاوزکارانهٔ عراق راعلیه ایران، که به‌خلق‌های هر دو کشور لطمات فراوان وارد می‌آورد، محکوم می‌کنند، این جنگ به‌سود امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع درخاورنزدیک است و به امپریالیسم فرصت داده‌است تا برای پیشبرد منافع خویش حضور نظامی خود را در منطقه خلیج‌فارس تقویت بخشد.

اعلامیه مشترک دوحزب می‌افزاید:

"**هیئت نمایندگی حزب کمونیست عراق اعلام داشت که این حزب در راه پایان بخشیدن به جنگ مبارزه می‌کند. جنگی، که تا کنون هزاران قربانی در پی داشته و به اقتصاد ملی دو کشور صدمات فراوان وارد آورده است**".

کمونیست های عراقی و آلمان غربی "**خواستار فراخواندن نیروهای عراقی از خاک ایران**" شدند و معتقدند که "مسائل میان دو کشور **باید از راه مسالمت‌آمیز حل گردد**".

درباره مسائل داخلی عراق، نمایندگان حزب کمونیست این کشور اعلام داشتند:

"**درعراق رژیم دیکتاتوری بعثی صدام حسین فرمانروایی می‌کند. این رژیم با روش های فاشیستی به‌سرکوب نیروهای ملی ـ میهنی، از جمله حزب کمونیست عراق، می‌پردازد و علیه خلق کرد به‌جنگی غیرعادلانه دست‌زده است.**

حزب کمونیست عراق، ـ که نمایندگان آن **درباره فعالیت موفقیت‌آمیز برای پایه‌گذاری یک "جبههٔ ملی" گزارش‌دادند**، ـ **همراه با دیگر نیروهای دمکراتیک، دربسیج خلق برای مبارزه درراه سرنگونی رژیم دیکتاتوری، ایجاد نظامی ملی ـ دمکراتیک واعطای خودگردانی راستین به‌خلق کرد شرکت می‌کند**".

درپایان اعلامیه مشترک "حزب کمونیست عراق" و "**حزب کمونیست آلمان**" گفته می‌شود:

"**حزب کمونیست آلمان پیگرد کمونیستها و دیگر نیروهای ضدامپریالیستی را در عراق بشدت محکوم میکند و به‌کمک خلق عراق در پیکار عادلانه‌اش برخواهد خاست.**

کارنامهٔ ابوالحسن بنی صدر (۶)

بنی‌صدر، زمینه‌ساز کودتا، با استفاده از حربهٔ کودتا گران ۲۸ مرداد: "خطر کمونیسم"!

در روزهائی که مردم ایران سخن از شکست کودتای جبههٔ متحد ضدانقلاب، برهبری **بنی صدر ـ رجوی** علیه انقلاب ایران می‌گویند بیست‌وهشتمین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از راه می‌رسد.

اگر **بنی صدر ـ رجوی** بر اثر هشیاری توده‌ها ورهبری قاطع **امام خمینی** شکست نخورده بودند، سالگرد کودتای ننگین **آمریکائی** بازهم باصدای پای آمریکا در میهن ما همراه بود، که این بار جاده صاف‌کن آن لیبرال‌ها و چپ‌روها بودند.

بین این دو کودتا، که یکی خلق را به خون کشید و دیگری به نیروی خلق به زباله‌دان تاریخ افکنده شد، شباهت‌ها و نزدیکی‌ها فراوان است. ومهمترین این شباهت، زمینه‌سازی یکسان برای انجام کودتای آمریکایی است.

این زمینه‌سازی در هر دو کودتا بر بزرگ کردن دشمن خیالی، برای انحراف نظر خلق و واردکردن ضربه درلحظهٔ لازم استوار بوده است

نگاهی به‌رویدادهای چندماههٔ قبل از کودتای "جبههٔ متحد ضدانقلاب" برهبری **بنی صدر ـ رجوی**، یعنی از دستگیری **قطب زاده** ـ ۱۸ آبان ۱۳۵۹ ـ که توطئه از آنجا وارد مرحله تازه‌ای شد، تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، ومقایسه این رویدادها با حوادث قبل از کودتای ۲۸ مرداد، به راستی تکان‌دهنده و عبرت‌آموز است. در هر دو این مراحل امپریالیسم آمریکا، متحدان و عمال وتفاله‌هایش با تمام نیرو به‌بزرگ‌کردن "خطر شوروی" و "خطر حزب توده" مشغول بودند، تا توجه خلق را به‌دشمن خیالی جلب و در سایه این انحراف نظر نقشهٔ خائنانه خود را پیاده‌کنند.

بقیه درصفحه ۶ و ۷

نخستین گام نویدبخش برای بازگشایی دانشگاهها

وزارت **فرهنگ و آموزش عالی** ضمن بخشنامه‌ای از کلیه دانشگاه‌ها خواسته است که سالهای آخر رشته پزشکی از آغاز سال تحصیلی شروع بکار کنند. پیش از این نیز اطلاع داده شده بود که دانشکده‌های فنی و کشاورزی در مهر ماه گشایش خواهند یافت.

بعد از توصیه **امام خمینی** در دیدار با اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی که:

"**همه نیروی خود را برای بازگشائی دانشگاه‌ها تجهیز کنید**".

و تاکید **آیت اله منتظری** بر اینکه:

"**اگر تعطیل دانشگاه‌ها طول بکشد و معلم و دانشجو در دانشگاه‌ها نباشد، فاجعه است برای کشورما**"

این نخستین گام کوتاه برای بازگشایی دانشگاه‌هاست، که باید امید داشت با گامهای بلند دیگری تکمیل شود.

سال گذشته در خرداد ماه دانشگاه‌های کشور تعطیل اعلام شدند. انگیزه آن بود که باید نخست انقلاب فرهنگی، سیستم آموزش عالی را در تمام ابعاد آن دگرگون سازد و سپس دانشگاه‌ها براساس ضوابط جدید برگزینی دانشجو، برنامه‌های جدید آموزشی کتابهای جدید درسی و غیره و غیره گشایش یابند.

انقلاب فرهنگی بی‌تردید از اجزاء جدائی‌ناپذیر هر انقلاب اجتماعی است و کشور ما که سالها زیر سلطهٔ پیدا و ناپیدای امپریالیسم بوده است، قطعا نیاز بدان دارد که مظاهر تباهی‌آور فرهنگ استعماری را از سراپای پیکر خود بروبد، اما... و این امای مهمی است که، انقلاب فرهنگی با تعطیل دانشگاه‌ها ملازمه چندانی ندارد.

دگرگونی در سیستم آموزش عالی، که بخشی از برنامهٔ انقلاب فرهنگی است، می‌تواند در شرایط فعالیت خلاق دانشگاه‌ها نیز صورت‌پذیر گردد. انقلاب فرهنگی، که دگرسازی حیات معنوی جامعه است، نه کار یک روز و دو روز است و نه بازور امکان‌پذیر می‌شود. این دگرگونی باید بتدریج پیاده‌شود. وظیفه این بود و وظیفه این هست که تمام راه‌بندها و موانع استعماری را از پیش‌پای سیستم آموزش عالی برداریم و روح تبعیض طبقاتی، مدرک‌گرائی، پول‌پرستی، جاه‌طلبی و خودمحوربینی را، که بر سیستم آموزش عالی سلطه داشت، به‌روحیه انسان‌دوستی، عصیان دربرابر ستم و زورگوئی، دشمنی با امپریالیسم وایمان به برابری انسانها بدل سازیم.

اما آیا لازم است که حتما وقطعا تمام دانشگاه‌ها را، از دانشجو و استاد و کارمند خالی کنیم، وبعد برای دگرگونی های لازم برنامه‌ریزی نمائیم؟ آیا نمی‌شد پیاده‌کردن انقلاب فرهنگی در سیستم دانشگاهی را، بانظر و مشارکت خود دانشجویان و استادان انقلابی انجام داد؟ نمی‌شد صدها هزار دیپلمه بیکار و صدها کادر آموزشی را بی‌جهت سرگردان نساخت و ناراضی نتراشید؟

بقیه درصفحه ۴

اعضاء وهواداران . . .

بقیه از صفحه ۱

خشم وکین ناامیدانه‌ودیوانه‌واری رادرمیان جبهه برانداری برانگیخت ،که عکس‌العمل مستقیم و بلاواسطه‌آن ،موجی از ترورو بمب‌گذاری بودکه تاکنون گروهی از مسئولان ومردم انقلابی وفداکار و بیگناه را به‌کام خودکشیده است .اینکه این اعمال ـ همانگونه‌که طبیعت آن است ـ جز رسوایی و تباهی برای جبهه برانداری وتروریستهای آن بار نیاوردوجز برعزم واستواری توده‌های میلیونی مردم درحمایت ازخط **امام خمینی** و مبارزه با امپریالیسم آمریکاو تفاله‌های آن نیفزود ،واقعیتی انکارناپذیر است .اماآنچه دراینجا مورد نظر ماست ،سرنوشت شوم ومحتومی است که تحولات انقلابی اخیر برای رهبری خائن وخط مشی ضد انقلابی حاکم بر **"سازمان مجاهدین خلق"** به بار آورد .

شاخص این تحولات ،دوواقعه مهم بود که یکبار دیگر نشان دادکه **"مجاهدین خلق"** مرکب ازتوده هوادار واعضاءو رهبری ،به هیچ وجه یک جریان منسجم ویکپارچه را تشکیل نمیدهند این دوواقعه ،یکی **گریز مسعودرجوی** رهبر "مجاهدین خلق" به آغوش ضدانقلاب و دیگری مرگ پرازیک وشجاعانه محمدرضا سعادتی از اعضاء برجسته "مجاهدین خلق" و انتشار وصیت‌نامه صادقانه او بود

این دوواقعه در واقع بیانگر نتیجه‌نهائی تحول وحل آن تضادی است که درو جود و عملکرد **"سازمان مجاهدین خلق"** بصورت دعاوی پرشور در عشق به‌خلق ومبارزه برای استقلال وآزادی در **حرف** وخدمت به‌توطئه‌های امپریالیستی وهم‌دستی باایادی امپریالیسم ،علیه انقلاب ایران ودستاوردهای مبارزه‌خونین و حماسه‌آمیز خلق **در عمل** ،متجلی میشد .

سعادتی در واقع مظهر و نماینده آن توده عضو و هوادار **"مجاهدین خلق"** است که این دعاوی را صادقانه‌پذیرفته‌اند ،ولی گام‌به‌گام از تضادعمیق وآشکار میان **"آرمانهای والا"** و **"آرزوهای پرشکوه"** خود وعملکردواقعی "رهبری مجاهدین خلق" یکه‌خورده‌اند" .

نسبت‌به‌آن اقناع‌نشده‌اند" ، **"احساس خطر کرده‌اند"** ، **"بارهاوبارهاگریسته‌اند"** وسرانجام به‌این‌واقعیت دست‌یافته‌اندکه" **ما در دامی که‌امپریالیست‌ها برایمان‌چیده‌بودند ، گرفتارشدیم** ." (ازوصیت‌نامه‌سعادتی)

امارجوی ،مظهر ونماینده آن گروه از عناصر مشکوک وآن‌دسته از روشنفکران آنارشیست وتروریست است که آرمان‌های انسانی ومردمی ،آزادیخواهانه واستقلال طلبانه را در جاه‌طلبی‌هاوقدرت‌طلبی های خویش سوزانیده‌اند وخشمناک از عدم تحقق نیات‌خویش ،به‌پست‌ترین واکنش‌های بهیمی و ضدانسانی روی‌آورده‌اند وبه‌آغوش‌سیاه‌ترین نیروهای ضدخلق خزیده‌اند .

"رهبری مجاهدین خلق" ،ابتدابا پرچم اسلام انقلابی وباپرشورترین ستایش‌ها از استقلال وآزادی وخلق ،بامیراث خونین از مبارزات‌فداکارانه گروهی مسلمان انقلابی ،که به‌ناحق به‌حساب این‌رهبری گذاشته‌شد ،پا به میدان‌نهاد وبه‌سرعت گروه‌بزرگی از جوانان پاک‌نهادوپرشورراپیرامون‌خودگردآورد.امااین رهبری ،که‌درواقع نه‌به‌آرمان‌های ادعائی، بلکه‌تنهابه‌نیات‌قدرت‌طلبانه ومشکوک خویش پایبند بود ،گام‌بگام **"سازمان‌مجاهدین‌خلق"** رابه‌مقابله‌باحاکمیت‌انقلابی وتوده‌های‌میلیونی پشتیبان آن‌کشانید و درتحریکات‌ضدانقلابی وتوطئه‌های‌امپریالیستی شریک ساخت .هرچه دورنمای دستیابی به‌قدرت و ساقط کردن حاکمیت‌کنونی ،تاریکتر و تمهیدات‌این‌رهبری بی‌اثرتروبدبینی وخشم خلق نسبت به‌این مدعیان‌دروغین دفاع از خلق فزونتر میگشت **"رهبری مجاهدین‌خلق"** نیز باخشم و کین و شتاب فزونتری به جبهه براندازی‌بسرکردگی آمریکا وایادی داخلی‌آن ،نزدیک‌میگشت و میان‌آن‌وعناصر آشکارا ضدانقلابی ، چون قاسملوها ،رنجبری‌هاو پیکاری‌ها ،قطب‌زاده‌ها،بنی‌صدری‌هاپیوند وهمکاری‌بیشتری‌برقرارمی گشت .

سقوط **بنی‌صدر** باشکست‌ورسوائی‌رهبری ضدانقلابی "مجاهدین‌خلق" ومشتی تروریست پیروآن نیزهمراه‌بود واین‌رهبری رابه پایان خط‌رسانید .آنهمه‌ادعای انقلابیگری ومبارزه بخاطر خلق ،سرانجام‌واقعیت‌خود رادرپاریس ودرآغوش ضدانقلاب فراری ونیز در کشتار جنایتکارانه وفجیع خیابانی نشان‌داد ،درآن‌سو ،**مسعودرجوی** به‌عنوان‌مظهر ونماینده خط مشی "استفاده"از امپریالیسم برای "خدمت" به خلق(!) سرانجام در رکاب بنی‌صدر رهبرخط آمریکا درایران وباکمک خلبان‌مخصوص شاه منفور ،**سرهنگ‌معزی** (که‌رجوی او رادرمصاحبه بابی .بی .سی . "برادرمجاهد"خواند) ، به پاریس واردشد و در کنار **بختیار و اویسی‌و** تحت‌حمایت نیروهای‌امپریالیستی ،بسرکردگی آمریکا ،ادامه "مبارزه" رانوید داد و با تلاش دستگاه‌های‌تبلیغاتی امپریالیستی چون"بی .بی .سی ." ، "صدای آمریکاو"رادیواسرائیل" ،تصمیم‌خویش رابرای متحدکردن کلیه نیروهای صدرژیم‌جمهوری‌اسلامی‌ایران به‌جهانیان اعلام‌کرد . "جبهه‌متحدپاریس" ،یعنی جبههٔ متحدضدانقلاب ،ـ همان‌چیزی است که **"رهبری‌مجاهدین‌خلق"** ،مدتها از اعلام ترکیب واقعی آن طفره میرفت .

دراینسو نیزگروهی تروریست ،که‌مایوس ازفریفتن خلق و خشمناک از شکست ،رسوائی وسقوط ،به‌جنون‌دچارشده‌اند ،کین و نفرت خود رابرسرخلق فرو می‌بارند وبابمب گذاری درمناطق تردد زحمتکشان ،کشتارپاسدارانی‌که جان‌برکف درمقابل‌تجاوزگران‌صدامی و ضد ـ انقلاب کینه‌توز وتشنه‌به‌خون ،از انقلاب و میهن‌خود ،دفاع‌میکنند و یا ترورمسئولان‌کشور ازخلق‌انتقام می‌گیرند .

میان **سعادتی** ،که جانش را فداکرد تا مرگش **"ضربه‌ای هشداردهنده"** به‌گمراهان‌و فریب‌خوردگان باشد و **رجوی** که‌وقیحانه در بلندگوهای‌امپریالیستی به‌جانبازیهای خلق توهین‌میکند ،درهٔ عمیقی وجود دارد ،دره‌ای میان‌وفاداری‌به‌خلق وخیانت‌بدان .اعضاء و هواداران "مجاهدین‌خلق" به‌کدام سو می ـ خواهندبروند ؟ به‌راه **سعادتی** ،این **"قربانی توطئه‌های امپریالیست‌ها"** یارجوی ،این‌پادوی خودفروخته‌آنها ؟

برای رجویها وجنایتکارانی که آتش بر خلق گشوده‌اند ،پایان‌کارفرارسیده‌است . اما برای توده هوادار **"مجاهدین‌خلق"** ، پیروان صدیق حنیف نژادها وبدیع‌زادگان ها و سعادتی‌ها ،که‌با آرزوهائی پاک و اعتقاد به آرمانهای والا ،بدلیل‌کم‌تجربگی‌وناآگاهی به دنبال‌این‌خط مشی‌ضدانقلابی کشانیده‌شده‌اند تازه‌آغازی‌نواست . مغاکی تیره که‌آنهارابدانجا سوق‌میدادند ،اکنون‌باتمام عمق‌ودهشت‌خود ، درپاریس‌ـ درکنار جلادان وقاتلان‌خلق ، در پیش‌چشمان آنهاگسترده‌است .اگر آغاز این‌راه ناشناخته ،نوید "آزادی"بود وشعارهائی پرمهابت و جذاب ، اکنون همکاری ،همگامی ونزدیکی باسیاهترین نیروهای‌ضدانقلابی‌است علیه‌خلق دهها‌میلیونی .اعضاء و هواداران "مجاهدین‌خلق" کدام رابرخواهند گزید؟

سقوط سرنوشت‌محتوم آنهایی است که کولبار خطاهایشان پرتر و سنگین‌تر است ، اما این‌سرنوشت حتمی وگریزناپذیرهرخاطی‌نیست . زمانیکه **"اسار"**ها نیز در مقابل دولت‌انقلابی **لنین** علم‌قیام وطغیان افراشته ودرصدد کودتا برآمدند وبه‌ترور دست‌زدند ،میلیونها دهقانی که‌پیشتر بدانهارای‌میدادند ،به‌راه‌آنهانرفتند .

اعمالی که **"رهبری مجاهدین خلق"** و تروریست‌های‌جنایتکار پیرو آن ،بدان‌دست‌می‌زنند ،تمام وکمال با خواست‌ها و نقشه های **امپریالیسم**آمریکا منطبق است . تدارک جنگ داخلی ،کشتار مسئولان وپاسداران ومردم‌بی‌گناه ،ایجادبی‌ثباتی و تشنج و رعب و . . .حتی ذره‌ای ،سرسوزنی بادعاوی انقلابی ،میهن ـ دوستانه ومردمی منطبق‌نیست .این‌راه‌ضد خلق است .

تودهٔ‌هوادار **"مجاهدین‌خلق"** ،که‌جزئی‌از خلق وبالقوه درکنار آن و در مقابل امپریالیسم آمریکاوایادی آن‌قراردارد ، باید جای واقعی خویش‌را در جامعهٔ‌انقلابی‌ایران‌بیابد و متحد بادیگر نیروهای‌انقلابی ومردمی برای دفاع از انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران برزمد .اعضاء و هواداران "مجاهدین‌خلق" لااقل باید به وصیت‌مجاهدی که عصارهٔ‌زندگی و تجربه خود را بامرگ‌شجاعانه وآگاهانه عجین ساخت ، تا بلکه مرگش **"بتواندلوح‌وحدت‌وصلح رادرجامعه گسترش‌دهد ،گوش فرادهند :**

"برادران‌من‌اکنون‌فکرمی‌کنم‌که‌خط‌اصولی وصحیح ،دفاع وتقویت مواضع ضد امپریالیستی رژیم‌حاکم‌است . . . امام‌خمینی در شرایط‌کنونی میهن‌عزیزمان‌مظهر خشم توده‌های محروم‌ایران وحتی منطقه‌علیه‌غارتگری‌ها وجنایات‌جهان ـ خواران‌است ،برادرانم ماچرا این خشم راتقویت نکنیم وچهرهٔ‌خندان‌امام‌خمینی را برای‌خود و توده‌هاطلب‌نکنیم . " (ازوصیت‌نامه‌سعادتی)

ملاک تشخیص . . .

بقیه از صفحه ۱

انداخت ،تنها متشکل‌از مسلمان‌نماها نبود ،بلکه احیانا اکثر آنها مسلمانان معتقدی‌بودندکه‌از **"مرجع تقلید خود"** پیروی‌می‌کردند .

این‌تجربه‌نشان‌دادکه‌نه‌فقط یک روحانی‌عالیمقام‌می‌تواند درجبههٔ مخالف‌انقلاب‌قرارگیرد ،بلکه‌همچنین می‌تواند بااستفاده‌ازاعتقادات‌مذهبی مردمی‌که‌اورا "مرجع‌تقلید "می‌دانند ، گروهی‌ازمسلمانان‌معتقدرابرضد انقلاب برانگیزد .

سپس تجربهٔ‌کودتای نوژه را از سرگذراند .طراحان‌ومجریان‌این‌کودتای ضدانقلابی‌نافرجام ،نه‌فقط افرادی بودندکه‌اعتقاد مذهبی‌نداشتندویافقط تظاهربه‌داشتن‌اعتقادات‌مذهبی می‌کردند ،بلکه‌همچنین‌افرادی‌بودند با اعتقادات‌مذهبی‌ـ ازجمله‌چنانکه‌اخیرا آقای**ری‌شهری** دادستان ارتش فاش ساخت‌ـ پنج‌نفر ازروحانیون‌عالیمقام!

این تجربه نیزنشان‌دادکه نه فقط افرادی‌که‌اعتقادمذهبی‌ندارند ونه فقط افرادی‌مسلمان‌نما ، بلکه حتی مسلمانانی درسطح‌روحانیون‌عالیمقام ، می‌توانندضدانقلابی باشند .

ماهمچنین‌رازی‌رافاش‌نساخته‌ایم اگربگوییم که‌اصلاحات‌ارضی ـ لغوبزرگ مالکی وفئودالیسم وتقسیم اراضی‌بین دهقانان‌زحمتکش ـ بامقاومت نه‌فقط بزرگ‌مالکان وفئودالها ،بلکه‌همچنین‌با مقاومت‌آن‌روحانیونی‌روبرواست که‌مخالف باتعمیق‌انقلاب به‌سود مستضعفانند .این مقاومت‌ـ چنانکه‌می‌دانیم‌ـ علی رغم این‌واقعیت است که‌لایحهٔ‌اصلاحات‌ارضی ازدیدگاه‌اسلام مورد بررسی‌وتصویب روحانیون عالیمقامی‌نظیرآ **یت‌الله شهید بهشتی ،آیت‌الله‌منتظری و آیت‌الله** مشکینی‌قرارگرفته‌است‌ولذا کمترین تردیدی‌درانطباق‌آن‌بااسلام‌نیست .

تجربهٔ **بنی‌صدر**نیز به‌نحو بارزی نشان‌دادکه‌زیرپوشش‌اسلام عنصری مخالف‌خط‌امام‌می‌تواندچنان خود را پنهان‌کندکه‌حتی به‌مقامی درسطح‌ریاست جمهوری‌دست‌یابدوزیانهای بزرگی به انقلاب بزند .**بنی‌صدر**که‌قبلا درشورای انقلاب ، درمجلس‌خبرگان‌ودرمقام وزیر اقتصادودارائی بقدرکافی‌نشان‌داده بود که‌درخط امام ،ودرخط مبارزه‌باامپریالیسم برای‌تامین‌استقلال‌کشور ودر خط نوسازی کشوربه‌سود مستضعفان‌نیست ، فقط باتقاب اسلام پناهی‌واسلام شناسی توانست خود راانقلابی‌جابزندوتا مقام ریاست جمهوری‌اسلامی‌ایران‌بالابرود .

مجموعهٔ‌این‌تجارب بزرگ و نیز انبوهی‌تجارب کوچکترباعث شد که‌در جریان‌مبارزهٔ‌نیروهای انقلابی‌بانیروهای‌ضدانقلابی ،اصطلاح **"اسلام آمریکایی"** دربرابراسلام‌راستین‌و **اسلام خمینی**پدیدآید .سخنان‌نغزامام ثابت نمودکه دربین‌روحانیون ،روحانی **"بدتر ازساواکی"** هم‌وجوددارد‌وآمریکا عمال رنگارنگی‌داردازجمله "مذهبی" ونیزاز جمله "معمم" .یعنی‌ثابت‌نمودکه ملاک انقلابی‌ویاضدانقلابی‌بودن ،مسلمان‌ـ نمایی‌وحتی‌اعتقادبه‌اسلام‌ومذهب‌نیست بلکه‌اعتقادبه‌مبارزهٔ‌ضدامپریالیستی برای‌تامین‌استقلال‌ومبارزه‌ضد استکباری برای‌تامین‌حقوق‌ومنافع مستضعفان‌است .

ازسوی‌دیگر ،تجربه‌دوسال‌ونیم که ازپیروزی‌انقلاب‌می‌گذرد ،بنحوی بارز نشان دادهاست که‌عنوان "مارکسیست" نیزمی‌تواندپوششی برای‌نیروهای‌ضدانقلابی‌باشد . "پیکاری" و "رنجبری" و "توفانی" و "رزمندگان" و چندین سازمان‌ضدانقلابی‌دیگرنام "مارکسیست" برخودنهادند ،تا بااین‌نقاب‌بتوانند ماهیت‌ضدانقلابی‌خودرابپوشانند و با شعارهای‌چپ‌نمابرضدانقلاب‌و جمهوری اسلامی‌ایران‌عمل‌کنند .ولی روندانقلاب این‌نقاب را ازچهرهٔ‌آنان‌برگرفت و اصطلاح دقیق "مارکسیست‌آمریکایی" مصطلح‌شد .درواقع‌نیزآمریکابااستفاده‌از مائوئیسم ودست دردست‌مائوئیست‌ها ، گروهک‌های‌متعددی‌بنام‌های‌گوناگون ،که همه‌خودرا "مارکسیست" معرفی‌می‌کنند ،

درهمهٔ‌کشورهای‌سرمایه‌داریٔ و همهٔ کشورهای "جهان‌سوم "بوجود آورده و می‌آورد تا به وسیلهٔ آنها چوب‌لای‌چرخ‌انقلاب‌های‌آزادی بخش بگذاردوضمنا‌مارکسیسم رانیزبدنام‌کند . ولی‌تجربه‌کشورانقلابی‌مااین‌شگرد ضدانقلاب‌رانیزفاش ورسواساخت‌ونشان دادکه‌هرکس‌تابلوی "مارکسیسم" بر سر درگروهک خودبکوبد ،مارکسیست و انقلابی‌نیست . ملاک‌انقلابی‌بودن‌دعوی مارکسیست‌بودن‌نیست ،بلکه‌مشی‌علمی درمبارزه‌علیه‌امپریالیسم ،بسرکردگی آمریکا ،ومشی‌عملی‌دردفاع‌ازحقوق و منافع زحمتکشان دربرابر سرمایه‌داری وابسته‌وبزرگ‌مالکی‌است .

خلاصه ،تجارب گران‌ودرعین‌حال پربهای‌دوسال‌ونیمی‌که‌ازپیروزی انقلاب می‌گذرد ،بوضوح‌نشان‌داده‌است که‌اسلام آمریکایی‌داریم‌واسلام‌راستین‌خمینی ، اسلام‌ضدانقلابی‌داریم‌واسلام‌انقلابی و نیزمارکسیسم‌آمریکایی‌داریم‌ومارکسیسم راستین ،مارکسیسم‌ضدانقلابی‌داریم و مارکسیسم‌انقلابی .

ملاک‌تشخیص‌این‌که‌کدام‌فرد و یا کدام نیرو ،مسلمان‌آمریکایی‌ضدانقلابی ویامسلمان‌راستین‌انقلابی‌است و نیز کدام‌فردیانیرو ،مارکسیست‌آمریکایی‌ضد انقلابی‌ویامارکسیست‌راستین‌انقلابی است ،دشوارنیست .هرکس ،هرسازمان ، هرنیرو ،قطع‌نظر ازاعتقادات‌مذهبی‌ویا فلسفی ، اگردرعمل برضدامپریالیسم ، برضد سرمایه‌داری‌بزرگ‌وابسته ،برضد بزرگ‌مالکی‌وفئودالیسم ،برای تامین استقلال کشور ،برای‌تامین‌آزادی های فردی‌واجتماعی‌وبرای‌تامین‌حقوق‌ومنافع زحمتکشان‌مبارزه‌کند ،انقلابی‌است ،والا یاضد انقلابی‌است ویادربهترین‌حالت غیرانقلابی‌است .

این‌ملاک‌تشخیص‌انقلابی‌ازضد انقلابی‌نه‌فقط درجمهوری‌اسلامی‌ایران ، بلکه‌بمقیاس‌جهانی‌ودرعرصهٔ‌بین‌المللی صدق‌می‌کند ملک‌حسن‌هاوملک‌حسین‌ها ملک خالدها وسلطان قابوس‌هاوانور سادات‌هاوژنرال‌ضیاءالحق‌ها و جعفر نمیری‌هاوصدام‌هاو . . .مسلمانند ، ولی‌مسلمان‌آمریکائی ،یعنی‌مسلمان متحدیادست‌نشاندهٔ‌آمریکاو ، در هر صورت ،درخط آمریکا وبنابراین ضدانقلابی .درعوض قذافی‌هاوحافظ اسد ـ ها وعرفات‌ها و . . . مسلمان‌راستین، مسلمان‌رزمندهٔ‌**ضدامپریالیستی‌**وبنابراین‌مسلمان‌انقلابی‌اند .ونیزمارکسیست ـ های‌آمریکایی‌ومائوئیست‌هاهمه جا ضدانقلابی‌اند ،وبرعکس آن ،احزاب و سازمانهای مارکسیستی که‌درکارمبارزه بر ضدامپریالیسم ،بسرکردگی‌آمریکاهستند انقلابی .بی‌جهت‌نیست‌که‌همهٔ‌احزاب‌و سازمانهای‌اصیل‌مارکسیستی‌جهان ، چه آنهاکه حکومت دراختیاردارندوچه آنهاکه‌ندارندونیز همهٔ‌سازمانهاودولت ـ های‌مسلمان ضدامپریالیستی ، از انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌پشتیبانی کرده‌ومی‌کنندوبرعکس ،همهٔ‌سازمان‌های مارکسیست‌آمریکایی‌ومائوئیستی‌وهمهٔ دولت‌های‌اسلامی‌دستیارآمریکابا‌انقلاب وجمهوری‌اسلامی‌ایران‌مخالفت‌کرده و می‌کنند .

چنین‌است تجربهٔ دوسال ونیم انقلاب ،که‌اگر برخی‌تعصبات‌عقیدتی‌در بخشی‌ازنیروهای‌مذهبی‌صدیق‌انقلابی و یابرخی‌پیشداوری‌های ناشی‌ازرسوبات تبلیغات درازمدت ضدمارکسیستی دستگاه‌تبلیغات‌امپریالیستی‌نبود ، برای همهٔ‌نیروهای‌انقلابی‌قابل رویت‌وقابل استفاده‌می‌بود .

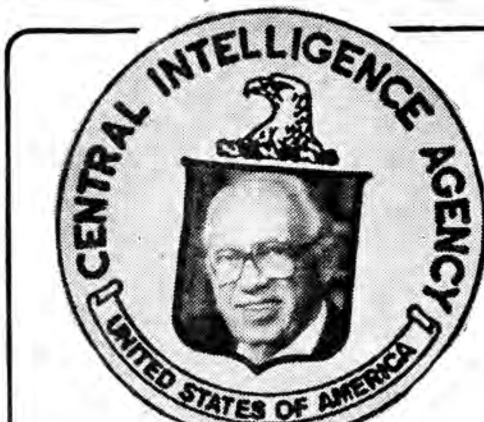
ولی‌متاسفانه‌بایداذعان‌کردکه آن تعصبات عقیدتی‌واین‌پیشداوری‌ها ،علی رغم همهٔ‌تجارب بزرگ‌وکوچک پرشمار انقلاب ،هنوزنقش‌مانعی‌رابرسرراه‌انسجام وهمکاری‌واتحادهمهٔ نیروهای راستین انقلابی ،قطع‌نظرازملاک‌های‌عقیدتی و مسلکی‌ایفاءمی‌کند .ونکته‌اینجاست که

نیروهای‌ضدانقلابی ،بسرکردگی‌آمریکااز همین‌تعصبات‌عقیدتی‌وپیشداوری ها حداکثرسوءاستفاده‌رابرای‌ممانعت از تشکیل‌جبههٔ‌متحدانقلاب ،کرده‌اند و می‌کنند .

دستگاه‌تبلیغاتی‌امپریالیسم ،به سرکردگی‌آمریکاوهمهٔ‌تفاله‌های‌آن ، در راه این‌مقصودهیچ رادع‌ومانعی‌ازشرم و حیانمی‌شناسند .هراقدامی‌که‌گامی‌در راه تحقق‌حقوق‌ومنافع زحمتکشان‌وتحدید میدان‌عمل سرمایه‌داری وابسته وبزرگ مالکی‌صورت‌گیرد ،به زعم این‌تبلیغات ضدانقلابی ، "کمونیستی" است . این تبلیغات‌ضدانقلابی‌ازخارج‌ودر داخل کشوربه‌هزارزبان یک نفس تکرارمی‌کند که "توده‌ای‌ها" همه‌جانفوذکرده‌اند و ادارهٔ‌اموکشور رابدست گرفته‌اند! کار وقاحت‌این‌شانتاژ به‌جایی‌رسیده که نه فقط مسئولان صاحب مقامی‌نظیر آقای بهزادنبوی "توده‌ای" معرفی‌می‌شود ، بلکه‌حتی‌سعی‌می‌شودکه‌آقای‌محمدعلی رجائی‌نیزکمابیش"توده‌ای" معرفی‌شود!

هدف‌این‌تبلیغات‌روشن‌است :از یک‌سو وادارکردن مسئولان‌به‌تبری‌خود ازاین‌اتهام‌ازطریق‌ضدیت‌با "توده‌ایها" وهمه‌پیروان‌راستین‌سوسیالیسم علمی ؛ وادارکردن مسئولان به خودداری از پیشبردانقلاب درجهت تامین‌حقوق ومنافع زحمتکشان ؛جلوگیری از اتحاد نیروهای‌انقلابی‌وبدین‌وسیله‌تضعیف جبههٔ‌انقلاب .وازسوی‌دیگرحفظ این امکان‌که‌بازمانندگذشته‌بانقاب "اسلامی" بعنوان‌یگانه‌ملاک انقلابی ،بتوان‌مهره‌های‌دیگری رانظیر امیر انتظام‌ها مراغه‌ای‌ها ،نزیه‌ها ، قطب زاده‌ها ، سلامتیان‌ها ،غضنفرپورها ،بنی‌صدرها (فهرست‌آنهادرازاست) در مقامات مسئول‌جاانداخت ویانگاهداشت .

ملاک‌تشخیص‌انقلابی‌ازضدانقلابی، نه‌مسلمان‌نمایی‌ونه‌مارکسیست‌نمائی‌است، ملاک‌تشخیص‌انقلابی‌ازضدانقلابی‌مشی عملی‌هرفرد ،هرسازمان ،هرنیرویی‌است که‌درمبارزهٔ‌پیگیر علیه‌امپریالیسم‌آمریکا ومتحدان‌وتفاله‌هایش ،درمبارزهٔ‌پیگیر برای‌تامین‌وتضمین‌آزادیهای فردی و اجتماعی‌وبرای‌تامین‌وتحقق‌حقوق‌ومنافع زحمتکشان بر ضد غارتگران‌ـ سرمایه ـ داری وابسته‌وبزرگ‌مالکی‌است .این ملاک‌راتجربه‌انقلاب‌بدست داده‌است . بایدآنراشناخت وبرمبنای‌آن‌عمل‌کرد .



رئیس "سیا" هم جنایتکار است هم دزد!

***برای نخستین بار در تاریخ ایالات متحده آمریکا یکی از سران سابق "سیا" (جورج بوش) به معاونت ریاست جمهوری این کشور انتخاب شد.**

***تجهیزات جاسوسی "سیا" علیه اتحاد شوروی از ایران "شاهنشاهی" به چین مائوسالاری انتقال یافت.**

چندی است که **ویلیام کیسی**، رئیس سازمان جاسوسی **"سیا"** ی آمریکا آماج حملات شدید **جناح متنفذی** از محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا **قرار گرفته است**. نزدیک به سه هفته پیش **تدا ستیونس**، معاون فراکسیون اکثریت سنای آمریکا، اعلام داشت که "کمیسیون ویژه" سنا درباره مسائل جاسوسی به استعفای کیسی تمایل نشان داده است. رئیس این کمیسیون، که کسی جز **بری گلدواتر**، سناتور آریزونا و یکی از نمایندگان دوآتشه "باز" - های آمریکا نیست، در محفلی خصوصی به همکاران خود گفته بود: **"کیسی باید برود"**، ("تایم" ۱۱ مرداد ۶۰/ ۳ اوت ۸۱). بگفته علنی وی انتخاب **"هیوجل"** "خطای کافی است که یا آقای **کیسی** را خود به فکر استعفا بیندازد و یا آنکه رئیس جمهور ترتیب آنرا بدهد" (همانجا). اما **هیوجل** کیست؟

مکس **هیوجل**، معاون بخش عملیات "کیسی" بود، که پس از فاش شدن اسنادی رسوا ساز درباره اختلاس و حقه بازی هایش (ظاهرا ازسوی **محافل جاسوسی رقیب**) از سوی اربابش مجبور **به استعفا شد. درضمن** این زمزمه نیز آغاز گردید که خود **ویلیام کیسی هم** درگذشته، در **زدوبندهای تجاری و رشوه گیری، از جمله از شرکت** - های شمارگرسازی **"کوپ سیستمز" و "پینور پارت مرز"** دست داشته است.

استیونس درپی افشای این اسرار، اعلام کرد که استعفای **کیسی** بنفع سازمان ("سیا") خواهد بود.

در این میان "کمیسیون ویژه" سنا بررسی **ماجرای کیسی** "را آغاز کرد و ظاهرا برای **آن که** "یکی از کثیف ترین هیاهوهای واشنگتن **پس از** روی کارآمدن ریگان" ("تایم" ۱۹ مرداد ۶۰/ ۱۰ اوت ۸۰) ونجات "سیا" از رسوائی **بیشتر** عجالتا پایان یابد، اعلام داشت:

"کمیسیون به اتفاق آراء نظر داد که پایه ای برای این نتیجه گیری نیافته است، که آقای کیسی شایستگی سمت ریاست "سیا" را ندارد".

ازسوی دیگر، **گلدواتر** اعلام کرد که "کمیسیون" تحقیقات خودرا ادامه خواهد داد. ولی چنانکه **"تایم"** پیشگفته در این زمینه می نویسد:

"درواقع همه کس در این بازی باخت".

درزیر، ضمن بررسی مفصل تر **"ماجرای کیسی"**، برخی دیگر از جوانب مرموز فعالیت "سیا" وزندگی رئیس آن را می کاویم:

* * *

هنوز چندروزی بیش از روی کار آمدن دولت **ریگان** نگذشته بود که روزنامه **"لوس آنجلس تایمز"** در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۵۹ (۱۵ فوریه ۱۹۸۱) **از** شرایط مساعد **"برای اوجگیری تازه عملیات سری "سیا""** سخن گفت. دیگر رسانه های **گروهی** ایالات متحده آمریکا نیز "کام بک" **(بازگشت) به** تبه کارانه ترین روش های جاسوسی را پیش **بینی** کردند. هفته نامه خبری **"یو.اس. نیوز اند ورلد ریپورت"**، در جمع بندی از کارنامه **نخستین ماه**- های فعالیت دولت **ریگان**، در تاریخ **۱۱ خرداد** ۱۳۶۰ (۱ ژوئن ۱۹۸۱) نوشت:

"با اقامت رونالد ریگان در "کاخ سفید" آینده سازمانهای جاسوسی تابناک بنظر می رسد".

این هفته نامه افزود، که سازمان های جاسوسی آمریکا درآینده **"از پول بیشتر و پرسنل گسترده تر"** برخوردار خواهند شد و دولت **ریگان** **"بار دیگر تاکید بیشتری بر عملیات سری در خارج"** خواهد ورزید.

درچنین جوی، ارگان های مطبوعاتی هار- ترین جناح های حاکم ایالات متحده آمریکا با شادی **وشعف فراوان** از تایید **ویلیام کیسی** از سوی کمیسیون دائمی سنا بعنوان رئیس **"سیا"** خبر **دادند** و سخنان "نوید بخش" دریادار **رابرت این من**، یکی از معاونان **کیسی**، را درباره **"غلبه برمحدودیت هایی"**، که **"سیا"** اکنون با آن روبرو است، با حروف درشت چاپ کردند.

سرجاسوسان "نامدار" آمریکا تنها به "لانگلی" (محل "سیا") راه نیافتند، بلکه **سروکله** بسیاری از آنها در صحنه سیاسی "واشنگتن" نیز پیدا شد. برای نخستین بار در تاریخ ایالات متحده آمریکا، یکی از سران سابق **"سیا"**، یعنی **جورج بوش** به معاونت ریاست جمهوری این کشور انتخاب گردید. **بری گلدواتر**، میلیونر آریزونا و یکی از لجام گسیخته ترین نمایندگان محافل تجاوزپیشه آمریکا، ریاست **"کمیسیون ویژه سنا برای جاسوسی"** را بعهده گرفت. **فرانک کالوچی**، معاون پیشین **"سیا"** به معاونت وزارت دفاع آمریکا برگزیده شد. **جنرال ورنون**، رهبر سابق عملیات سری کره جنوبی و ویتنام جنوبی و معاون **"سیا"** در سال- های ۵۶-۱۳۵۱، بعنوان فرستاده ویژه به "خدمت" وزارت خارجه درآمد.

گفته می شود که انتصاب کیسی به ریاست **"سیا"** برای **"ناظران صحنه جاسوسی آمریکا"** چندان شگفت انگیز نبود. نظری به زندگی نامه **ویلیام کیسی ۶۸** ساله نشان می دهد که حداقل **سه دلیل برای این انتصاب موجود است:**

*رئیس کنونی "سیا"، که در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۲۹۲ (۱۳ مارس ۱۹۱۳) درالم هرست (نیویورک) بدنیا آمد، ازاعتماد محافل بزرگ سرمایه داری "بیگ بی زینس" برخوردار است. **کیسی** پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی خود در "فوردهام" و "سنت جانز" در رشته حقوق "صلاح" آن دید که خودرا درخدمت "ده هزار فامیل" آمریکا بگذارد. این میلیاردر آمریکایی زمانی بعنوان یکی از موفق ترین مشاوران امور مالیاتی در ایالات متحده شهرت داشت. اعتماد عمیق "وال استریت" نسبت به **ویلیام کیسی** ده سال پیش درگزینش او از سوی **نیکسون** به عنوان رئیس "سکیوریتی انداکس چینج کامیشن" نهادی دولتی که بر انتقال وجوه مالی و سهام نظارت دارد، بازتاب یافت. دراینجا بود که **کیسی** بازدوبندهای مالی انحصارهای ایالات **متحده آمریکا در آمریکا و جنایات کنسرنهایی چون "آی.تی.تی."** (یکی از مسببان کودتای خونین شیلی) آشنا گشت. چنانکه دریکی از دادگاه های آمریکا ثابت شد، **کیسی** ازکاربست دانش جدید خود برای به جیب زدن میلیونها دلار اباتورزید وی در سال ۱۳۵۲ معاون وزارت خارجه در امور اقتصادی و دوسال بعد رئیس "بانک صادرات- واردات" گردید. **کیسی** در سمت اخیر در اعطای اعتبار به **پینوشه**، دیکتاتور خون آشام شیلی، دست ودلبازی بی نظیری نشان داد. او دراین مدت با ثروتمندترین وقدرتمندترین محافل ایالات متحده آمریکا مناسبات شخصی برقرار کرد ومجدانه در راه پیشبرد منافع ودسیسه های چپاولگرانه و نواستعماری آنها در کشورهای "جهان سوم" گام برداشت. **کیسی**، بعنوان عضو "کمیسیون نظارت برتسلیحات"، رشته های پیوندنزدیک خود را با مجتمع نظامی - صنعتی تقویت بخشید.

*رئیس **"سیا"** در "حزب جمهوریخواهان" نیز فعال بوده است. وی سرپرست ستاد مبارزه **انتخاباتی رونالد ریگان** بود. گفته می شود که **رونالد ریگان** باداشتن چنین تبلیغات چی، اطمینان داشت که "خطای روانی" مرتکب نخواهد **گردید**. بعبارت دیگر، **کیسی** وظیفه داشت که رضایت محافل متنفذ "بیگ بی زینس" را جلب و با **شعارهای** هرچه بیشتر فریبکارانه برای **ریگان** رای جمع کند. جارچیگری برای **ریگان** نخستین تجربه **کیسی در این زمینه** نبود. او درسال های ۴۰ مسئولیت تبلیغ برای **"نامزدهای حزب جمهوریخواهان"** را بدست گرفت ودر **مبارزات انتخاباتی آیزنهاور** (۱۳۳۵) ونیکسون (۱۳۳۹) نیز نقش مهمی داشت.

انتخاب **کیسی** را بعنوان جارچیگری **ریگان** در این واقعیت باید جست، که رهبران "حزب جمهوریخواهان" در او فرد مناسبی را برای اعمال مشی رویارویی نظامی وسیاسی می دیدند. اگر این ادعا لزومی به اثبات داشته باشد، کافی است که از عضویت او در "کمیته خطر کنونی" نام برد. این کمیته، که ازافراد متنفذ عرصه سیاست، اقتصاد، نیروهای مسلح، رسانه های گروهی وغیره تشکیل می شود، هدف خودرا ایجاد جوی مساعد برای پیشبرد هرچه بیشتر سیاست تسلیح و زور- گویی نظامی می بیند. بنوشته "دباستون گلوب"، (۲۸ آوریل ۱۹۸۱)، ازجمله اعضای "نامدار" کمیته نامبرده عبارتند از: پرزیدنت **ریگان**، **ریچارد آلن**، مشاور امنیتی او، **یوجین وی. راستو**، رئیس به اصطلاح "اداره کنترل تسلیحات وخلع سلاح" ونزدیک به ۲۰ شخصیت عالیرتبه دولت **ریگان**.

***معاون کیسی وشخص محبوب گلدامایر از همه بیشتر برای شاه منفور سینه چاک می داد.**

***کیسی** همچنین بعنوان "جاسوس کهنه کار" معروف است. او درجریان جنگ دوم جهانی از سوی **"آفیس آو استراتیجیک سرویسز"** (سازمان جاسوسی آمریکا در آن دوران) به جبهه اروپا فرستاده شد. گویا وی در سال ۱۳۲۳، سرپرست شعبه این سازمان سلف **"سیا"** درلندن بوده است گفته می شود که او در آن زمان با **ریچارد هلمز**، رئیس **"سیا"** ی **نیکسون** وسفیر پیشین آمریکا در ایران آشنا گردید. آنچه مسلم است آنست که **کیسی** در دهه های گذشته هرچه بیشتر با فعالیت های جاسوسی درپیوند بود. تاهمین چندی پیش رسانه های گروهی ایالات متحده آمریکا واروپای غربی در مقاله های سفارشی از "تیزبینی فوق- العاده" این "بازوی قوی" **ریگان** به تمجید و سپس می پرداختند.

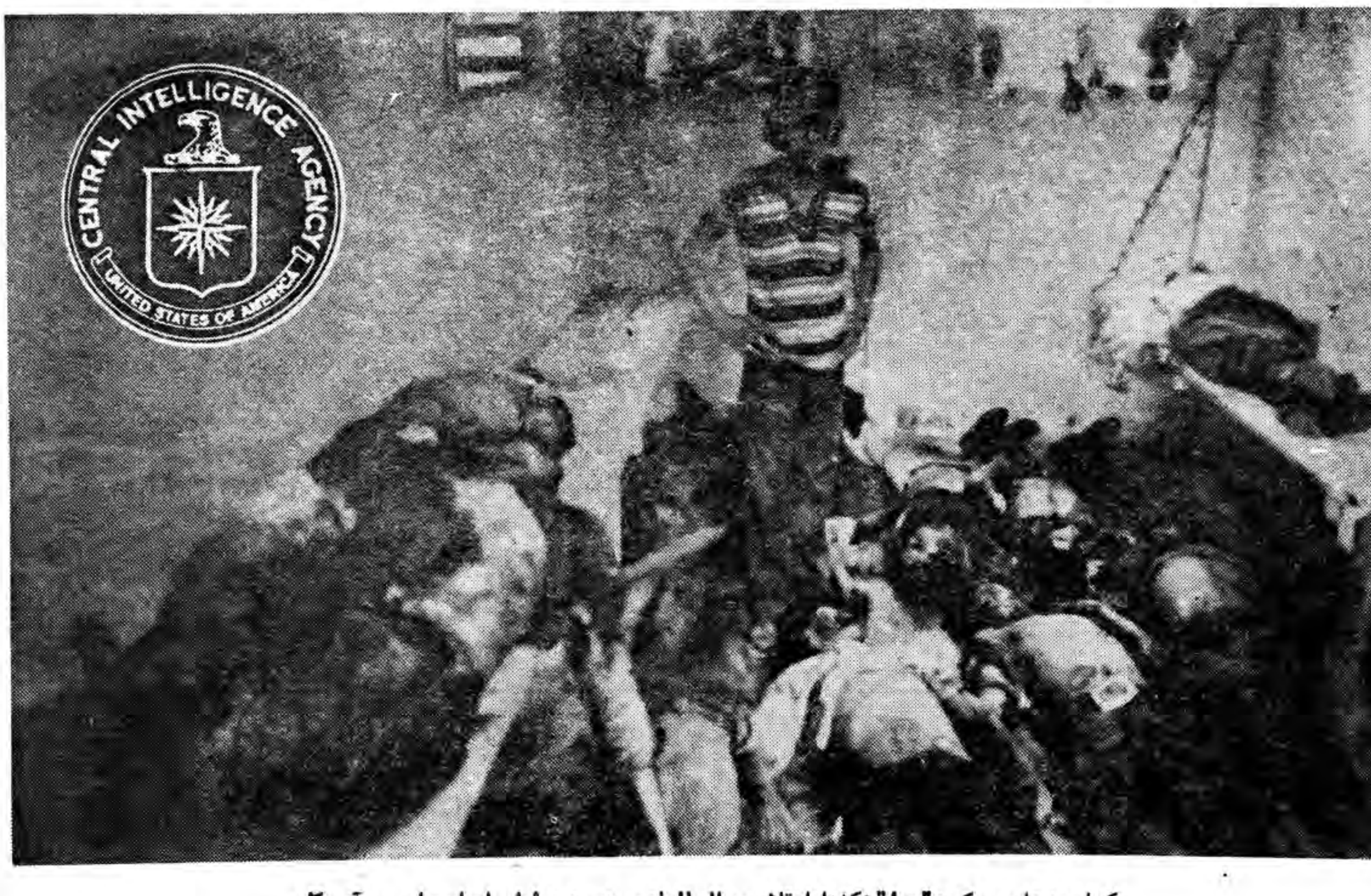
برای درک اهمیتی که **ریگان** برای **ویلیام کیسی** قائل است، یادآور می شویم که رئیس کنونی **"سیا"** وسراسر دستگاه امنیتی ایالات متحده (به اصطلاح "اینتلی جنس کامیونیتی"، مرکب از **دوازده سازمان گوناگون**) نخستین سرکرده حرگه **"لانگلی"** است که درعین حال، عضو کابینه است. بدین ترتیب، **"سیا"** بیش از پیش می تواند برتصمیمات دولت تاثیر گذارد.

البته **ویلیام کیسی** تاکنون درباره مشی آتی **"سیا"** چیزی بزبان نیاورده است. ازسوی دیگر، برخی شواهد حاکی است که **ویلیام کیسی** هم اکنون "عملیات خاص" خودرا آغاز کرده است. **رالف مک گی**، که ۲۵ سال در خدمت سازمانهای جاسوسی ایالات متحده بود، درشماره ۲۲ فروردین ۱۳۶۰ (۱۱ آوریل ۱۹۸۱) "دنیشن" از سه نمونه از این گونه "عملیات" درباره السالوادور پرده برمی دارد: جعل اسناد برای "اثبات" به اصطلاح واگذاری سلاح از سوی کشور- های سوسیالیستی به نیروهای آزادی بخش

بقیه در صفحه ۴

***یکی ازاولین شیرینکاری های رئیس کنونی "سیا" جعل اسناد وزارت خارجه آمریکا درباره به اصطلاح کمک کشورهای سوسیالیستی ونیکاراگوئه به مبارزان السالوادوری بود.**

***ویلیام کیسی در اعطای اعتبار به پینوشه جلاد** دست ودلبازی بی نظیری نشان داد.



یکی ازصدها چهره کریه "سیا": کشتار انقلابیون السالوادور بدست **عوامل** سازمان جاسوسی آمریکا.

رئیس "سیا"...

بقیه از صفحه ۳

السالوادور، کارزار دروغ و بهتان درباره "تهاجم کمونیستی" به السالوادور از خاک نیکاراگوئه، ونشر جزوهٔ ساختگی وزارت خارجهٔ آمریکا دربارهٔ "کمک کشورهای کمونیستی" به آزادیخواهان السالوادور، "سیا" برای پرده پوشی بر عملیات خود، دیپلماتی را به سان سالوادور فرستاد، که چند روز پیش از بازگشت خود به آمریکا "هشت نه کیلو مدرک" از طرف "ناشناسی" دریافت داشت. همین "مدارک" بود که چند روز بعد بعنوان "اسناد خیلی محرمانه" از سوی پیک‌های بلند پایهٔ وزارت خارجهٔ آمریکا به پایتخت‌های کشورهای "ناتو" فرستاده شد.

در روز اول اسفند ۱۳۵۹ (۲۰ فوریه ۱۹۸۱) هنگامیکه **ایگل برگر**، فرستادهٔ ویژهٔ ایالات متحده آمریکا، مدارک "**سیا**" ساخته را در وزارت خارجه جمهوری فدرال آلمان بروئیت می رسانید، **فیلیپ ایجی**، همکار سابق "**سیا**" درآمریکای

*** "سیا" از تدارک حملهٔ اسرائیل به پژوهشگاه اتمی عراق اطلاع داشت.**

لاتین، **در کنفرانس مطبوعاتی بن اظهار داشت** که، هرگز کسی "اصل" این اسناد را بچشم نخواهد دید، زیرا که چنین "اصلی" اصلا وجود خارجی ندارد. بگفته **فیلیپ ایجی**:

"**سیا" میخواهد در السالوادور ویتنامی دیگر** تدارک ببیند.

قتل هرچه بیشتر میهن دوستان السالوادور ازشیوه‌های **ویلیام کیسی** سخن می گوید. بگفته **مک گی** در مقالهٔ پیشگفته "**دنیشن**":

"**آنجا که از واقعیات و یا دلایل لازم برای توجیه مداخلهٔ ایالات متحده آمریکا خبری نیست "سیا" به ایجاد جو ضرور و جعل "دلایل" ونشر آنها از طریق رسانه‌های خود در سراسر جهان دست می زند**".

جعل "اسناد السالوادور" نشان می دهد که چگونه سازمان جاسوسی آمریکا درصدد گسترش کارزار بهتان آمیز "تروریسم بین المللی پرورده مسکو" است. هدف آمریکا از این کارزار تدارک مداخلهٔ خود علیه کوبا، نیکاراگوئه، السالوادور، خاور نزدیک و همه کشورها و مناطقی است، که در آنها با مقاصد چپاولگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم ایالات متحده مبارزه می شود. بر پایهٔ گزارش "**یو.اس. نیوز اند ورلد ریپورت**" ۱۱ خرداد ۱۳۶۰ (۱ ژوئن ۱۹۸۱)، کیسی می خواهد از این پس به "**عملیات سری**" از همهٔ اسلاف خود "**توجه بیشتری مبذول دارد**".

درچارچوب این "بذل توجه" است، که **ساویمبی**، سرکردهٔ باند "**اونیتا**"، که در مهاجرت آفریقای جنوبی بسر می برد، بار دیگر برای تحمیل راه حلی امپریالیستی برنامی بیا علیه "**سواپو**" (وهمچنین آنگولا) فعالیت از سر می گیرد و مناسبات میان سازمان‌های جاسوسی "واشنگتن" و "پرتوریا" گسترده تر می گردد. یاآنکه مقامات دولتی موزامبیک و زامبیا از دسیسه‌های "**سیا**" علیه کشورهای خود پرده برمی دارند. از سوی دیگر علیه لیبی کارزاری خصمانه در سراسر جهان برپا می گردد و به اعتراف "**بی زینس ویک**" (۱۰ فروردین ۱۳۶۰/ ۳۰ مارس ۱۹۸۱) پاکستان هر چه بیشتر به پایگاه نظامی و جولانگاه فعالیت های جاسوسی "سیا" علیه افغانستان و ایران و دیگر کشورهای همسایه بدل می شود. علاوه بر این چنانکه مجله آمریکایی "**کاثونتراسپای**" فاش می-





دوحقه باز درکنار یکدیگر: ویلیام کیسی و مکس هیوجل

سازد، "سیا" از **ضدانقلابیون و اشرار افغانی** برای قاچاق تریاک و **دیگر مواد مخدر** از افغانستان استفاده می جوید.

درپیوند با حملهٔ اسرائیل به پژوهشگاه **اتمی عراق، جالب است که جنگنده‌های "اف. ۱۶"** **از دیدهٔ دستگاه‌های مراقبتی ابر مدرن آمریکا** درعربستان سعودی پوشیده ماندند، در حالیکه همه شواهد حاکی از آنست که دستگاه وسیع جاسوسی آمریکا در اسرائیل از تدارک این تهاجم آگاهی کامل داشت.

چند هفته پیش، هنگامیکه خبر سفر **کیسی** به آسیا در مطبوعات جهان فاش شد، روزنامه‌های آمریکایی دربارهٔ دستگاه‌های جاسوسی الکترونیکی لب به سخن گشودند، که در مرزمیان چین و اتحاد شوروی استقرار یافته‌اند و از سوی سازمان‌های جاسوسی آمریکا اداره می گردند. گفته می شود که این دستگاه‌ها از ایران "شاهنشاهی" به چین مائوسالاری انتقال یافتند.

مطبوعات اروپای غربی خبرمیدهند، که دستگاه‌های جاسوسی آمریکا فعالیت خود را در این کشورها در پیوند با استقرار ۵۷۲ موشک "پرشینگ ۲"، موشک‌های بالدار و جنگ افزارهای نوترونی در این قاره و تحمیل افزایش بودجه تسلیحاتی بر متحدان اروپایی "ناتو" گسترش بخشیده‌اند. شکی نیست که اراجیف رسانه های گروهی بورژوایی درباره باصطلاح "برتری نظامی اتحاد شوروی" و کارزارهای بهتان آمیز و کمونیسم ستیزانه علیه جنبش صلح کشور های اروپای غربی ازززادخانهٔ "**سیا**" سرچشمه می‌گیرند.

ایالات متحده آمریکا پس از پیروزی چشمگیر نیروهای چپ در فرانسه وشرکت چهار وزیر کمونیست در کابینه آن کشور به "ابراز نگرانی" علنی بسنده نکرد، بلکه برای حفظ کنترل "**ناتو**" برفرانسه وجلوگیری از "**تحولات ناخوشایند**" و بانقض آشکار حاکمیت این کشور به تحکیم و گسترش فعالیت های جاسوسی خود در فرانسه اقدام ورزید.

چند هفته پیش، پس از آنکه فعالیت سازمان ارتجاعی وسری "پ.۲" درایتالیا فاش و معلوم شد که سازمان نامبرده واعضای برجستهٔ آن، از جمله پاره‌ای از سیاستمداران، سرمایه داران، ارتشیان، ماموران جاسوسی و دیپلمات های سرشناس ایتالیا، درصدد تدارک کودتا علیه دولت قانونی ایتالیا بودند، بار دیگر از پیوندهای "پ.۲" با "**سیا**" سخن به میان آمد. چنانکه میدانیم هربار که درایتالیا انتخابات برگزار ویا کابینه جدیدی تشکیل می شود، کارزار "**خطر چپ**" ارتجاعیون ایتالیا باتهدیدات دیپلماتیک **و نه چندان دیپلماتیک** دولت آمریکا هماهنگ می‌گردد.

البته اوضاع همیشه نیز بر وفق **مراد آقای ویلیام کیسی** و دسیسه‌پردازان "**لانگلی**" نبوده است: در موزامبیک یک شبکه جاسوسی **ایالات متحده آمریکا** کشف شد، در زامبیا دو **جاسوس** دیپلمات نمای "**سیا**" به اتهام توطئه برای سرنگونی دولت کائوندا از آن کشور اخراج گردیدند، به کوری چشم "**سیا**"، جنبش صلح در اروپای غربی گسترش می یابد وحتی برخی از **سران** پیشین "**ناتو**" مخالفت خود را باتسریع مسابقهٔ تسلیحاتی ازسوی "پنتاگون" ابراز داشته‌اند، در **السالوادور**، یعنی درنزدیکی "دژ سرمایه داری جهان"، نهضت مقاومت ضد امپریالیستی روز به روز توسعه می یابد، کشورهای آفریقایی هرچه بیشتر سیاست ایالات متحده را دربارهٔ نامیبیا مردود می شمرند، وبالاخره "کاورت اکشن"، ارگان گروهی از مخالفان "**سیا**"، در یکی از شماره‌های اخیر خود، نام ۱۵ جاسوس این سازمان را فاش ساخت، که بعنوان دیپلمات در ۱۲ کشور جهان انجام وظیفه می کنند.

تغییراتی که سالها پیش در ترکیب پرسنل و ساختار دستگاه جاسوسی ایالات متحدهٔ آمریکا ـ مرکب از ۲۰۰ هزار جاسوس حرفه‌ای در داخل و خارج ـ آغاز شد، اینک باشتاب بیشتری پیگیری می گردد. دراین زمینه، جالب است که **کیسی رابرت این من** را بعنوان معاون اول خود منصوب کرد. یادآور می شویم که **رابرت این من** پیش از این رئیس "نشنال سکیوریتی ای جنسی" یکی از مجهزترین دستگاه‌های جاسوس جهان ـ و از جمله کسانی بود، که برای حفظ رژیم منفور شاه در ایران بیش از همه سینه چاک میدادند. به نوشته "**نیوزویک**" (۵ مرداد ۱۳۶۰/ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۱)، **گلدواتر** مایل است، که **این من** جانشین **کیسی** شود.

معاون "بخش عملیات" **کیسی** تا همین چندی پیش **مکس هیوجل** بود، که درجنگ دوم جهانی در بخش جاسوسی ارتش آمریکا درژاپن و فیلیپین اشتغال داشت وبعدها حرفهٔ خودرا به خاطر کسب وتجارت درکشورهای آسیایی ترک کرد. (مجله "نیوزویک" (۵ مرداد ۱۳۶۰/ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۱) به دروغ می نویسد: "تنها صلاحیت هیوجل ... برای سمت بسیار حساس معاون "بخش عملیات" رابطه او با ویلیام ج. کیسی بود". همین دروغ در "تایم" ۱۱ مرداد ۶۰ (۳ اوت ۸۱) تکرار می شود.

پس از افشاگری‌های رسوا ساز درباره اختلاس وحقه بازی‌های **هیوجل** درگذشته (ظاهرا از سوی محافل جاسوسی رقیب). **کیسی** چند هفته پیش او را به استعفا مجبور ساخت. یکی دیگر از انتصابات بحث برانگیز **ویلیام کیسی استانلی اسپورکین** بود، که باوی در "اسکیوری تیز انداکس چینج کامیشن" کار میکرد واکنون به اصطلاح مشاور کل حقوقی (جنرال کائونسل) "**سیا**" شده است. **استانلی اسپورکین** در این سمت وظیفه دارد تا همه عملیات تخریبی "**سیا" را از نظر قانونی** توجیه کند. برای نمونه، به نقل از "نیوزویک" (۵ مرداد ۶۰ ۲۷ ژوئیه ۱۹۸۱) وی **هنوز معتقد است که هیوجل** جرمی مرتکب نشده است!

همانگونه که در بالا یادآور شدیم، میان سازمان های جاسوسی آمریکا و کمیسیون ویژه سنای این کشور، که سیاست آنرا هارترین محافل ایالات متحده تعیین می کنند، هماهنگی خاصی موجود است. نزدیک به یکسال پیش (اکتبر ۱۹۸۰) دولت **کارتر** قانونی از کنگره گذراند که بر پایه آن شمارهٔ کمیسیون های ذی صلاحیت "کنگره" در امور جاسوسی از ۸ به ۲ کاهش یافت. چندی پیش گروهی از کارشناسان مسائل جاسوسی از جمله مسئله الغای "اکزه کیوتیو اوردر ۱۲۰۳۸"، را مورد بررسی قرارداد. این فرمان، که سه سال **پیش صادر شد، برخی از اختیارات سازمان‌های**

*** هارترین جناح‌های محافل حاکم آمریکا می‌خواهند سلاح‌های اتمی دراختیار "سیا" بگذارند**

*** چگونه "سیا" از "مبارزان" افغانی برای قاچاق تریاک و دیگر مواد مخدر استفاده می کند.**

جاسوسی را محدود ساخت و پاسخی بود به نگرانی فزایندهٔ افکار عمومی از نقض هرچه بیشتر حقوق آنها از سوی سازمان‌های جاسوسی آمریکا. بدین ترتیب، مقامات آمریکایی درصددند تا سدهایی را، که احتمالا هنوز در راه خودسری‌های "**سیا**" ودیگر سازمان های جاسوسی **این کشور موجود** است، از میان بردارند. **تعطیل دفتر روابط** عمومی "**سیا**" نشانگر **بی احترامی و بی اعتنائی** این سازمان به **افکار عمومی** است.

چندی پیش **دیوید وایز**، که به خاطر کتابهای جاسوسی خود در بازار کتاب های بولواری آمریکا شهرتی دارد، با بهره برداری از جو "سیا" طلب کنونی، کتابی به بازار عرضه کرد، که در آن از واگذاری سلاح‌های هسته‌ای به "**سیا**" هواداری می گردد!

به موجب اسناد محرمانه‌ای که چند هفتهٔ پیش خبرگزاری "**آسوشیتد پرس**" منتشر ساخت، قرار است دست سازمان‌های جاسوسی آمریکا در زمینه دستبرد غیرقانونی به حقوق دمکراتیک شهروندان ونهادهای اجتماعی گوناگون در آینده از این نیز بازتر شود. پشتیبانی علنی **ریگان** را در اوائل بهار از دو مامور "**اف. بی. آی.**"، که در سالهای ۷۰ بدون هیچگونه مجوز قانونی به بازرسی برخی خانه‌ها پرداخته بودند، در این چارچوب باید ارزیابی کرد. "آمریکن سیویل لیبرتیز یونیون"، یکی از سازمان هایی که هدف آن دفاع از حقوق دمکراتیک شهروندان آمریکاست، این هواخواهی **ریگان** را "**دعوت جاسوسان "اف. بی. آی." به نقض خودسرانهٔ حقوق مدنی مردم آمریکا خواند**. "این گفته تنها نمونه‌ای از نگرانی عمیق آمریکایی ها و محافل دمکراتیک این کشور از گرایش‌های خطرناکی است، که هدف آنها "قدرقدرت" ساختن "**سیا**" ودیگر سازمان های جاسوسی ایالات متحده در جامعه آمریکاست. با سابقه‌ای که خلق های کشورهای گوناگون جهان، از جمله مردم ما، از جنایات این سازمان‌ها دارند، در این نگرانی باید سهیم بود.

بازگشائی دانشگاه‌ها...

بقیه از صفحه ۱

می شد، وحتما می شد، اگر تعصبات بیجا در کار تغییر نظام دانشگاهی دخالت نمی کرد، اگر بدون تعصبات گروهی وعقیدتی به مسئلهٔ مهم آموزش عالی برخورد می شد.

دانشگاه‌ها تعطیل شده‌اند، تا دانشجویان استعمارزده بار نیایند. اماهم اکنون متجاوز از دویست هزار جوان در مراکز جاذبه شیوه زندگی سرمایه داری امپریالیستی مقیم اند. تا چه بشود؟ "غرب زده" بار بیایند؟ این یک بام ودو هوا را چگونه می توان توجیه کرد؟

اکثریت دانشجویان دانشگاهی ایران در مقایسه با دانشجویان مقیم خارج از یک سو مستعدتر ودرس خوان تر و از سوی دیگر، وبویژه محروم از ثروت و رفاه‌اند. اینان از هفت خوان کنکور دانشگاهی دوران طاغوت به سلامت گذشته‌اند، درحالیکه فرزندان خانواده‌های مرفه با استعدادی کمتر، به اتکا به ثروت والدین خود راهی خارج شده‌اند. اکنون آیا انصاف است که دانشجویان با استعداد و درسخوان ولی بی پول را از ادامه تحصیل محروم کنیم و دانشجویان پولدار را در اروپای غربی وآمریکا به هزینه آنان نگاه داریم؟

دربازگشائی دانشگاه‌ها باید شتاب کرد

برای بازسازی کشور نیاز به کادر متخصص داریم. هیچ کشور انقلاب کرده‌ای که باید از نو خود رابسازد، نمی تواند از کادر متخصص بی نیاز باشد، ونه فقط بی نیاز نیست، بلکه بدان نیاز حیاتی دارد. اماچگونه باید این تخصص را تامین کرد؟

نخست باید بادگرسازی نظام فرهنگی نو-استعماری به آموزش جوانان پرداخت. کشور وابسته طاغوت زده ما نیاز به دهها هزار دانشمند و پزشک ومهندس و تکنیسین وقابله وپرستار دارد که تامین آن به سرمایه هنگفت مادی ومعنوی احتیاج دارد. تعطیل دانشگاه‌ها در این امر مهم وقفه‌ای طولانی پدید آورده که باید هرچه زودتر آن را برطرف کرد. باتعطیل دانشگاه‌ها، چند صد هزار دانشجو تحصیلشان ناتمام ماند. درسال گذشته نیم میلیون نفر از دبیرستانها فارغ التحصیل شدند و ۵۱۰ هزار نفر نیز درکنکور سال ۵۸ پشت در ماندند. یکی از مسئولان وزارت کار وامور اجتماعی اخیرا گفته است که درسال گذشته ۶۰۰ هزار دیپلمه بیکار وارد بازار کار شدند، که حاضرند با ماهی ۱۵۰۰ تومان مشغول کار شوند. واین هشداری جدی است. بلاتکلیفی وبیکاری باید تا چه حد آزاردهنده باشد که دراین شرایط تورم وگرانی توانفرسا، ۶۰۰ هزار جوان حاضر به فروش نیروی کار خود درقبال روزانه ۵۰ تومان دستمزد شوند، که فقط بهای نیم کیلو گوشت است ولاغیر. بازگشائی دانشگاه‌ها می تواند این استعدادهای عاطل و باطل را در راه صحیح بکار گیرد و درخدمت کشور ومردم بگمارد.

برای تامین کادر آموزشی دانشگاه نیز نباید یکسویه نگر بود. نباید با چراغ بدنبال استاد مکتبی گشت وعلامت مکتبی بودن راهم درظواهر جستجو نمود. **امام خمینی** درباره استفاده از تخصص ها، رهنمود روشن و صائبی دادند. **امام خمینی** می گویند:

درمورد انتخاب استادان همین قدر که استادی باشد تخصص داشته باشد ودرمسیری که ما می خواهیم متخصص وقابل بهره برداری باشد و کار او سودمند و نافع به اجتماع باشد وعمل او به هیچوجه برخلاف نهضت نباشد، ولو اینکه مسلمان نباشد، ما ابائی نخواهیم داشت از بهره جستن از کار او وتخصص او، بلکه اصرار داریم که حتما از خدمات این گونه استادان هم استفاده کنیم و سود بجوئیم".

با این رهنمود روشن، باید از دانش و استعداد کادر علمی دانشگاه که مومن به انقلاب است، استفاده کرد. حتی باید متخصصانی را که سر دشمنی با انقلاب ندارند، اما از درک خصلت والای آن عاجز مانده‌اند، بکار گرفت، باید آنان را به دوست بدل کرد نه آنکه بسوی دشمن راند تنها و تنها کسانی را باید کنار گذاشت که ضد انقلاب اند، ساواکی اند، سرسپرده رژیم طاغوت اند و دانش و استعداد آنها فقط درجهت تخریب و ویرانگری است.

اکنون که دولت جدید به نخست وزیری **دکتر باهنر** برسرکار است وگروهکهای آمریکایی، مائوئیست و لیبرال سرکوب شده‌اند. برای بازگشایی دانشگاه ها با آهنگ سریع تر فرصت مناسبی پدید آمده است. دراین شرایط وظیفهٔ برقراری نظم انقلابی در دانشگاه‌ها را می توان و باید به دانشجویان مومن به انقلاب، صرفنظر از مواضع فکری آنان سپرد. آنها خود به نیکوترین وجه، راه را برفعالیت بقایای گروهکهای مخرب خواهند بست.

تفسیر وقایع مهم جهان

چهرهٔ تبه‌کار شیطان بزرگ

شیطان بزرگ. چه‌نام برازنده‌ای، امام خمینی برای امپریالیسم آمریکا برگزیده است [واقعا هم جز شرارت وخباثت ذاتی شیطانی چه کاری از دست‌این‌ام‌الفساد قرن بر می‌آید؟ انسان‌ها در تلاش ساختن وآفریدن زندگی نو هستند وشیطان بزرگ‌درصدد محو آثار حیات‌از روی زمین. دولت‌ریگان در روز ششم اوت، همان‌روز شومی کهامپریالیسم آمریکانخستین‌بمب اتمی خود را روی شهر بیدفاع‌هیروشیماانداخت تصمیم‌گرفت که‌تولید سلاح نوترونی‌رادرمقیاس کامل آغاز کند. بدینسان تولیدکلاهک‌های نوترونی که در سال ۱۹۷۸

هنگام زمامداری کارتر زیر فشار اعتراض همگانی متوقف شده بود اینک به‌یمن "قاطعیت"جلادمنشانه ریگان ازسرگرفته می‌شود. بمب‌نوترونی یکی ازسهمناکترین سلاحهای ویرانگر است زیرا هدف آن نابودکردن انسان‌بدون‌آسیب‌رساندن به‌اموال ودارائی‌ها وثروت‌های مادی‌آن‌است. بمب‌نوترونی کارگر رامیکشد اما کارخانه را بجا می‌گذارد، کشاورز را ازبین‌میبرد، امامزرعه و تراکتور وکمباین آنرا نگاه میدارد. تشعشعات رادیواکتیو بمبهای‌نوترونی به‌حیات‌این‌گرامی‌ترین عنصر آفرینش آسیب میرسانند اما طلا، نقره، سنگ وآهن ومبل‌واثاثیه‌رابرای متجاوزان باقی‌میگذارد وتنهاهمین‌خصیصه‌است که بمب نوترونی را درچشم‌سیری ناپذیر جهانخواران به‌سلاحی دلپذیرمبدل ساخته‌است. اگر یک‌بمب نوترونی در نقطه‌ای‌منفجر شود تنهاشیشه‌ها را در دایره‌ای‌به‌شعاع ۴۰۰متر می‌شکند و به هیچ چیزدیگر آسیب نمی رساند بناها، ماشین‌ها و سایر ثروت‌های‌مادی همه‌بجامی‌مانند اما هر انسانی دراین دایره قرارداشته‌باشدبصورت‌یک مایع غلیظ بر روی زمین پخش میشودواگردورتر تامسافت‌یک‌میلی باشد بلافاصله قدرت هرگونه حرکت رااز‌دست میدهد وپس‌از ده‌پانزده روز با تحمل دردهای طاقت‌فرسا جان‌میدهد. هرکس درهرفاصله‌ای در معرض تشعشعات‌رادیواکتیو بمب نوترونی قرارگیرد تاثیرات این تشعشع را به‌نسلهای بعد منتقل میکندوفرزندان اوناقص‌الخلقه‌به‌دنیا می‌آیند. دانشمندان معتقدندکه برای تاثیراین‌تشعشعات‌به نسل‌های بعد نمیتوان‌محدودیت زمانی قائل شد. شاید آثار آن در نسل‌هائی که صدها سال دیگر هم بوجود می‌آیند ظاهر گردد. اینک شیطان بزرگ این‌سلاح‌راکه‌مظهر تمام صفات رذیله خوداوست در بالای سر خلق‌های‌جهان‌نگاه‌داشته‌میگوید یا به‌خواست‌های جهنمی من تسلیم شوید یا خود را برای مرگ اتمی‌آماده‌کنید.

امپریالیسم آمریکا منطقه مارا به‌سرعت به یک‌منطقه اتمی تبدیل میکند، هم‌اکنون طبق نوشته‌مطبوعات‌آمریکا، نوزده‌بمب‌هسته‌ای در جزیره دیه‌گوگارسیا جای‌داده‌شده‌است. تردیدی نیست‌که‌اگر بمب‌های‌نوترونی آماده شدند امپریالیست‌های‌آمریکائی منطقه مارا از آن‌بی‌نصیب‌نخواهند گذاشت.

تصمیم دولت‌ریگان درمورد‌تولیدکلاهک‌های‌نوترونی موجی‌ازاعتراض در سراسر جهان برانگیخته‌است. خلق‌های‌اروپاکه‌یک بار در سال ۱۹۷۸دست جنایتکاران آمریکائی را از کار باز داشتند وتولیداین‌سلاح‌مرگبار را در نیمه راه متوقف ساختند باردیگر به‌صحنه‌آمده و در راه حق‌حیات‌خود‌به‌مبارزه‌برخاسته‌اند. در فرانسه ایتالیا، انگلستان، آلمان‌فدرال و سایرکشورهای اروپای غربی نه‌تنها مردم بلکه‌همچنین گروهی از‌شخصیت‌های‌سیاسی واجتماعی مخالفت‌قطعی خود را باتصمیم دولت‌آمریکا اعلام‌داشته‌اند. به‌محض آنکه خبرتصمیم‌ریگان در مورد تولید بمب‌های‌نوترونی به‌جمهوری فدرال آلمان‌رسید هزاران‌نفر از پیر و جوان به‌خیابان‌ها ریختندو فریاد میزدند: "نیست‌باد بمب‌نوترونی". درشهر فرانکفورت دسته‌بزرگی از جوانان بنای ستاد نیروهای‌نظامی آمریکارادرمحاصره‌گرفته شعار میدادند: "ازسرزمین‌ماچه‌میخواهید؟ یانکی‌ها گورخودراگم‌کنید." دربرخی ازکشورهای‌اروپای غربی حتی مقامات‌رسمی زیرفشار اعتراض‌توده‌های‌مردم تصمیم‌ریگان رامحکوم‌کردند. نخست وزیردانمارک، وزیرامورخارجه‌سوئد، گروه‌بزرگی ازنمایندگان پارلمان انگلستان از حزب‌کارگر، برخی ازنمایندگان پارلمان آلمان‌فدرال ازحزب سوسیال‌دموکرات‌تصمیم‌ریگان را در مورد تولید این‌سلاح‌جهنمی به‌شدت نکوهش‌کردند.

کنفرانس‌بین‌المللی منع سلاح‌اتمی که در پایتخت ژاپن باشرکت نمایندگان ۳۲کشور و۱۴ سازمان‌بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد تشکیل شده‌بود به‌محض اطلاع از تصمیم دولت امریکا در مورد تولید بمبهای نوترونی طی تلگرامی به‌ریگان‌نوشت‌این‌تصمیم ماراتکان‌داده است.

هندوستان همسایه بزرگ‌مانیز از زبان نخست‌وزیرخودنگرانی‌خود را از این تصمیم دولت‌آمریکاابراز داشت. در خود آمریکا نیز برخی ازسیاستمداران ودانشمندان این تصمیم ریگان رامحکوم‌کرده‌اند.

سیاست‌جنگ‌افروزانه رهبران کاخ سفید میتواند فاجعه جبران‌ناپذیری برای‌حال‌وآینده بشریت‌به‌باربیاورد. ریگان که‌مرتجعترین جناح طبقه‌حاکم آمریکا دست اورا گرفته و به‌کاخ‌سفید فرستاده‌اند سیاست‌جنگ‌افروزی رابا‌سرسختی ادامه‌میدهد. نیوزویک مینویسد ریگان درجلسه شورای‌امنیت‌ملی آمریکاگفته‌است، من‌دیگراجازه نخواهم داد که‌تصمیمات نظامی آمریکا به پشتیبانی متحدانش موکول‌شود. در اجرای همین‌سیاست نیز ریگان در این مورد با سایر کشورهای‌عضو‌پیمان آتلانتیک قبلا‌مشورت‌نکرده است. که‌البته‌خود این اظهارات تلاشی برای سبک‌کردن بار رهبران کشورهای اروپای غربی است‌که‌به‌شدت‌زیرفشارتوده‌های‌مردم قراردارند سلاح‌های نوترونی در داخل خاک آمریکا مورد استعمال ندارند زیراکلاهک‌های‌نوترونی برای تجهیز موشک‌های بردنزدیک ساخته‌میشوند که باید درصحنه‌های عملیات‌جنگی در اروپا و نقاطی که‌به‌کشورهای‌مخالف با امپریالیسم نزدیکند بکاربرده‌شوند، مردم‌اروپا که استقرار موشک‌های میان‌برد امریکائی رادرخاک‌کشورهایشان حیله‌ای از طرف آمریکا برای رهانیدن خود ازضربت متقابل هسته‌ای‌محسوب میدارند به‌خوبی درک‌میکنندکه تصمیم دولت ریگان در موردتولید سلاح‌های نوترونی ـ اولا مستقیما مربوط به‌کاربردآن در قاره اروپاست و ثانیا استقرار چنین‌سلاحی درخاک‌اروپانه‌تنها هیچ کمکی به‌تامین‌امنیت کشورشان‌نمیکند (که خود این‌امنیت رانیز هیچ‌خطر واقعی تهدیدنمیکند) بلکه احتمال‌خطر جنگ را به‌مراتب شدت‌میدهد ونتیجه‌چنین‌جنگی هرچه‌باشد دیگر از قاره‌اروپا که‌صحنه‌اصلی جنگ‌خواهدبوداثری‌بجای‌نخواهد ماند. مسلم‌است‌که‌یک‌جنگ‌هسته‌ای موشکی درهر جاآغاز شود جهانگیر خواهد شد. تبلیغات امپریالیستی درباره جنگ‌محدود هسته‌ای‌هدفی جزفریب‌توده‌های مردم آمریکا و سایرکشورهای جهان ندارد. جنگ‌هسته‌ای به‌هر صورت و درهر جا درگیرد ناگزیر به‌جنگ جهانی مبدل خواهدشد. وظیفه‌تمام مردم شرافتمندجهان‌است که‌دست‌جنایتکاران جنگ‌افروز را قطع‌کنند و پرده‌های عوام‌فریبی آنهارا در هرجا و در هر قدم بدرند وچهره تبه‌کار شیطان‌بزرگ را هر آرایشی به‌خود داده‌باشد بشناسند ورسواکنندو براستی که‌هرکجا بنگریم چهره کثیف شیطان بزرگ را درپس حوادث شوم می‌بینیم.

کورش‌رضا پهلوی ("نیم‌پهلوی") و دیگران

رادیوی صدای آمریکا "پیام" کورش رضا پهلوی رابه‌مناسبت سالروز قیام‌مشروطیت با صدای خودش پخش کرد و دوروز دیگرنیزخلاصه مضمون‌این‌پیام‌رابه‌اطلاع شنوندگان‌خود (جبهه ضدانقلاب‌رجوی) رساند. معلوم‌است که صدای آمریکا که‌بابودجه سیامیگردد پیام یک مردهٔ سیاسی رابی منظور از قاهره‌پخش‌نمیکند. کورش رضاپهلوی، بختیار، اویسی، مدنی وبنی‌صدر و رجوی‌هریک را "سیا" برای مقصود معینی در آب پیاز خوابانده‌است. قاهره، لندن، پاریس، واشنگتن‌آغوششان برای مخالفان جمهوری‌اسلامی ایران‌باز‌است. هنگامیکه سادات‌خائن‌شاه‌خائن‌تر ازخود را در قاهره‌پناه‌داد گفت پذیرفتن شاه مخلوع در مصر یک اقدام‌انسان‌دوستانه است و شاه‌ایران صحنه‌سیاسی کشورش را ترک‌کرده‌ودیگر قصد بازگشت به این صحنه‌راندارد. اکنون‌مصر به‌یکی‌ازپایگاه‌های‌ضدانقلاب‌ایران مبدل شده است. کورش‌رضاپهلوی به‌عنوان "شاه"ایران در قاهره‌سخن‌میگوید، رادیوی‌قاهره آنراپخش‌میکند، اردوگاه‌های‌چندین‌هزارنفری مزدوران ایرانی درنزدیکی قاهره کورش‌رضاپهلوی را با فریادهای "جاوید‌شاه" استقبال‌میکنندوچه‌عبرت‌انگیزاست که‌گروه‌بزرگی از دستیاران فراری بنی‌صدر نیز اکنون درآغوش‌سادات در جوار کورش رضاپهلوی از "نوع‌دوستی "سادات‌بهره‌ور میگردندوچه‌جای تعجب است. مگرخود "بزرگ‌ترین‌نبوغ‌قرن" را معزی خلبان شاه به پاریس نبرد؟ مخالفان‌انقلاب ایران‌ازکورش‌رضاپهلوی، تاشاپوربختیاروبنی‌صدرو رجوی ناگزیر زیر بال شیطان‌بزرگ‌جمع میشوند و جز این برای آنان پناهگاهی‌نیست.

صدای آمریکا پیام کورش‌رضاپهلوی را پخش میکندوبی‌بی‌سی صدای بنی صدر را و همه نیز یک‌سخن راتکرارمیکنند: ایران‌روبه‌مرگ‌میرود. اماآنکه‌روبه‌مرگ‌میرودامپریالیسم آمریکاونوکرانش ازکورش‌رضاتابنی‌صدرند. اینان مردگان سیاسی هستنداماعمر نوکران شاغلشان نیز چند صباحی بیش‌نیست. سادات‌هانیز ازخشم خلق رهائی نخواهند‌یافت.

نرخ‌خوشرقصی‌سادات

از آن روز که سادات تمام غرور و حیثیت خلق بزرگ‌مصر را لگدمال‌کرد وبه‌نشانه تسلیم بلاشرط در برابر اسرائیل بدان‌کشور سفر نمود تا امروز که‌مصر رابه نیمه‌مستعمرهٔ‌آمریکاتبدیل‌نموده است. اربابان‌آمریکائی وهمدستان‌اسرائیلی آنها همیشه‌نرخ‌خوشرقصی‌های سادات رادر سطح‌بسیار نازل‌تری ازتوقع وی پرداخته‌اند. سادات‌امیدواربود باسیاست گریز از جبهه خلق‌های عرب وپیوستن‌به‌اردوگاه‌ضدانقلاب‌جهانی‌به‌بزرگترین متحد امپریالیسم در منطقه مبدل شود و برسرنوشت دنیای عرب وقاره آفریقا حاکم گردد. آرزوهائیکه شاه‌سابق در گوشهٔ‌دیگری از جهان درسرمیپروراند.

باگذشت‌زمان‌پیوسته‌باوضوح بیشتری‌نمایان گردیدکه‌امپریالیسم‌آمریکاهرگزحاضرنیست نقش متحداصلی‌خودرادرمنطقه به‌سادات‌واگذارکند و اسرائیل‌همچنان‌به‌عنوان‌تکیه‌گاه‌اصلی سیاست امپریالیسم بصورت‌نیروی‌عمده‌سیاسی ـ نظامی منطقه باقی بماند. سیاست‌دولت آمریکانسبت به‌مصر برحسب‌خواست‌هاوتمایلات‌اسرائیل ویا درحقیقت برحسب‌منافع انحصارات بزرگ صهیونیستی آمریکاتعیین‌میگردد. سادات، مصر رابه‌وابستگی مضاعف اسرائیل و آمریکا محکوم ساخته‌است. آزادی عمل مصرواستقلال این‌بزرگترین‌کشورعربی محدود به تمایلات اسرائیل‌وصهیونیست‌های‌آمریکائی‌است. "کمک" آمریکا به‌مصر درچارچوب‌مصوب‌اسرائیل‌انجام میگیرد. سفراخیرسادات‌به‌واشنگتن بار دیگر نشان‌دادکه‌نرخ‌خوشرقصی‌های سادات همچنان بسیار پائین‌است. امریکائی‌ها تقاضای سادات رادرموردگفتگوی‌مستقیم باسازمان آزادیبخش فلسطین‌نپذیرفتند. وعده کمک نظامی به‌مصراز جمله‌واگذاری ۱۰۰ الی ۱۵۰ فروند هواپیمای اف‍ـ۱۶ طی مدت پنج‌سال آینده مرحله‌به‌مرحله‌به‌شکلی انجام‌میگیرد که‌اولا برتری‌کامل هوائی دردست‌اسرائیل‌باقی‌بماند وثانیانیروی هوائی‌مصر زیرنظارت‌مستشاران‌آمریکائی قرار گیرد، به‌عبارت‌دیگر تنها درجهت حفظ منافع امپریالیسم وصهیونیسم بکار گرفته‌شود.

توافق سادات باواگذاری پایگاه‌نظامی‌در خاک‌مصرجهت استقرار واحدهای نیروی‌واکنش سریع آمریکا وامضای قراردادمربوط‌به شرکت آمریکادرنیروهای باصطلاح‌چندملیتی‌که درسال آینده‌بایدبه‌جای ارتش اسرائیل‌درصحرای سینا مستقر شود ابعاد وابستگی مصر به عرادهٔ امپریالیسم غرب ونرخ‌خوشرقصی‌های سادات را نشان‌میدهد. کشور برادر مصر اکنون به گناه سادات به‌نیمه‌مستعمرهٔ‌امپریالیسم تبدیل شده است. بدانگونه‌که‌استعمارگران‌بریتانیائی‌ازارتش مستعمراتی هندی خود برای سرکوب جنبش‌های آزادی‌طلبانهٔ‌سایرخلق‌هااستفاده می کردند استعمارگران‌نوین‌آمریکائی‌نیزمیخواهند ارتش مصررادرهمین‌ماموریت‌ننگین‌بکارببرند. سادات هم‌اکنون‌دولت‌های‌انقلابی منطقه رابه مداخلهٔ مسلحانه‌تهدید میکند. امپریالیست‌های‌آمریکائی میخواهندبخشی از "خلائی" راکه‌سقوط‌شاه در خلیج‌فارس‌به‌وجود آورد با ارتش مصر پرکنند. نقش ضدانقلابی رژیم سادات به‌خصوص‌درمورد ایران‌وافغانستان بهتر ظاهرمی‌گردد. مصر به ضدانقلابیون افغانی سلاح‌میدهد. خرابکاران افغانی در مصر تعلیم می‌بینند. قاهره یکی از مهمترین مراکز توطئه ضدانقلابی علیه میهن ما است. شاخه سلطنت‌طلب ضدانقلاب درمصرلانه گزیده‌است. خوشرقصی دربرابرامپریالیسم تنها به‌بهای خیانت‌به‌خلق‌ومیهن‌ممکن‌میگردد و سرنوشت سادات خیانتکار نیزجزسرنوشت‌محمد رضانمیتواند باشد. اتحادسادات‌ومحمد رضا با امپریالیسم وصهیونیسم قبل ازهرچیزبرای‌حفظ رژیمهای‌لرزان و ضد ملی آنان دربرابرامواج انقلاب‌ضرورت‌یافت. آنان‌انتظارداشتند که بتوانند باتکیه‌برامپریالیسم جهانی‌خودرااز‌خطر انقلاب‌برهانند. اماپس‌ازسرنگونی رژیم شاه ملعون‌درمصرنیزاین‌تکیه‌گاه‌روزبروز‌سست‌ترمی‌گرددواکنون به‌بحرانی‌ترین‌مرحله‌حیات خود گام‌نهاده‌است.

گسترش مبارزهٔ طبقه‌کارگر درکشورهای امپریالیستی

همزمان با تعرض گستردهٔ انحصارات امپریالیستی‌وحکومت‌های‌فرمانبرآنها بر مواضع طبقه‌کارگر درکشورهای امپریالیستی، مقاومت کارگران‌در برابر این‌فشارهانیز سخت‌ترومتشکل‌تر میگردد دولت‌های امپریالیستی‌وبخصوص ایالات متحده‌وانگلستان‌بخش‌مهمی از اعتبارات رفاهی بودجه‌های دولتی رابرای‌تامین هزینه‌های‌سرسام‌آور نظامی خود حذف‌کرده‌اند. نظامی کردن اقتصاد نه‌تنها برکارگران‌وزحمتکشان بلکه‌همچنین براقشار متوسط ونیمه‌مرفه جوامع غربی‌نیزصدمات ولطمات‌جدی واردمیکند. تورم، بیکاری، گرانی که‌همزاد جوامع سرمایه‌داری‌است، در اثرنظامی کردن‌اقتصاد شدیدتر وعمیق‌ترمیشود. برخی از اندیشه‌پردازان‌دنیای‌سرمایه‌داری‌میکوشند‌ثابت کنندکه‌توسعه‌تولید نظامی موجب از بین رفتن بیکاری‌وتورم وغیره می‌گردد. دفترآمارآمریکا در رشته‌مسائل‌کاربایک‌محاسبه‌دقیق‌بطلان‌این‌ادعا رابرپایه‌واقعیات‌خودآمریکا ثابت‌کرد. مینویسد: یک‌میلیارد دلارسرمایه‌گذاری‌درصنایع نظامی‌فقط درحدود ۷۵هزارکارگر را بکار می‌گمارد اما همین یک‌میلیارد در حمل ونقل ۹۲هزار و درساختمان ۱۰۰هزار ودر رشته خدمات بهداشتی و غیره ۱۴۰هزارنفر را از لحاظ کار تامین‌میکند. اگر حساب‌کنیم که‌ایالات‌متحده قصد دارد در ظرف پنجسال (۱۹۸۳ ـ ۱۹۸۷) مبلغ ۱۶۰۰ میلیارد دلاربه‌هزینه‌های‌جنگی‌تخصیص‌دهد و این مبلغ تنهامبلغ خریداست نه‌سرمایه‌گذاری) می‌توانیم به‌سرچشمه وجود میلیونها بیکار درآمریکا پی‌ببریم

بدیهی است که طبقهٔ‌کارگر کشورهای امپریالیستی حاضر نیست دربرابر سرنوشتی که انحصارات برایش تهیه‌میکنندبرده‌وارتسلیم شود مبارزه‌درسراسرکشورهای‌امپریالیستی بین طبقهٔ کارگر وانحصارات وحکومت گسترش میابد. این مبارزه‌هم برضد سیاست‌جنگ‌افروزانه‌مرتجع ترین جناح‌های‌حاکمیت وهم برضد مظاهرآن که‌بیکاری تورم وگرانی‌است‌انجام میگیرد.

اعتصاب کارکنان ترافیک‌هوائی‌آمریکاسر آغاز دور جدیدی ازمبارزهٔ زحمتکشان‌آمریکادر راه‌منافع صنفی‌واجتماعی خویش‌است.

اعتصاب درهفته‌پیش باشرکت ۱۴هزارنفر آغازشد. اعتصاب‌کنندگان در راه بهبود شرایط کار و دستمزد خویش به‌مبارزه برخاسته‌اند. دولت‌ریگان‌به‌اعتصاب‌کنندگان‌اولتیماتوم دادکه اگرتاروز پنجشنبه سرکارحاضرنشوندتمام‌آنان را ازکاراخراج‌خواهدنمود تاکنون حکم‌اخراج اکثر این‌چهارده‌هزارنفر به‌آنان‌ابلاغ شده است. عده‌ای از رهبران‌اعتصاب نیز به‌زندان افکنده شده‌اند. حکومت‌ریگان‌علاوه‌برارتشی‌ها، گروهی ازاعتصاب‌شکنان‌حرفه‌ای‌رانیز به جای‌کارکنان متخصص بکارگمارده‌است. آنان که در کار دقیق اداره ترافیک هوائی‌مهارت کافی‌ندارندتاکنون چندسانحه‌هوائی ببارآورده‌اند. حکومت ریگان اعتصاب راغیرقانونی‌اعلام‌کرده‌است واتحادیه کارکنان‌ترافیک‌هوائی را در برابر هر ساعت اعتصاب دهها‌هزار دلار جریمه‌میکند با اینهمه اعتصاب‌کنندگان‌مردانه‌ایستاده‌اندودربرابرتمام این‌فشارها‌مقاومت میکنندوبااین‌مقاومت‌موجی‌از همدردی‌وهمبستگی درسراسرجهان‌برانگیخته‌اند

همدردی بااعتصابگران ترافیک هوایی آمریکاکه‌توسط اتحادیه‌ها وسازمان‌های‌گوناگون بین‌المللی‌صورت‌گرفته‌است‌به‌عنوان ویژگی مرحله‌کنونی مبارزهٔ‌کاروسرمایه، مقاومت‌جهانی زحمتکشان‌رادر برابرزور وفشارسرمایه‌انحصارگر دولتی‌وفوق‌ملی بیش‌ازپیش‌نشان‌می‌دهد.

اعتصاب کارکنان ترافیک هوائی آمریکابه هرنتیجه‌ای‌بیانجامدنشانگر آنست‌که‌مردم و به ویژه طبقه کارگرکشورهای‌امپریالیستی حاضر نیستند به‌پیامدهای سیاست جنون‌آمیز جنگ‌افروزان‌که‌میلیاردها دلار رابرای‌ساختن‌بمب‌های‌نوترونی خرج‌میکنند اماکوچکترین گامی برای بهروزی ورفاه مردم زحمتکش برنمی‌دارند به‌آسانی‌تن‌در دهند.

مبارزات طبقه کارگرکشورهای‌امپریالیستی همراه‌با اوج‌گیری جنبش‌های آزادیبخش‌ملی در "جهان‌سوم "درحالیکه دنیای سوسیالیسم پیوسته‌نیرومندترمیشود وامکان صدورضدانقلاب را ازامپریالیسم سلب میکند تنهامیتواند به‌یک نتیجه‌بیانجامد: **نجات‌خلق‌ها از چنگال نظام ضدانسانی سرمایه‌داری‌امپریالیستی.**

بنی‌صدر، زمینه‌ساز ...

بقیه از صفحه ۱

نگاهی به حوادث بعد از دستگیری **قطب‌زاده** و آزادی او و توطئه‌ٔ "جبهه متحد ضد انقلاب"، را که مانند خط سرخی برجسته است، افشا می‌کند. ما با ذکر رئوس مهم این توطئه و مقایسه‌ٔ تبلیغات این دوره با روزهای قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نظر همه‌ٔ مسئولان کشور، نیروهای انقلابی مسلمان و مردم قهرمان کشورمان را به این توطئه امپریالیستی که خوشبختانه این بار شکست خورد، اما همچنان از جانب دشمنان آشکار و پوشیده انقلاب ایران دنبال میشود، جلب می‌کنیم.

* * * *

بعد از ماجرای **قطب‌زاده** و توطئه‌ٔ وسیع ضد انقلاب که به رهبری "دفتر هماهنگی" در تهران و چند شهرستان به شکل راهپیمائی صورت گرفت و به شکست انجامید، روز ۲۵ آذر ۱۳۵۹ – درست همزمان با شکست توطئه – روزنامه‌ٔ انقلاب اسلامی به درج مقاله‌ای از مائوئیست آمریکائی مواری **احمد غضنفرپور** پرداخت. در این مقاله، که در سه شماره جاپ شد و نام "**القاء ایدئولوژی**" به آن داده بودند، **غضنفرپور** با طرح "خطر حزب توده‌ٔ ایران"، نفوذ آن در همه ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی و "القاء ایدئولوژی" توسط آن، سازی را کوک کرد که تا شکست توطئه، همه‌ٔ ضد انقلابیون آن را نواختند.

روز ۲۹ آذر ۱۳۵۹ روزنامه **انقلاب اسلامی** در صفحه‌ٔ اول خود تیتر درشت "**افشای تئوری‌های حزب توده برای ایجاد اخلال و آشوب در ایران**" را بچاپ رساند و در مقاله‌ای مدعی شد که "حزب توده دستور روسیه" مامور اخلال و آشوب در ایران برای بدست گرفتن قدرت شده است، و این درست همزمان بود با بزرگ کردن "خطر کمونیسم" و "خطر حزب توده" از جانب همه‌ٔ بلندگوهای امپریالیستی از جمله بی بی سی، صدای آمریکا، گرفند نارادیو اسرائیل و بغداد و حزب رنجبران و ... که شرح آن را در جدول مقایسه‌ای این شماره می‌توانید ببینید.

روز ۸ دی ۱۳۵۹ از مقر فرماندهی امپریالیسم، دستورالعمل جدید به ضد انقلاب، دوستان و دست‌نشاندگان امپریالیسم، توسط **برژینسکی** به شرح زیر صادر شد:

"ایران یک همسایه‌ٔ شمالی (شوروی) دارد که پیوسته از جنبه‌های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده است" (اطلاعات – ۸ دی ۱۳۵۹)

وچند روز بعد، فرمان دیگری از جانب **ریگان** رسید.

"خطر بزرگ آن است که حزب توده در ایران قدرت را در دست گیرد" (۲۶ دی ۱۳۵۹ – ایران تایمز)

و بدنبال این دستورات – که مسلما همزمان با آن فرمان شروع عملیات کودتا هم مخفیانه داده شده بود – توطئه وارد مرحله‌ٔ جدیدی شد.

و شگفتا! چند روز بعد نامه‌ٔ مفصل سراپا دشنام و افترائی نسبت به "حزب توده‌ٔ ایران" به امضای "**انجمن های دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها**" – یعنی شاخه‌ٔ دانشجوئی "**مجاهدین**" – در تیراژ وسیع انتشار یافت. و بعد روزنامه‌ٔ "**مجاهد**" ارگان رهبری خائن "سازمان مجاهدین خلق ایران" در شماره ۱۰۳ خود تحت عنوان "**جبهه‌ٔ متحد ارتجاع**" حزب جمهوری اسلامی، حزب توده‌ٔ ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و چند سازمان مبارز اسلامی را "مرتجع" و "خائن" نام داد. از این پس تا آخرین شماره "**مجاهد**"، حملات افترا آمیز و کین توزانه، بویژه علیه حزب توده‌ٔ ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) که ابتدا در مصاحبه طولانی **مسعود رجوی** فراری طرح شده بود، حتی یک شماره هم قطع نشد. عین این سیاست از جانب "**رنجبر**"، "**کار اقلیت**"، "**پیکار**"، "**راه کارگر**" و ... از جناح به اصطلاح چپ "جبهه‌ٔ متحد ضد انقلاب"، و از سوی "**انقلاب اسلامی**"، "**میزان**" و شخص **بنی‌صدر** از جناح راست "جبهه‌ٔ متحد ضد انقلاب" با شدت تمام در داخل دنبال شد. در خارج هم همه‌ٔ رادیوهای بیگانه و همه‌ٔ بوق‌های امپریالیسم هم ساز "خطر شوروی" و "خطر حزب توده" را هماهنگ با هم کوک کرده بودند.

روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۹، **بنی‌صدر**، در نطق خود در میدان آزادی، قسمت اعظم حرفهایش را به "خطر شوروی" و "خطر حزب توده‌ٔ ایران" اختصاص داد و با طرح دوباره‌ٔ "**القاء ایدئولوژی**" بار دیگر "خطر کمونیسم" را برجسته کرد. و این یکی از خائنانه‌ترین بخش‌های کارنامه‌ٔ **ابوالحسن بنی‌صدر** است. برجسته کردن "خطر شوروی" برای فراموش کردن خطر آمریکا – چنانکه رهبر انقلاب هم آن را افشاء کرده است – پیوسته از جانب **ابوالحسن بنی‌صدر** با پیگیری بی‌نظیری دنبال می‌شد. یکی از خطوط اصلی سیاست **بنی‌صدر** همواره "آنتی کمونیسم" بوده و هنوز هم بعد از فرارش هست (که در جای خود خواهد آمد). اما در مقطع تدارک کودتا علیه **خط امام** این "آنتی کمونیسم" برجستگی ویژه‌ای پیدا کرد و به یکی از اساسی‌ترین وظایف تبلیغاتی "جبهه‌ٔ متحد ضد انقلاب"، که **بنی‌صدر** در رأس آن قرار داشت، تبدیل شد. در این مقطع، از ۱۸ آبان ۱۳۵۹ تا اواخر اردیبهشت ۱۳۶۰، **بنی‌صدر** به تبلیغات ضد کمونیستی خود با تکیه بر "خطر کمونیسم" وسعت بیسابقه‌ای بخشید، به طوریکه از ۲۵ بهمن تا ۵ اسفند ۱۳۵۹، همه مطالب "کارنامه‌ٔ رئیس جمهور" را به تبلیغات ضد شوروی و اثبات این امر که شوروی قصد دارد در ایران سلطه خود را برقرار کند، اختصاص داد. این "سیاست" بنی‌صدر در همان دوران با وسعت بیسابقه‌ای از جانب همه بلندگوهای امپریالیستی در خارج و داخل و "جبهه‌ٔ متحد ضد انقلاب" در داخل کشور دنبال شد.

عین این سیاست، روز ۱۸ اسفند ۱۳۵۹، در میتینگ لیبرال‌ها در امجدیه توسط **مهندس بازرگان**، **دکتر یزدی** و **صباغیان** تکرار شد. **رضا صدر** و **مهندس بازرگان** روز ۱۷ اسفند در اصفهان در مراسم سخنرانی به مناسبت سالگرد درگذشت دکتر مصدق با عمده کردن "خطر شوروی" و "خطر حزب توده" آن را دنبال کردند در این میان البته نقش عمده بعهده **بنی‌صدر** بود زیرا که او بعنوان رئیس جمهور کشور آسان‌تر و "قانونی" تر می‌توانست خطر دروغین شوروی را در افکار عمومی ایران و جهان تبلیغ کند. او نیز چنین کرد.

مقایسه‌ٔ شیوه‌ٔ تبلیغات ضد کمونیستی قبل از کودتای ۲۸ مرداد و پیش از کودتای شکست خورده‌ٔ "جبهه‌ٔ متحد ضد انقلاب" به رهبری **بنی‌صدر** که در این شماره آمده، بار دیگر حربه‌ٔ رنگ زده‌ٔ امپریالیسم جهانی، بسرکردگی آمریکا، را افشاء میکند. خواننده با مقایسه‌ٔ آنچه در روزهای پیش از کودتای ۲۸ مرداد گذشت و حوادث قبل از کودتای شکست خورده‌ٔ "جبهه متحد ضد انقلاب" درخواهد یافت که چگونه امپریالیسم بار دیگر برای پنهان کردن خود، "خطر کمونیسم" را برجسته کرده و "غول روس" را با تمام نیرو باد کرده است.

دقت در تبلیغات **بنی‌صدر** برای بزرگ کردن "خطر کمونیسم" نیز نشان می‌دهد که چگونه او گام بگام همراه دستگاه جهنمی امپریالیسم حرکت می‌کرده است.

وقبل از ورود به بحث اصلی، بار دیگر لازم می‌دانیم تاکید کنیم که **بنی‌صدر** فرار کرد، اما خطی که او رهبری‌اش را به عهده داشت، هنوز کاملا درهم کوبیده نشده و تلاش از جانب محافل معینی برای فراموش کردن آمریکا، و پیش کشیدن "خطر شوروی"، کماکان ادامه دارد. هشیاری در برابر این توطئه و خنثی کردن آن وظیفه‌ٔ همه‌ٔ نیروهای انقلابی است.

استراتژی "سیا" و "اف.بی.آی." : "روسیه...

تبلیغات امپریالیسم قبل از کودتای ۲۸ م...

"خطر شوروی"

"نیوزویک" یکی از ارگان‌های امپریالیسم آمریکا، ۱۵ روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ می‌نویسد: "سرخ‌ها بر ایران مسلط می‌شوند".

به عبارتی از مجله‌ٔ "نیوزویک" نیز توجه فرمائید که در شماره ۴ اوت ۱۹۵۳، (برابر ۱۳ مرداد ۱۳۳۲) تحت عنوان "سرخ‌ها بر ایران مسلط می‌شوند" چنین نوشته است:

"... اینک برای اولین بار به این سئوال که: آیا ایران به سمت کمونیسم می‌رود؟ می‌توان بطور جدی پاسخ مثبت داد چون در حالیکه دنیای غرب با امور مهمی درگیری دارد، سرخ‌ها به مرور در حال تسلط بر ایران هستند... وقایعی که ظرف یکماهه اخیر در ایران روی داده، یکی پس از دیگری خبر از ظهور کمونیست‌ها در صحنه‌ٔ سیاست ایران می‌دهد. وحزب توده با استفاده از کلیه‌ٔ وقایع، قدم به قدم پیش می‌رود تا به هدف‌های مورد نظر خود دست یابد... دکتر مصدق گرچه شخصا تمایلات کمونیستی ندارد ولیکن برای اجرای برنامه‌های خود به قدرت حزب توده نیازمند است و به همین جهت عملا از آنها حمایت می‌کند، بطوریکه هم اکنون در نیمی از وزارتخانه‌های مهم ایران عناصر حزب توده رسوخ یافته‌اند... ودکتر مصدق باوجودی که شخصا از نقشه‌های حزب توده آگاهی دارد، ولی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت آنها نمی‌کند، زیرا هم از آمریکا ناراضی است وهم از مخالفین سیاسی خود که به دور شاه حلقه زده‌اند می‌ترسد وبهمین جهت است که دکتر مصدق به قدرت حزب توده متکی شده و وسائل تسلط آنها را بر ایران فراهم می‌سازد..." (نقل از اطلاعات – ۳۰ بهمن ۱۳۵۹)

"خواندنیها" ی امیرانی:
"درصورت وقوع جنگ ارتش سرخ در چهل و هشت ساعت ایران را اشغال خواهد کرد..." (اول دی ماه، ۱۳۳۱)

"ارتش سرخ آماده‌ٔ جنگ شده است بعقیده رئیس ستاد ارتش آمریکا، ایران اولین هدف ارتش سرخ در جنگ آینده است". (۱۱ اسفند ۱۳۳۱)

"ایران بطرف کمونیسم می‌رود" هم اکنون وضع درهم مالی و اقتصادی زمینه را برای یک جنبش کمونیستی در ایران فراهم کرده است". (۹ شهریور ۱۳۳۰)

"آتش" میراشرافی:
"آقای هاریمان و حکومت حزب توده بر ایران – آقای مشاور رئیس جمهور آمریکا، پس از ۴۰ روز فعالیت، مژده سقوط ایران را در کام کمونیسم به دنیا می‌دهد". (۱۰ شهریور ۱۳۳۰)

ودر همان شماره:
"رهبران حزب توده می‌گویند: زمینه انقلاب کمونیستی در ایران فراهم شده و از مسکو کسب تکلیف کرده‌اند".

نفوذ حزب توده در ارگان‌ها

خواندنی‌ها:
"سیاست مصدق کمونیستها را در ایران تقویت می‌کند". (۶ اردیبهشت ۱۳۳۱)
"جاسوسان شوروی در ایران در تمام دستگاه‌های انتظامی و اداری و سفارتخانه‌های خارجی نفوذ کرده‌اند". (۲۳ تیر ۱۳۳۱)

مجله‌ٔ نیوزویک ۲۵ روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد (۴ اوت ۱۹۵۳) برابر با ۱۳ مرداد ۱۳۳۲ نوشت:
"هم اکنون در نیمی از وزارتخانه‌های مهم ایران عناصر حزب توده‌ٔ

اطلاعات

سال بیست و هشتم – شماره ۸۱۵۴   چهارشنبه هفتم مردادماه ۱۳۳۲

دولت امریکا از تشدید فعالیت حزب توده در ایران نگ...

« دالس » وزیر امور خارجه امریکا روز گذشته در اثناء مصاحبه مطبوعاتی خویش...
وزارت امور خارجه امریکا صورت میگیرد در پاسخ یکی از خبرنگاران درباره ای...

تحولات اخیر برای دولت امریکا محظورات بیشتری جهت ال...

مساعدت بایران فراهم میسازد. چشم پوشی دولت ایران از تشدید فعالیت حزب تو...
اولیای دولت امریکا شده است

واشنگتن – خبرگزاری فرانسه – دیروز درجلسه مصاحبه هفتگی وزیر خارجه امریکا که معمولا هر هفته تشکیل میشود یکی ازخبرنگاران بدالس گفت اکنون که خبرگزاریها و جراید اخباری حاکی از افزایش منظم قدرت و نفوذ حزب کمونیست توده درایران انتشار میدهند خواهش میکنیم شما نظر خود را درباره این موضوع بگوئید.
دالس وزیر خارجه امریکا در جواب خبرنگار مزبور گفت فعالیت روزافزون حزب کمونیست غیرقانونی توده درایران واغماض وچشم‌پوشی دولت ایران از این فعالیتها نگرانی بزرگی برای دولت... شکی نیست که این تحولات برای د... اعطای کمک و مساعدت بایران فراهم... ناظرین سیاسی امریکا عقیده دار...



ایران رسوخ یافته‌اند... ودکتر مصدق باوجودی که شخصا از نقشه‌های حزب توده آگاهی دارد، ولی اقدامی برای جلوگیری از پیشرفت‌های آنها نمی‌کند، زیرا هم از آمریکا ناراضی است وهم از مخالفین سیاسی خود که به دور شاه حلقه زده‌اند می‌ترسد. وبه همین جهت است که دکتر مصدق به قدرت حزب توده متکی شده و وسائل تسلط آنها را بر ایران فراهم می‌سازد..."** (نقل از اطلاعات – ۳۰ بهمن ۱۳۵۹)

"القاء ایدئولوژی" و "خطر حزب توده"

واشنگتن استار ۱۵ روز قبل از کودتای ۲۸ مرداد نوشت:

"... همکاری پنهانی بین دکتر مصدق وحزب توده در رفراندومی که اخیرا بمنظور انحلال مجلس شورای ملی صورت گرفت، علنی شده است. توجه به گزارشاتی که در این خصوص از تهران رسیده بیش از پیش از رویه خطرناکی که دولت ایران در پیش گرفته، پرده برمی‌دارد و نشان می‌دهد که نگرانی دولت آمریکا از همکاری بین مصدق وحزب توده تا

چه اندازه بجا بوده ...
دالس وزیر خارجه آمر...
شدید دولت آمریکا ...

های کمونیستی در ...
داشت وگفت: گزار...
وزارت خارجه آمریکا ...

حزب توده حتی د...
نیز نفوذ کرده و قسمت...
سیاسی اخیر دکتر مص...

توده تنظیم گردید...
نیست به نخست و...
است..." (به نقل ...
بهمن ۱۳۵۹)

وبن...

"خطر شورو...

"روس‌ها در ...
جمع آورده‌اند و نا...
خلق" با تفنگ‌های ...
برهم می‌زنند. افغا...
می‌شود و غول روس ...
(انقلاب اسلامی – ...
"چه کسی می...
روسیه تمامی کوشش...
که ما را در این سرگرم...
خیال راحت کار ...
سراغ ما بیاید. اگر ...
دارد خوب است د...
گروه‌های وابسته دی...
دقت کند". (انقلا...
۱۳۵۹)
"سیاست رو...
پایه استوار است. ...
دیپلماسی پنهان و ...
در ایران یعنی حزب ...
وابسته به خود گرد ...
اسلامی – ۲۶/۲/ ...
"... تا نک...
و برادرانمان را له...
شرایط نمی‌توانیم ...
شوروی‌ها به درواز...

...دارد مـــی آیـــد

خلاصه ترجمه:
در زمستان سال ۷۷ـ ۷۶یک کنفرانس در واشنگتن برگزار شد که در این ملاقات نماینده "سیا" و "اف. بی. آی"، شرکت داشتند. این‌ها می‌خواستند در مورد موفقیت استراتژیکی روسیه در سالی که در پیش است، اتفاق نظراتی داشته باشند. بنابراین کنفرانس تبدیل می‌شـــود به چند کمیسیون با شرکت افراد مختلف:
تیم یا کمیسیون اعلام کرد که روسیه دارد می‌آید.
تیم یا کمیسیون اعلام کرد که روسیه دارد می‌آید.
مسائل استراتژیکی هسته‌ای نقطهٔ اصلی صحبت‌ها بوده‌است. (افشاگری "دانشجویان مسلمان پیرو خط امام" ـ شماره ۶ـ صفحه ۲۷)

تبلیغات امپریالیسم بعد از پیروزی انقلاب و در آستانه توطئه و کودتاها

"خطرشوروی"

برژینسکی:
"ایران یک همسایـــهٔ شمالـــی (شوروی) دارد که پیوسته از جنبه های تاریخی و سنتی، تهدیدی برای حاکمیت ایران بوده‌است". (اطلاعات ـ ۸ دی ۱۳۵۹)

شاملعون:
"اگر وطن پرستـــان امـــروز نتوانند کاری کنند، ایران در دهـــان کمونیست‌ها سقوط خواهد کرد". (نشریه ضدانقلابی "اعدام"، نهم خـــرداد ۱۳۵۹)

بختیار:
"آنچه که در ایران می‌گذرد، عملا به‌نفع کمونیستها است" ("ایران آزاد"، شماره ۱۷ فروردین ۱۳۵۹)

مجله اکسپرس، ارگان انحصـــارات امپریالیستی فرانسه:
"خمینی ایران را به‌سوی کمونیسم می‌راند... کمونیستها فقط زیر عبای خمینی می‌توانستند تا این درجه به‌مقاصدشان نزدیک شوند". (آبان ۵۸)

انقلاب اسلامی:
"اگر آمریکا به‌امید جانشین ساختن حکومت انقلاب اسلامی ایران با حکومت دست نشانده در شروع جنگ نقش اساسی داشته‌است، در شکست هدف خود، که پیروزی سریع بود، در ادامهٔ جنـــگ منافع بسیاری برای رقیب شمالی خود ملاحظه می‌کند. بی جهت نیست که کارتر در نطقی بیان کرد که با آنکه با دولت اسلامی ایران مخالف است، ولی بهرحال آن را نمایندهٔ مردم این سرزمین می‌شناسد و حفـــظ تمامیت ارضی آن را بیشتر به مصلحـــت اردوی غرب تشخیص می‌دهد. چه چیز تمامیت ارضی ایران را برای بزرگتـــرین دشمن اصلی ایران، یعنی آمریکا مطـــرح ساخته‌است، جز سرازیر شدن احتمالـــی روسیه شوروی و خطر اجرای طرح تقسیـــم کشور به دو منطقهٔ نفوذ؟ اردوی غـــرب برای العین می‌بیند که دولت شوروی، که براحتی با بیان این خیال که با وقـــوع انقلاب اسلامی ایران مرزهایش در افغانستان درخطر است، آن کشور را در نقطه ضعف داخلی به اشغال درآورد". (شماره ۴۱۲ـ ۱۰ آذر ۱۳۵۹)

هاشم صباغیان:
"همانطور که مبارزه ضد امپـــریالیستی برای ما مهم است، با مبارزه ضد ـ سوسیال امپریالیستی شرق می‌توان شعار نه شرقی، نه غربی را تحقق بخشید" (۵ بهمن ۱۳۵۹)

رنجبر: (ارگان گروهک مائوئیستی ـ آمریکائی رنجبران):
"غول روسی دندان نشان می‌دهـــد ... روسیه ایران را تهدید می‌کنـــد که چنانچه تشخیص دهد". برای حفـــظ منافع کشور شوروی و شهروندانش "خـــود راسا اقدام خواهد کرد که معنی عملی این تهدید نیز در منطق و زبان دیپلماتیک دو ابرقدرت آمریکا و روسیه چیز دیگری نیست جز اشکال مختلف اقدام و تجاوز نظامـــی" (۲۸ دی ۱۳۵۹)

رادیو اویسی:
"ایرانیان وطن دوست باید بدانند که دشمن آنها شوروی است. اما حکومـــت خمینی و آخوندهایش، که ظاهرا شعار نـــه شرقی، نه غربی می‌دهند، نه تنها با روسیه مبارزه نمی‌کنند، بلکه بدامان آن افتـــاده است". (۱۴ دی ۱۳۵۹)

"نفوذ حزب توده"

رادیو بختیار:
"حزب توده... اکنون نه تنها به یک سازمان متشکل و مسلح تبدیل شـــده، بلکه در تمام مراکز تصمیم گیری نیز رخنه و نفوذ کرده‌است... برنامه ریـــزان این حزب با جلوه دادن اشغال سفارت آمریکـــا بعنوان یک حرکت ضد امپریالیستی عامل انشعاب در گروه‌های مخالف رژیم از جمله فدائیان خلق شده با جذب بخشـــــی از آن کمبود نفرات خود را تا حدودی جبران کردند" (دوشنبه ۵۹/۱۰/۸)

رنجبر: ارگان گروهک واشنگتن ـ پکن ساختهٔ رنجبران:
"خطر حزب توده که اهداف معینی را در خدمت به ابرقدرت روس دنبـــال می‌کند، بتدریج در بخشی از نیروهای حاکم بعلت ناآگاهی، اشتباهـــات و انحرافات و باوجود منافع گروهی و قـــدرت طلبانه القاء شده و از طرف آنها جذب و اعمال می‌گردد". (۴ دی ۱۳۵۹)

"القاء ایدئولوژی" و "خطرحزب توده"

انقلاب اسلامی:
۱ـ وضع دانشگاه‌ها، بقول فقیـــه عالیقدر حضرت آیه الله منتظری، فاجعـــه است، آخر مگر می‌شود، و به استناد چـــه استدلالی، نیروهای جوان و متفکر جامعـــه را به بیکاری و بطالت محکوم کرد) در کجای دنیا این کار را می‌کنند و کرده‌اند جز دیکتاتورها برای خفه کردن صدای آزادی طلبی سعی بیهوده کرده‌اند؟ چرا به دام این فریب القاء شده از جانب حزب توده افتادیم؟

۲ـ حزب توده موقعی که بتوانـــد این تحلیل را در مسلمانان بعنوان یـــک تحلیل درست و منطقی القاء کنـــد، به عمده ترین وظیفهٔ خود عمـــل کرده و متاسفانه می‌بینیم روشش در بین بعضـــی دسته‌ها موفق بوده‌است. تحلیل سازمـــان مجاهدین انقلاب اسلامی در بدو شـــروع مجلس شورای اسلامی چنین بود". (۲۰ آذر ۱۳۵۹ ـ سرمقاله)

بختیار خائن:
"خمینی در آستانه شکست است. بعد از او حزب خائن توده قدرت را بدست می‌گیرد". (۱۹ اسفند ۱۳۵۸ـ سخنرانی در پاریس)

رادیو آمریکا.
"دیگر برای آشنایان به امـــــور ایران شکی باقی نمانده‌است که حـــزب توده که روز به روز نیرومندتر می‌شود، تا بدست گرفتن قدرت فاصلـــه زیادی ندارد. دیپلمات‌ها برآنند که حـــزب توده تنها منتظـــر فرصت است" (۷ شهریور ۱۳۵۹)

مدیـــر مسئول روزنامه "انقلاب اسلامی":
"خطر اصلی ایران امروز حزب توده است. این حزب برای هر مساله طرح دارد و آن را با پوشش اسلام بیان می‌کنـــد و متاسفانه دوستان نادان هم آن را تکـــرار می‌کنند". (سخنرانی در مسجد گوهرشاد مشهد ـ ۴ بهمن ۱۳۵۹)

ایران تایمز
نشریه مستقل ایرانیان مقیم ایالات متحده و کانادا
جمعه بیست وششم دی ماه ۱۳۵۹، سال دهم، شماره ۴۷۸

رونالد ریگن،
خطر بزرگ آن است که حزب توده در ایران قدرت را در دست گیرد

...صدر...

اندیشه آن‌ها برای دست یافتن به آب‌های گرم برای ما خطری بالقوه است". (اطلاعات ـ ۱۱ بهمن ۱۳۵۹)

"گفتیم که لنین خود به وسیلهٔ روزنامه‌ها از وقوع انقلاب در روسیـــه مطلع شد. بلافاصله دستورالعملی که معین کرد این بود که در اولین فرصت باید قدرت را از دست کسانیکه آنرا در دست گرفته‌اند بیرون کشید. همین الگو را در زمان خودمان، مقارن انقلاب خودمان کمی پیش در افغانستان دیدیم و به‌گمان من جانبداران سیاست روسیه در ایران درپی آنند که این تجربه را در ایران نیز تکرار کنند." (انقـــلاب اسلامـــی ۵۹/۱۱/۲۷)

"اینها در سه نوبت انقلاب‌های ما را به نابودی کشاندند. انقلاب مشروطه را همین عوامل که وسایل روی کار آمدن رضاخان شده بودند، بنابودی کشاندند. انقلاب جنگل را به همین ترتیب از بین بردند. و انقلاب نفت را هم به همین ترتیب به ۲۸ مرداد کشاندند. و حالا هم به‌جان این انقلاب افتاده‌اند." (انقلاب اسلامی ـ ۲۵ بهمن ۱۳۵۹)

"نفوذ حزب توده"

"حالا این روشهای استالینیستی از قلم همان استالینیستهای نقاب زده دارد در روزنامه‌ها و رادیو تلویزیون نقش پیدا می‌کند تا به‌قضاوت اسلامی شکل‌گمی بدهد، که موافق استقرار این نوع استبداد بشوند. این است آن خطری که من مایلم پرهیز بشود و نسبت به‌آن هشدار می‌دهم". (انقلاب اسلامی ـ ۲۴ آذر ۱۳۵۹)

"استاندار ایلام در جلسه دیروز شورای عالی دفاع می‌گفت، عده‌ای توده‌ای و فدائی در آن استان، بازی طرفداری از رئیس جمهوری و مخالفت از رئیس جمهوری را درآورده‌اند، یعنی عده‌ای از آنها نقش طرفدار را بازی میکنند و عده‌ای هم نقش مخالف. اینها در دستگاه‌های تبلیغاتی رخنه کرده‌اند." (انقلاب اسلامی ـ ۱۵ آذر ۵۹)

"القاء ایدئولوژی" و "خطرحزب توده"

"روشی که اینها برای القاء ایدئولوژی دارند به‌این ترتیب اســـت که عناصری از آنها رنگ ایدئولوژی که‌مال خودشان نیست و به‌اصطلاح غالب است را به‌خودشان می‌دهند و می‌روند تـــوی آن خط. بعد یک هماهنگی بین آنهایـــی که ایدئولوژی مارکسیستی مطابق میل ابرقدرت روس را تبلیغ می‌کنند با اینها که رنگ ایدئولوژی غالب بر جـــامعـــه را پذیرفته‌اند به‌وجود می‌آورند. اینها که ایدئولوژی مارکسیستی متناسب با قدرت ابرقدرت روس را دارند تبلیـــغ مرام خودشان را می‌کنند. پابه‌پای اینها، آنها که در رنگ و لباس دیگر مشغولند هم با استفاده از اصطلاحات آن ایـــدئـــولوژی همین مفهوم و مضامین را به‌اصطلاح خرد، خرد جا می‌اندازند، طوری که به تدریج که جلو می‌رود می‌بینی اســـم، کلمات، عناوین، یک چیزهائی هستند. مثلا فرض کنید که ظاهرشان اسلامی است اما محتوی همان محتوی است که آن دستـــــه دارای ایدئولوژی طرفدار قدرت روس دارد. حالا اگر مجال بدست آورند مثل همان "بیانیه اعلام مواضع" بیانیه‌ای هم صادر می‌کنند." (کارنامه ۲۲ آبان، انقلاب اسلامی ۸ آذر)

"مهمترین کار برای ایجاد زمینهٔ استبداد و القاء ایدئولوژی اســـت... ایادی ابرقدرت روس به‌آن توانایند. و امروز در کار القاء ایده‌ئولوژی هستند تا این انقلاب هم به‌استبداد تحویل بدهند. زمینه کارشان در القاء ایدئولوژی تبلیغ جهان‌وطنی کمونیستی، تبلیغ آن انترناسیونالیسم قلابی به‌قول یک هموطن ما هم اول خیال مـــی کردیم این انترناسیونالیسم استالینی یک واقعیت دارد. وقتی به‌روسیه رفتیم دیدیم بله انترناسیونالیســـم دو جـــزء دارد: ناسیونالیزمش روس است و "عنترش" ما ایم و بقیه بشریت." (انقلاب اسلامی ـ ۲۳ بهمن ۱۳۵۹)

"پس این همان جنگ روانی است که در جریان بررسی زمینه‌سازی کـــودتـــا آورده‌ام و این حزب توده نیز، با اینکارها بی سابقه نیست و در تاریخ خود بسیار از این کارها کرده‌است و سابقهٔ طولانی دارد." (انقلاب اسلامی ۱۳۶۰/۲/۸)



درجلسه علنی هفتهٔ گذشتهٔ مجلس :

تصفیه لیبرال‌ها، سازشکاران وپیروان خط بنی‌صدر از ادارات و ارگانهای انقلابی خواسته شد

- کابینه جدید به مجلس معرفی شد
- سلطنت‌طلبان، ساواکیان، وابستگان دربار، جاسوسان امپریالیسم، سرمایه‌داران ومالکان بزرگ دشمنان عریان انقلاب بسرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند
- حجج اسلام رفسنجانی وخوئینی‌ها به همراه ۱۳ نماینده مجلس شورای اسلامی درکنفرانس بین‌المجالس در هاوانا شرکت می‌کنند.

در جلسات هفته گذشته‌مجلس شورای اسلامی ،نمایندگان‌بازهم‌خواستار اجرای بند "ج" و ملی کردن تجارت خارجی شدند. دراین جلسات‌که‌طی آن‌لایحه‌اراضی شهـــری و چند لایحه دیگر به‌تصویب رسید درباره خطرحضور لیبرال‌هاوپیروان خط بنی‌صدر در بسیاری از ادارات وارگان‌های انقلابی هشدار داده شد و ضرورت‌تصفیه‌آنهاتاکید شد.

در جلسات هفته گذشته مجلس، دولت ملزم شدبرای اجرای اصل ۴۹قانون‌اساسی که‌بر اساس آن‌ثروت‌های‌نامشروع به‌صاحبان‌اصلی یا بیت‌المال‌برگردانده‌می‌شود ،طی ۴ماه لایحه‌ای تهیه‌کند.

دراین‌جلسات‌ضمن تعیین نمایندگانی که باید در کنفرانس بین‌المجالس در هاوانا شرکت کنند ،نمایندگان خواستار فشردن دست های دوستی شدندکه‌در داخل وخارج کشور به سوی انقلاب ایران دراز شده‌است.

در اولین جلسه علنی هفته گذشته که‌روز یکشنبه ۱۸مرداد ۱۳۶۰به‌ریاست **حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** تشکیل شد ،طرح قانونی‌اراضی شهری به تصویب‌نهائی رسید.

پیش از ورود دردستور ،**علی‌اصغرباغانی** نماینده سبزوار به‌عنوان اولین ناطق پیش از دستور، درباره مسائل مختلف مملکتی‌وخیانت‌های بنی‌صدرسخن‌گفت. وی از جمله به" چراغ سبزنشان‌دادن دولت‌موقت‌به"قدرت شیطانی آمریکا" وامیدآمریکا به‌انحراف انقلاب توسط دولت موقت وسپس بنی‌صدر اشاره کرد.

پرویز ملک‌پورنمایندهٔ‌زرتشتیان، دومین ناطق پیش ازدستور بود. وی ابتدایادآور شد: "انقلاب همچنانکه رهبرانقلاب بارهـا تاکیـد کرده‌انـد ،متعلق به همهٔ‌مردم است و هیچکس حق ندارد به خاطر استنباط‌خود از ادامه راه انقلاب ،دیگران‌راغیرانقلابی‌بداند. تنهاضد‌انقلاب ودشمنان‌جمهوری‌اسلامی‌درآن طرف‌خط وبرابرماقراردارندوبقیه نباید جز با بحث و منطق روباروی هم قرارگیرند. ایـن ضرورت انقلاب وشرط‌تداوم وتعمیق آن اسـت." وی "سلطنت‌طلبان ،ساواکیها ،وابستگان دربار، جاسوسان‌امپریالیسم و سرمایه‌داران و مـالکان بزرگ" را "دشمنان عریان انقلاب" دانست‌که "حامی همه‌آنهاامپریالیسم‌جهانی به سرکردگی آمریکاست". ناطق آنگاه توطئه‌های آمریکـا و یاران اروپائی او رابرشمرد وسپس به‌خوشباوری وبی‌توجهی‌ما نسبت‌به‌خود مسئولین هشدار داد. وی سپس پرسید: "چه‌شدکه‌کسانی همچون امیرانتظام ومقدم‌مراغه‌ای ،قطب‌زاده ومهندس بنی‌صدر... در اولین حکومت بعد از انقلاب راه یافتند. چه‌شدکه بنی‌صدر توانست خود را به‌عنوان یک‌قهرمان‌جا بزند و نخستین رئیس جمهور کشور انقلابی ما بشود؟چه شد که نتوانستیم هجوم هواپیماها و هلی‌کوپتر های امریکائی رابه‌طبس بفهمیم؟ چه‌شدکه‌همه‌مدارک موجود در این هلی‌کوپترها همراه باجان پاک رئیس‌پاسداران نزد ناپسندهای‌خودمان از بین رفت؟ چه‌شد که باهمه آگاهی‌هائی که‌داشتیم و باهمه‌هشدارهای‌سازمانهای انقلابی ،خـود را آماده‌دفاع‌دربرابر هجوم‌راهزنانه‌صدام نکردیم؟ داستان هویزه وکم‌وکیف آن‌کدام‌است؟... و هزاران سئوال دیگر." وی‌افزود: "اگر ننشینیم و درباره همهٔ‌اینها بادقت مطالعه نکنیم وریشه ها را پیدانکنیم ،نمی‌توانیم امیداین‌راداشته‌باشیم که‌دیگر ازاین‌حوادث در آینده پیش‌نیاید."

نماینده‌زرتشتیان در بخـش دیگری‌از سخنانش ضمن تاکید برلزوم قاطعیت در برابر ضدانقلاب‌وتروریست‌ها در مورد"خشم و انتقام‌جویی‌وعصبیت "هشدارداد. وی‌همچنین‌خواستار ارشادوراهنمایی "فریب خوردگانی که در دام ضدانقلاب‌اند" شدوتاکیدکرد: "نباید فریب‌خوردگان‌جوان‌وافرادخام‌بی‌تجربه را باسران وابسته‌وجنایتکارآنهابه‌یک‌چوب‌راند. ناطـــق افزود: "ضدانقلاب‌عریان‌یعنی ساواکی‌هـــا و سلطنت‌طلبان وسرمایه‌داران‌و بزرگ‌مالکان، نه خانهٔ‌تیمی‌دارندونه‌باساکی‌پرازاعلامیه‌بردوش خود بیرون‌می‌آیند. ارتباطات وتوطئه‌های آنها خیلی مدرنترازاینهاست. "نمایندهٔ زرتشتیان خواستارملی کردن بازرگانی‌خارجی و اجرای بلادرنگ‌بندهای "ج" و"د" اصلاحات ارضی و نیز اجرای طب‌ملی وبازگشائی دانشگاه‌ها شد و آنگاه گفت: "درکناراینها ،در داخل و خارج مملکت ،دست‌های دوستی رابفشاریـــم واز دشمنان بی‌نقاب و بانقاب دل بکنیـــم. به خواست‌های‌اقلیت‌های‌مذهبی وبه‌توقعات‌درست ملیت‌های‌گوناگون باسعه صدر بیشتری‌توجه‌کنیم جلوباندهای‌قاچاق و دزدی و فساد راکه‌بسیاری ناشی‌از آزادی افغان‌های‌فراری ازکشورشان‌است بگیریم.

پس ازسخنان‌نماینده‌زرتشتیان ،**حجت‌الاسلام محمدعلی‌موحدی کرمانی**نماینده‌کرمان توضیحاتی درباره‌خسارات‌ناشی‌ازلرزلـه اخیر کرمان‌داد و خواستار رسیدگی بیشترو حدیتربه ویژه‌باتوجه‌به‌نزدیکی‌زمستان‌شد.

پس از سخنان ناطقین پیش از دستـــور رئیس مجلس درباره وقایع جاری‌کشورتوضیحاتی داد. آنگاه‌مجلس وارد دستور شد وبحث‌درباره طرح‌اراضی شهری ادامه‌یافت. پس ازبررسی مواد باقی‌مانده درباره کل‌طرح‌رای‌گیری‌به‌عمل‌آمد که بااکثریت‌قاطع به‌تصویب رسیـد. پس از آن نمایندگان به‌بحث درباره اصلاح "طرح قانونی الحاق دادگاه‌های‌انقلاب‌به‌دادگستری"پرداختند که‌به‌دلیل اتمام‌وقت ادامه‌آن به جلسـه بعد موکول شد.

سازشکاران در انقلاب ما جائی ندارند

درجلسه علنی روز دوشنبه ۱۹ مرداد که به‌ریاست**حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی**تشکیل شد ،ابتدا**مرتضی محمودی**نماینده قصرشیرین‌که درفاجعه ۷تیر مجروح‌شده‌بود سخن‌گفت. وی‌در بخشی‌ازسخنانش خطاب به‌آمریکاوفرانسه‌تاکید کرد. "انقلاب‌پرشکوه‌اسلامی ایران‌بافرارشاه و بختیار واویسی وازهاری ومدنی و نزیه و رجوی وبنی‌صدر ،وفرارسایرهمدستان‌خودفروخته‌آنان که‌هنوز فرارنکرده‌اند وشاید در آینده نزدیکی به‌آنان‌بپیوندند شکست نخواهدخورد."

وی دربخش دیگری از سخنانـــش گفت: "آیاآنانکه با افتخار وآب وتاب مقاله "کی‌باید برود" رادوبار در روزنامه ویکبار بصورت‌اعلامیه چاپ وپخش کردند... آیا فهمیده‌اندچه‌کسی بایدبرود و چه‌کسی و چه خطی در واقـع رفته است وباید ریشه‌کن‌شود؟"وی‌افزود، "ایــن سازشکاران باید بدانندکه درمیان انقلاب ما و دراندیشه آگاه امت‌اسلامی نـه تنها پایگاهـی ندارند بلکه‌آنان‌رابزرگترین عامل خط‌انحراف درجهت‌سازش‌می‌دانند. "ناطق سپس ضمن‌ابراز تاسف ازباقی‌ماندن "خط منحرف ضـد انقلابی بنی‌صدرآمریکائی ولیبرال‌ها" در بسیـاری از ادارات و ارگان‌های‌انقلابی ونیروهای مسلح، خواستار تصفیه هرچه‌سریعتر آنان‌شد.

پس از آن**محمدمهدی‌جعفری**نماینده‌بوشهر سخن‌گفت و آنگاه مجلس وارد دستور شد.

دراین‌جلسه مراسم تحلیف ۳ نفـــر از نمایندگان به‌عمل‌آمد و قانون‌الحاق دادگاه‌های انقلاب‌به‌دادگستری‌پس‌از اصلاحاتی به‌تصویب رسید. همچنین‌پس از تـوضیحات **دکترولایتی** درباره کنفرانس بین‌المجالس‌کداجلاس آتی‌آن در هاوانا پایتخت کوبا برگزارمی‌شود ،اسامی ده نفر ازنمایندگان که برای شرکت در این اجلاس انتخاب شده‌اندبه‌شرح‌زیر قرائت گردید:

آقایان: **هاشمی‌رفسنجانی ،پرورش ، موسـوی‌خوئینی‌ها ،خاتمی ،امامی‌کاشانی ،مهاجـرانی ، الویری ،بشارتی،آقامحمدی ،دکترهادی.**

در این کنفرانس از سوی ایران۱۵نماینده می‌توانند شرکت کنندکه انتخاب ۵نماینده باقی مانده‌به‌یک‌جلسه‌غیررسمی غیرعلنی موکول‌شد.

درجهان دو خط وجود دارد: مستضعفین ومستکبرین

در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۲۰ مرداد مجلس‌که‌به‌ریاست**حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی** تشکیل شد ،دولت‌ملزم شدظرف حداکثر ۴ ماه لایحه قانونی مربوط به‌اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی راتهیه‌وبه‌مجلس تقدیم‌کند.

اولین‌سخنران این‌جلســه ، **دکتر جواد شیرازیان** نمایندهٔ‌مردم قائمشهر بود. وی در بخشی ازسخنانش تاکیدکرد: "درجهان دو خط وجودداردیکی‌خط مستضعفین و دیگـری خط مستکبرین ،چون‌استکباربسرکردگی آمـریکـای جهانخوارواستعماروابسته‌به‌آن‌واسرائیل‌دسـت در دست‌یکدیگـــر داده‌اندتا کشــورهـای ضعیف را به کمک یکدیگـــر ببلعنـد." وی بااشاره‌به‌جنگ‌تحمیلی عراق علیه ایران گفت: "استکبارجهانی معتقداست که برهریک ازطرفین مخاصمه ضررهای‌جبران‌ناپذیر جانی ومالی برسد به‌نفع‌آنهاست وسرمایه‌دارهای فروشندهٔ اسلحه نیز پول هنگفتی به جیب‌خواهند زد." وی در پایان سخنانش بااشاره به‌ترورودو نفرازپاسداران درچندکیلومتری قائمشهر از ژاندارمری‌خواست‌که باجدیت‌بیشتری امنیت راهها را بعهده بگیرد.

سپس **دکترخلیلی** نماینده بافت دربـارهٔ حرفهٔ‌پزشکی ومسائل مربوط به آن سخن‌گفت.

آخرین سخنران پیش از دستور این جلسه **حجت‌الاسلام شجونی** نماینده کرج‌بودکه‌مصائب فعلی کشور راناشی از حاکمیت رفرمیســت ها و لیبرال‌ها دانست. وی در بخـــش دیگـــری ازسخنانش‌توضیحاتی‌درباره "بنیاد مستضعفان" داد. پس ازسخنان‌پیش‌ازدستور ،مجلـس وارد دستورشدوطرح‌الزام دولت‌جهت‌تهیه و پیـاده کردن‌اصل۴۹قانون‌اساسی درمدت ۴ ماه مـورد بررسی‌وتصویب‌قرارگرفت. دراین‌جلسه‌همچنین لایحه "اجازه‌تعیین‌نرخ‌برق‌برای‌مصارف‌خانگی ، صنعتی وکشاورزی پس از بحث و بررسی بتصویب نهایی‌رسید. براساس‌این‌لایحه‌مصرف‌برق‌خانگی تا ۴۰ کیلووات در ماه مجانــی‌شد. در پایان این‌جلسه ،نام ۴نماینده دیگر شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المجالس به‌اسامی آقایان **علی‌اکبر ولایتی ،مجید انصاری ،غلامعباس زائری‌وسرگن بیت‌اوشانا** اعلام شد.

ملی‌کردن توزیع مایحتاج عمومی

جلسه‌علنی روزچهارشنبه ۲۱مرداد مجلس به‌ریاست‌حجت‌الاسلام‌هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. اولین‌ناطق پیش ازدستور**صباح‌زنگنه**نماینده شیرازبودکه‌توضیحاتی درباره سفرش به ایرلند شمالی داد. دومین ناطق پیش‌ازدستور **یوسفی اشکوری** نماینده تنکابن و رامسربود. وی‌با تاکید براینکه "مسئله همچنان جنگ‌است" خواستـار برنامه‌ریزی‌اساسی‌برای خـود کفائـی صنعتی و کشاورزی ونیز بازگشائی هرچه‌سریعتر دانشگاه‌ها شد. وی‌ابرازامیدواری کرد که اصول ۴۴ و ۴۹ قانون‌اساسی که‌طبق مصوبهٔ‌مجلس دولت ملزم‌به اجرای آنست توسط دولت دکتر باهنر به اجرا درآید.

ناطق سپس گفت: برای قطع دست‌واسطه‌ها از معاملات وامور اقتصادی فقط ملی‌کردن‌تجارت خارجی‌کافی‌نیست ،بلکه‌توزیع مایحتاج‌عمومی‌هم باید براساس‌قانون‌اساسی‌ملی شود و به صورت تعاونیهای توزیع یاتعاونی‌های دولتی کالاها به دست‌مردم‌برسد. "وی‌همچنین‌برلزوم‌کوتاه‌کردن دست سودجویانی‌که‌تحت‌عنوان تجارت اسلامی خون‌مردم رامی‌مکند "تاکیدکرد. آنگاه نمایندهٔ تنکابن ورامسر" برای پیشرفت امـــور کشاورزی" پیشنهادهائی ارائه داد. وی در زمینه سیاست خارجی خواستار تصفیه وفعال کردن سفارت‌خانه‌ها وهمکاری‌هرچه‌بیشتربانهضت‌های‌آزادی‌بخش وکشورهای ضدامپریالیست مسلمان شد.

وی سپس از مسئولین قضائی خواســت که نسبت‌به "ضدانقلاب وسلطنت‌طلبان و جاسوسان بیگانه ،وسرمایه‌داران غارتگر واحتکارگران "ونیز همه‌کسانیکه مسلحانه وغیرمسلحانه درصددبر‌اندازی جمهوری‌اسلامی‌هستند" باقاطعیت عمل کنند. ناطق همچنین‌خواستار "رعایت‌کامل‌حقوق انسانی وقانونی همه‌افراد "ورسیدگی به‌وضع بازداشت‌شدگان" و "بوجود آوردن امکانات لازم جهت بازگشت فریب‌خورده‌ها" شد. وی ازدادستانی‌انقلاب‌خواست‌که‌برای‌جلوگیری از سوء استفاده‌ضدانقلاب‌درباره‌احکام صادره‌ازدادگاه‌های‌انقلاب‌به‌مردم‌توضیح‌کافی داده شـود.

پس ازآن‌رئیس‌مجلس‌تذکراتی دادوآن‌گـاه مجلس‌وارددستورشد.

دراین‌جلسه‌اعتبارنامه ۱۰نفر از نمایندگان که‌اخیراانتخاب شده‌اند به‌تصویب‌رسید. همچنین پرونده‌انتخاباتی‌نماینده تبریزکه‌درشعبه‌مربوطه ردشده‌بود ،برای‌رسیدگی بیشتر به کمیسیـــون تحقیق‌ارجاع‌گردید.

در آخرین جلسه هفته‌گذشته‌مجلس‌شورای اسلامی ، "لایحهٔ‌بازسازی‌نیروی‌انسانی‌وزارت‌خانه‌هاوموسسات‌دولتی‌و وابسته‌به‌دولت "که به تصویب‌کمیسیون مشترک کار و امـــور اداری و استخدامی‌رسیده بود مطرح وکلیات‌آن‌بتصویب رسید.

اسامی اعضای کابینه اعلام شد

در پایان‌جلسه پنجشنبه مجلـس شورای اسلامی ،اعضای کابینه‌جدید توسط نامه نخست وزیر به‌مجلس‌شورای‌اسلامی‌معرفی شدند. اسامی اعضای کابینه‌آقای دکتر باهنر ،عبارتند از:

۱– وزارت آموزش وپرورش **علی‌اکبرپرورش**
۲– وزارت‌کشور **حجـــت‌الاسلام مهدوی‌کنی**
۳– وزارت‌فرهنگ‌وآموزش‌عالی **دکترمحمدعلی نجفی**
۴– وزیرمشاوردراموراجرایی **مهندس بهزاد نبوی**
۵– وزارت‌نفت **مهندس‌محمدغرضی**
۶– وزارت اقتصاد ودارائی **دکترحسین‌نمازی**
۷– وزارت دفاع **سرهنگ‌سیـد موسی نامجو**
۸– وزارت‌مسکن‌وشهرسازی **مهندس‌محمدشهاب گنابادی**
۹– وزارت‌دادگستری **سیدمحمداصغری**
۱۰– وزارت‌امورخارجه **مهندس میر حسیـن موسوی‌خامنه**
۱۱– وزیرمشاور و سرپرست‌صنایع فولاد **مهندس حسین‌موسویان**
۱۲– وزارت‌صنایع ومعادن **مهنـدس مصطفی هاشمی**
۱۳– وزارت‌راه **مهندس سیـد حسین تاجگردان**
۱۴– وزارت‌بهداری **دکترهادی‌منافی**
۱۵– وزارت‌ارشاد اسلامی **عبـدالمجیـد معادیخواه**
۱۶– وزارت‌نیرو **مهنـــدس منصور شهیدی**
۱۷– وزارت پست وتلگراف وتلفن **مهندس مرتضی‌نبوی**
۱۸– وزیرمشاور ورئیس سازمان بهزیستی **دکتر محمودروحانی**
۱۹– وزارت‌بازرگانی **حبیـب اله عسکر اولادی‌مسلمان**
۲۰– وزیرمشاور ورئیس‌سازمان‌برنامه‌وبودجه **دکتر محمدتقی بانکی**
۲۱– وزارت‌کشاورزی **محمدسلامتی**
۲۲– وزارت کار **محمدمیرمحمدصادقی**

درشناخت امپریالیسم معاصر (۱۱)

ویژگیهای کارکرد قانون اضافه ارزش درچارچوب سرمایه داری جدید

۱ـ ماهیت سود انحصاری

جانشینی سلطهٔ انحصارات به‌جای رقابت آزاد وتحول سرمایه‌داری انحصاری به‌سرمایه‌داری انحصاری دولتی تاثیر قوانین اقتصادی سرمایه‌داری را زایل نمی‌سازند. آنها فقط شکل‌های کارکرد این قوانین را تغییر می‌دهند. قانون اضافه ارزش قانون اساسی اقتصادی شکل‌بندی سرمایه‌داری است. قانون مذکور در همهٔ مراحل رشد شیوهٔ تولید سرمایه‌داری عمل می‌کند.

تفاوت بین اضافه سود انحصاری واضافه سود دورهٔ رقابت آزاد

می‌دانیم که اضافه ارزش به شکل معبر یعنی به‌شکل سود وارد عمل می‌شود. جستجوی حداکثر سود از ویژگیهای سرمایه‌داری است. هر سرمایه‌دار می‌کوشد تا آنجا که ممکن است سود بیشتری به‌چنگ آورد. باوجود این، در عصر سرمایه‌داری ماقبل انحصاری، رقابت آزاد موجب می‌شد که سرمایه‌های مساوی در شاخه‌های مختلف تقریبا به نرخ سود مساوی برسند. برخی سرمایه‌داران از راه نوسازی تکنیک واستفاده از اسلوب‌های جدید استثمار کارمزدوری ارزش فردی کالاهای ساخته شده را نسبت به ارزش اجتماعی آن کاهش می‌دادند و بدین‌سان یک اضافه سود یعنی یک مازاد نسبت به متوسط به‌دست می‌آورند. باوجود این، رقابت امکان نمی‌داد که این اضافه سود در مدت طولانی محفوظ بماند.

این وضع در شرایط امپریالیسم به‌کلی تغییر یافت. انحصارات که در تولید وگردش پول مواضع مسلط کسب کرده‌اند، همواره اضافه سود ویژه، اضافه سود انحصاری بدست می‌آورند. این اضافه سود از جهت این‌که محصول سلطه و استثمار انحصارات در صنعت و دیگر قلمروهای اقتصاد سرمایه‌داری است، از اضافه سود عادی متمایز می‌باشد. انحصارات برای کسب این سود هم از اسلوب‌های قدیمی استثمار سرمایه‌داری و هم از اسلوب‌های جدید امپریالیستی سود می‌جویند. اضافه سود عادی بخشی از اضافه ارزش است و محصول اضافه کار کارگران می‌باشد. اضافه سود انحصاری تنها به اضافه ارزش موسسات انحصارات محدود نمی‌شود. در این اضافه سود بخشی از اضافه ارزش موسسات غیرانحصاری، بخشی از ارزش نیروی کار و همچنین بخش مهمی از ارزش ایجاد شدهٔ تولیدکنندگان کوچک کشور مفروض، و کشورهای دیگر، مخصوصا کشورهای در راه رشد وجود دارد.

هنگامی که انحصارات به نوسازی تکنیک موسسات خود مبادرت می‌کنند، باگریز اضافه سود عادی بدست آورند. با این همه سود مذکور زیر تاثیر انحصارات قرار دارد، زیرا اغلب پروانه‌های فنون جدید و همچنین تکنسین‌ها و نیروی کار بسیار آموزش یافته در دست انحصارات متمرکزند. رقیبان هیچ امکان ندارند که از دستاوردهای علوم و فنون صرفا برای موسسات خاص خود استفاده کنند. به این دلیل انحصارات اضافه سود عادی را منحصر به‌خود می‌سازند و در حقیقت سود مذکور به امتیاز آنها بدل می‌گردد و به اضافه سود انحصاری تغییر شکل می‌یابد.

به‌موهبت قیمت انحصاری می‌توان بدون نوسازی تکنیک و حتی با جلوگیری از پیشرفت فنون به اضافه سود انحصاری دست یافت. برخی سرمایه‌داران منفرد می‌توانند اضافه سود عادی کسب کنند، حال آنکه اضافه سود انحصاری تنها به انحصارات تعلق دارد. اضافه سود عادی خصلتی گذرا و فرعی دارد درصورتی که اضافه سود انحصاری از ثبات بسیار زیادی برخوردار است.

بطور کلی سود مذکور از سود متوسط و اضافه سود انحصاری تشکیل می‌شود. انحصارات جامعهٔ بورژوایی صرفنظر از این‌که متعلق به کدام سرمایه‌دار باشند از سرمایهٔ خود یک سود متوسط و نیز بعنوان انحصار یک اضافه سود انحصاری بدست می‌آورند.

مضمون اقتصادی سود انحصاری

سلطهٔ انحصارات چه تاثیری بر سود متوسط دارد و چگونه شکل‌بندی آن تغییر یافته است؟

سلطهٔ انحصاری، سلطهٔ مشتی از انحصارات بزرگ بر مجموع زندگی اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جامعهٔ سرمایه‌داری است. بنابراین، نمی‌توان سود انحصاری را درکنار سود صنعتی یا بازرگانی، سود سهام یا بهره شکلی جدا از اضافه ارزش تلقی کرد، سود انحصاری شکل بغرنج و مرکب درآمد انحصاری است که به‌موهبت استثمار تمام قشرهای زحمتکشان دنیای سرمایه‌داری در همهٔ قلمروهای زندگی اقتصادی بدست می‌آید. سود انحصاری از سلطهٔ سرمایه انحصاری بر بخش غیرانحصاری اقتصاد، از انقیاد و استفاده از تولید کوچک پراکنده و استثمار کشورهای کم رشد نتیجه می‌شود.

از حیث کیفی سود عالی انحصاری شکلی از اقتصاد است که در لوای آن سلطهٔ انحصارات تحقق می‌یابد. از حیث کمی سود مذکور همواره زیادتر از سود عادی بورژوازی غیرانحصاری است.

سود انحصاری بیانگر بغرنجی روابط تولید در عصر امپریالیسم است. در چارچوب سرمایه‌داری ماقبل انحصاری، سود متوسط روابط تولید مجموع طبقه سرمایه‌داران و طبقه کارگران مزدبگیر و همچنین روابط بین خود سرمایه‌داران را که برای کسب مقدار زیادتری از حجم کلی اضافه ارزش مبارزه می‌کردند، منعکس می‌نمود. سود عالی انحصاری روابط تولید بین بورژوازی انحصاری از یک سو مجموع طبقهٔ کارگر و تولیدکنندگان کشور مفروض و زحمتکشان کشورهای کم رشد اقتصادی از سوی دیگر، روابط میان بورژوازی انحصاری و غیرانحصاری وهمچنین روابط میان خود انحصارات را در مبارزه برای کسب سهم زیادتری از حجم کلی سود منعکس می‌سازد.

اقتصاددانان بورژوا و رفرمیست‌ها ماهیت استثمارگرانه و انگلی انحصارات را پنهان می‌کنند. آنها مساله سود انحصاری را مسکوت میگذارند یا وجود آن را به سادگی انکار می‌کنند. آنها غالبا سود انحصاری را به‌عنوان اضافه سود عادی که به‌زعم شان مولود پیشرفت فنی در موسسات بزرگ است وانمود می‌سازند. از این رو، برای خوشایند بورژوازی انحصاری عالما و عامدا ماهیت سود انحصاری و مضمون طبقاتی آن را دگرگون جلوه می‌دهند.

از دره‌های سنگی تا فضای آزاد عطرآگین

اشاره

دوخلق افغان وتاجیک، به‌سائقهٔ تاریخ مشترک طولانی، باهم پیوندهای تنگاتنگ و ناگسستنی دارند. این پیوند بعد از استقرار دولت جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان پیوسته استوار واستوارتر شده است. خلق افغان، بعداز انقلاب آوریل، این فرصت را بدست آورده که با استفاده از آزادی ناشی از استقرار حاکمیت انقلابی، روابط خود را با خلق تاجیک گسترده‌تر کند. هردوخلق امکان یافته‌اند که بر بنیاد ریشه‌های تاریخی مشترک، به‌ویژه در زبان وفرهنگ، به‌غنای زندگی معنوی یکدیگر یاری برسانند.

بخش کوچکی از این رابطهٔ شکوهمند ــ قطره‌ای از دریا ــ در نامه وشعری که در زیر آمده منعکس است. **سلیمان لایق**، میهن‌دوست مبارز و شاعر ارجمند افغانی، که به‌دلیل مخالفتش با باند تبهکار **حفیظ‌الله امین**، مدتها در زندان پل‌چرخی بود و با تحمل شکنجه‌های قرون وسطائی به آرمان خلق پشت نکرد، بعداز رهائی از زندان، نامه‌ای برای مومن حانوت، شاعر سرشناس تاجیک نگاشته است. دراین نامه، در کم‌ترین خطوط، آنچه برخلق افغان وهنرمندان آن گذشته و آیندهٔ تابناکی که فراروی آنهاست، تصویرشده است. در پاسخ این نامه، شاعر تاجیک شعری را، که درباره انقلاب افغانستان سروده، برای دوست افغانی خود فرستاده است.

نامه‌ای از سلیمان لایق شاعر مبارز افغانی به مؤمن حانوت شاعر تاجیک

رفیق عزیز، مومن حانوت!

اجازه بده صمیمانه‌ترین تشکراتم را به‌خاطر مهربانی‌ات وکلمات رفیقانه‌ای که درباره‌ٔ من به کاربرده‌ای به‌توتقدیم کنم.

بعداز گذراندن یک‌سال در اسارت **امین** قصاب ورهائی از شکنجه‌های مرگ‌آور زندان، من دوباره آسمان آبی روشن را، که از فراز وطن من تاافق دور دست دامن کشیده، می‌بینم.

بعداز سقوط دیکتاتوری **امین** وسرنگونی باند فاشیست او، هنرمندان، شاعران وهنرپیشه‌گان ــ آنها که صدای روح مردم هستند ــ آزادی خلق خود را باردیگر به‌دست آورده‌اند.

این روزها، اگرچه آسمان برفراز دره‌ها و آبکندهای افغانستان پوشیده از بوی خون ودود باروت است، ولی گلهای امید وپیروزی از زیر آوار روستاها سر برمی‌آورند و برگور شهیدان شکوفه‌های نامیرا بازمی‌شود.

دشمنان دنیای جدید ــ بدکاران حامی خشونت وجنگ ــ هنوز می‌کوشند بقایای خرد شده دژهای یک‌نظام پوسیده اجتماعی را حفظ کنند. نبرد بین کهنه ونو بین همه طبقات جامعهٔ ما راه‌یافته است. مردم با سرعت شگفت انگیزی اوضاع سیاسی را درک می‌کنند. آگاهی سیاسی به میان عقب‌مانده‌ترین توده‌های خلق راه بازمی‌کند. روابط نوین درجامعه چون آینه‌ای، زوایای آنچه را که برای آزادی مردم حیاتی ونواست، در خود منعکس می‌کند. این روشن است که ارزش‌های فرهنگی وقومی برای نوشدن چه‌بسا باید از راه‌های ناپیموده بگذرند. این امر در کشور ما ممکن است. واین عشق به‌پیشرفت و تلاش برای پیروزی است که به‌ما برای خلق آثار نو الهام می‌دهد. آنها که با انقلاب آوریل دوباره متولد شده‌اند، قدر اشکها و گلهائی را، که از میان آتش و خون شکفته‌اند، می‌دانند. زندگی در عشق و رنج، درد ولذت، شادمانی وغم میجوشد ومردم قهرمان ما را با مارش پیروزی از دره‌های تنگ سنگی به‌فضای آزاد عطرآگین رهبری می‌کند.

زنده‌باد اندیشه‌های ابدی لنین، رهبر جاودانی بشریت!

جاری باد دوستی وبرادری انقلابی مردم ما وشما برای همیشه، بیشتر از پیش!

درود به‌همهٔ شما ــ پیشگامان راه سرخ شادمانی!

انقلاب آوریل
شعری از مؤمن حانوت شاعر تاجیک

انقلاب، چون عدالت وحقیقت شکفت.
درسراسر زمین،
درخوشه‌های گندم که درمزارع می‌روید،
درخرمن‌های حبوبات،
دردستهای زحمتکشان که چون پرچم دراهتزاز است،
ودرنگاه‌های مغروری که به‌آسمان می‌نگرد،
انقلاب را ببین!

*

بیرون از حصارها،
نوسازی سرزمین مادری را آغاز می‌کنی،
دربدخشان، هرات وقندهار.
وبهار سراسرزمین را شخم می‌زند

*

ومن، سرانجام، دهقانان سرزمینت را آزاد دیدم
که در سحرگاهان
به‌زمین تعظیم می‌برند، چونان نمازگزار برسجاده.

*

برزمین باستانی خویش، بر زمینی که دوباره می‌زاید،
من دهقانان را دیدم که به تازگی زمین شان داده‌اند،
وباتفنگی در دست، روی پرچین‌ها خم شده‌اند
ومحصول گرانبهای خود را از دست‌های بیگانه پاس می‌دارند،
ومی‌رانند غریبه‌هائی راکه مزارع شان را ویران می‌کنند.

*

من دیدم که داس وچکش سخت درکاراست،
واتحاد به‌برندگی الماس می‌شود.

*

من دیدم که جهان نو کهنه را فتح می‌کند،
ومیوه‌ها بر شاخساران چون پرتو ستارگان
در تاریک روشن سپیده‌دمان
می درخشند.
وخوشه‌ها، این تاج‌های طلائی،
به‌توده‌هانان روزانه‌شان را پیشکش می‌کنند.

من دیدم که آروزهای آن جوانمرد بر روی زمین برآورده می‌شود وامیدش به‌واقعیت می‌پیوندد:
"هرچه نابرابراست، آن‌را طرد می‌کنم.
"هرکس به‌مردمان به‌دیدهٔ برادر ننگرد، او را طرد می‌کنم."

*

برگردان از هوشنگ شیرزاد

بمناسبت ۳۵ مین سالگرد استقلال پاکستان

گسترش جنبش پیکار در راه دمکراسی در پاکستان

مردم پاکستان هرچه بیشتر مبارزه خود را در راه حقوق دمکراتیک وعلیه خودکامگی نهادهای قدرت گسترش می‌بخشند. چندی پیش رهبری "جنبش در راه استقرار دمکراسی"، که هشت حزب ممنوع پاکستان را دربرمی‌گیرد، در بیانیه‌ای خواستار آن شدکه، در آن کشور بیدرنگ انتخابات پارلمانی برگزار، حکومت نظامی ملغی و حقوق شهروندان تضمین شود وزندانیان سیاسی آزادگردند.

ازسوی دیگر، "حزب کمونیست پاکستان نیز، دراعلامیه‌ای خطاب به مردم پاکستان وافکار عمومی جهان بازداشت هزاران دمکرات و ترور و اختناق حاکم را محکوم ساخت، که رژیم ضیاءالحق به‌کمک آن میکوشد تا مقاومت خلق را در برابر نظامیان وعلیه وابستگی فزاینده به امپریالیسم وبرتری جویان چین درهم شکند.

"حزب کمونیست پاکستان"، در اعلامیهٔ شگفته، آزادی فوری همه میهن دوستان پاکستان را، که درسیاه‌چالهای آن کشور بسر می‌برند، می‌طلبد. ازجمله زندانیان سیاسی پاکستان، می‌توان ازجام ساقی وجمال نقوی، مطهرعلی خان، بگم نصرت بوتو و س. ر. اصلام نام برد.

پیکار نیروهای مترقی پاکستان برای حقوق دمکراتیک، صلح ورهایی کشور ازبند امپریالیسم ازپشتیبانی هرچه بیشتر مردم پاکستان برخوردار می‌شود. مردم پاکستان از پیکارجانبازانه نیروهای دمکراتیک بااحترام وهمدردی فراوان یاد می‌کنند دراین زمینه، بویژه ازشش عضو "حزب کمونیست پاکستان" یاد می‌شود که بیش از سه ماه پیش، هنگامی که ربایندگان یک هواپیمای شرکت هواپیمایی پاکستان، با اقدام خود مقامات را به آزادساختن برخی از زندانیان سیاسی مجبور ساختند، از ترک زندان خودداری ورزیدند. این تصمیم شجاعانه همدردی مردم را با "جنبش در راه استقرار دمکراسی" دو چندان کرده است.

"جبههٔ آزادیبخش ملی فارابوندومارتی" دژهای مستحکمی را در السالوادور به تصرف خود در آورده است

شش ماه پس از تعرض نظامی وسیع "جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی"، نبرد در السالوادور با شدتی بیش از پیش ادامه دارد. هرچند نالئون دوآرته، سرکرده "خونتا" پیوسته تکرار می‌کند که نظامیان سراسر کشور را زیر کنترل کامل خود درآورده‌اند. اما حتی در درگیری‌های روزمره به راحتی دیگرسخن می‌گویند. بر پایه همه گزارش‌های رسیده می‌توان گفت که در حالیکه سان‌سالوادور، پایتخت السالوادور، از نظر نظامی زیر کنترل سپاهیان "خونتا" قرار دارد، نیروهای مسلح آزادیبخش دارای مواضع مستحکمی در روستاها، بویژه در مناطق مرزی السالوادور – هندوراس هستند.

سرکوبگران "خونتا" و گردان‌های شبه‌نظامی ترور خویش را با وحشیگری هرچه بیشتر ادامه میدهند. نیروهای مسلح آزادیبخش، پس از پایان تعرض دی – بهمن ۱۳۵۹ خود، از شهرهایی که به تصرف خویش درآورده بودند، عقب‌نشینی کردند. این تعرض، که تنها پس از وحدت همه سازمان‌های مقاومت مسلحانه در سال پیش ممکن شد، دو هدف داشت: جلوگیری از مداخله امپریالیستی و جلب همبستگی فزاینده بین‌المللی با پیکار مردم السالوادور در راه آزادی ملی و اجتماعی. شفیق خورخه هندل، عضو ستاد عالی فرماندهی "اف. ام. ال. ان." ("جبهه آزادیبخش ملی فارابوندومارتی") چندی پیش درباره نتایج تعرض نامبرده چنین گفت:

"ما معتقد بودیم که هدف از اقدام ما هنوز نمیتواند سرنگونی دیکتاتوری باشد. طول تعرض ژانویه با پیروزی نهایی بستگی دارد به مداخله نظامی ایالات متحده آمریکا در امور داخلی السالوادور و پیشرفت‌های روند اتحاد همهٔ مخالفان دیکتاتوری، بویژه نظامیان میهن‌دوست".

اکنون در السالوادور اوضاع چگونه است؟

مداخلات ایالات متحده آمریکا در السالوادور به ابعادی رسیده است که از مداخله ۱۶ سال پیش این کشور در جمهوری دومینیک تا امروز، بی سابقه است. واگذاری هلیکوپترهای جنگنده و گسیل مشاوران نظامی ایالات متحده آمریکا، از جمله "برِه‌سرهای سیاه ویژه"، نیروهای صلح "خونتا" را توان بسیار بخشیده است. تنها جا سازی نیروهای مسلح آزادیبخش خلق سبب شده است، که نیروهای "خونتا" به برتری چشمگیری دست نیابند. در اینجا یادآور می‌گردیم که نیروهای مسلح آزادیبخش در پایان تعرض دی – بهمن خود به توافق‌هائی با جناح اصلاح‌طلبی در ارتش، به نام "خوونتود میلیتار"، دست یافتند.

وضع کنونی السالوادور از نظر کیفی در مرحله جدیدی قرار دارد، چه از روی غیر نظامی مقاومت، یعنی "جبهه دمکراتیک انقلابی" اعلام کرده است که با نبرد مسلحانه راه‌حل سیاسی را نیز از نظر دور نمی‌دارد و آمادگی خویش را برای مذاکرات ابراز داشته است. [illegible] آمادگی هنگامی اعلام شد که [illegible] سنگری افراطی ارتش در پایان تعرض دی – بهمن ۵۹ به خیال خود فرصت را برای "قلع وقمع" "اف. ام. ال. ان." مساعد می‌دیدند.

تا لحظه‌کنونی "خونتا" به این آمادگی پاسخ قابل قبولی نداده است. دوآرته، که رژیم خود را در خطر سقوط و ناگزیر از اتخاذ موضعی تدافعی میدید، اعلام داشت که گفتگو تنها هنگامی ممکن است، که "جبهه دمکراتیک انقلابی" سلاح را بر زمین گذارد و در خاک السالوادور به مذاکره تن در دهد. اما میهن دوستان خوب به یاد دارند، که بر سر پنج رهبر آنان، که پائیز سال پیش برای مذاکره از مکزیک به سان سالوادور آمدند، چه گذشت: هر پنج نفر آنها امروزه در کلیسای جامع پایتخت به خاک سپرده شده‌اند. رهبران نامبرده راکسانی که تظاهر به اصلاح‌طلبی میکردند و خود را جانشین بورژوایی دیکتاتوری میدانستند، دستگیر کردند و به قتل رساندند. دوآرته "دمکرات مسیحی" سرکرده این محافل بود.

جهاد سازندگی...

بقیه از صفحه ۱

چگونگی تأسیس جهاد سازندگی

در اوایل سال ۱۳۵۸ و با نزدیک شدن تعطیلات تابستانی، گروهی از دانشجویان متعهد و انقلابی درصدد برآمدند که طرحی جهت آغاز تلاش همه جانبه به منظور نوسازی روستاها تدوین کنند. و این طرح با نام "**جهاد برای سازندگی روستاها**" تدوین شد.

با پیام تاریخی رهبر انقلاب و بنیادگذار جمهوری اسلامی ایران **امام خمینی** در ۲۷ خردادماه ۵۸ تشکیلات **جهاد سازندگی** در تهران و استانها پی‌ریزی شد و تلاش به منظور زدودن فقر از روستاها آغاز گردید.

امام خمینی در بخشی از پیامشان غرض از تأسیس جهاد سازندگی را چنین بیان داشتند:

"... ما باید این جهاد را به جهاد سازندگی موسوم نمائیم. در این جهاد "جهاد سازندگی" همه قشرهای ملت، پیر و جوان، زن و مرد، دانشگاهی و دانشجو، مهندسین و متخصصین شهری و دهاتی همه باهم باید تشریک مساعی کنند و ایران را که خراب شده است، بسازند".

امام خمینی همچنین در بخش دیگری از پیام خود خطاب به مردم گفتند:

"... ما دستمان را نزد تمام ملت دراز می‌کنیم و از ملت می‌خواهیم که در این نهضت شرکت کنند و همه دست برادری و دوستی بهم بدهند و این جهاد سازندگی را شروع کنند".

و بدین ترتیب رسالت بزرگ نهاد انقلابی جهاد سازندگی آغاز شد.

جهاد سازندگی و دولت موقت لیبرال

دولت موقت لیبرال با تشکیل نهاد مستقلی بنام **جهاد سازندگی** موافق نبود لیبرالها تمام تلاش خود را می‌کردند تا این نهاد را که انقلاب شکوهمندمان ضرورت ایجاد آن را اعلام کرده بود، در درون نظام اداری بجامانده از رژیم منفور گذشته بگنجانند.

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در سخنرانی خود در سمینار سراسری جهاد سازندگی (اسفندماه ۵۹) در این باره گفت:

"... ما می‌دانیم که دولت موقت می‌خواست که جهاد جزو ادارات دولتی بشود، ولی برادران و خواهران نمی‌خواستند گرفتار نظام کاغذبازی واداری شوند."

باید افزود که در ابتدای فعالیتهای **جهاد سازندگی** توزیع بودجه به دلیل وجود موانع اداری و ضوابط دست و پاگیر دولتی بسیار کند صورت گرفت، بگونه‌ای که بودجه مصوب ۲۷ خردادماه ۵۸، در برخی از استانها پس از ماهها به دست ستاد جهاد سازندگی رسید.

همچنین در طول فعالیت‌های جهاد سازندگی برخورد نیروهای داوطلب و انقلابی با مدیریت دولتی، بخش مهمی از انرژی ثمربخش را بهدر می‌داد. لذا قبل **از سقوط دولت موقت لیبرال**، مسئولین انقلابی به این نتیجه رسیدند که لازم است تشکیلات جهاد از مدیریت دولتی مجزا گردد و فقط به هماهنگی اطلاعاتی با نهادهای دولتی قناعت کند.

در راستای این تصمیم، پس از سقوط دولت موقت لیبرال، **شورای مرکزی جهاد سازندگی**، مرکب از نماینده‌ٔ امام، نماینده شورای انقلاب و سه نفر از اعضاء منتخب دفتر مرکزی جهاد سازندگی مسئولیت اداره فعالیت‌های آن را به عهده گرفت.

فعالیت‌های جهاد سازندگی

جهاد سازندگی فعالیت‌های خود را در چهار بخش عمرانی و تأسیساتی، کشاورزی، بهداشتی و درمانی و فرهنگی آغاز کرد.

جهاد سازندگی، برطبق آمار منتشره، بمناسبت دومین سالگرد انقلاب شکوهمند مردممان، موفق شده است که در چهار بخش فوق، از بدو تأسیس تا ۲۷ دی ماه ۵۹، اقدامات زیر را انجام دهد:

الف: فعالیت‌های عمرانی و تأسیساتی

ایجاد حمام ۱۱۲۳ واحد و ۷۶۲ واحد در دست اجرا، مدرسه ۱۵۴۴ واحد و ۸۲۸ واحد در دست اجرا، درمانگاه ۸۷ واحد و ۵۶ واحد در دست اجرا، مسجد ۳۷۰ واحد و ۱۷۸ واحد در دست اجرا، خانه برای مستضعفین ۱۶۹۵ واحد و تعداد ۲۸۷ واحد در دست اجرا، منبع آب ۱۰۲۳ واحد و ۱۴۹ واحد در دست اجرا، پل ۴۲۰۸ دهنه و ۱۰۴۸ دهنه در دست اجرا توالت بهداشتی ۱۷۹۰ واحد و ۱۵۴ واحد در دست اجرا و غسالخانه ۲۱۴ واحد و ۱۱۸ واحد در دست اجرا. همچنین تعداد ۳۴۴۰۱ واحد حمام، مسجد، درمانگاه، مدرسه، غسالخانه، خانه برای مستضعفین، پل، توالت و منبع آب تعمیر و یا تکمیل شده است.

فعالیتهای تأسیساتی نیز عبارتند از:

برق‌رسانی به ۱۰۵۵ روستا و ۲۲۰ روستا در دست اجرا، لوله‌کشی آب در ۸۷۱ روستا و ۶۵۷ روستا در دست اجرا، سدخاکی و سیل‌بند ۲۰۱۹ واحد و ۶۸ واحد در دست اجرا، راه شوسه ۴۴۷۴ کیلومتر و ۲۵۲۸ کیلومتر در دست اجرا، راه روستایی ۸۷۳۵ کیلومتر و ۱۴۰۳ کیلومتر در دست اجرا، نهرسازی و کانال‌کشی ۲۰۲۸ کیلومتر و ۱۵۶۴ کیلومتر در دست اجرا.

ب: فعالیت‌های کشاورزی

حفر چاه عمیق، نیمه عمیق و معمولی ۲۷۹۵ حلقه، لایروبی و احیای قنات ۷۵۵۰ رشته، تهیه و توزیع کود ۷۳۸۶۲ تن، سطح زیرکشت جهاد ۴۴۱۹۱ هکتار، تعمیر ماشین‌آلات کشاورزی ۲۸۶۰ دستگاه تهیه و واگذاری تراکتور و کمباین ۱۳۴۴ واحد، تهیه و واگذاری سایر ماشین‌آلات ۳۱۶۶ واحد، تهیه و توزیع سم ۶۷۴۷۸۶ کیلو و تهیه و توزیع انواع بذر ۱۳۳۷ تن.

جهاد سازندگی در این مدت تعداد زیادی دام را واکسینه کرده، به افراد آموزش داده و تعداد زیادی دام نیز واگذار کرده است.

ج: فعالیت‌های بهداشتی و درمانی

توزیع داروی رایگان در ۱۹۴۰ روستا، تزریقات و پانسمان ۴۳۰۰۰ نفر درمان رایگان ۱۸۰۰۰ نفر و اکسیناسیون ۱۵۰۰ نفر، اعزام گروه پزشکی به ۸۶۸ روستا، آموزش بهداشت ۷۷۷ روستا، آموزش کمک‌های اولیه ۱۲۵ روستا و بستری کردن ۵۶۲۴ نفر بیمار.

د: فعالیت‌های فرهنگی

تشکیل کلاسهای ایدئولوژی ۴۱۲۸ مورد، تشکیل کلاس سوادآموزی ۲۵۵۴ مورد ایجاد کتابخانه ۷۳۱۳ واحد، ۹۷۳۹ مورد نمایش فیلم و اسلاید. برگزاری سخنرانی ۳۲۶۵ مجلس، تشکیل نمایشگاه ۱۹۱۱ مورد، توزیع کتاب رایگان ۲۳۶۷۰۰۰ جلد و توزیع پوستر و نشریات ۲۸۵۱۰۰۰ عدد.

در این جا ذکر نکته مهمی در خصوص دو فعالیت چشمگیر و انقلابی جهاد سازندگی ضروری است:

یکی از این فعالیت‌ها تلاش پیگیر جهاد سازندگی در جهت ایجاد شوراهای واقعی و مردمی در روستاها بوده است.

جهاد سازندگی تا ۲۷ دیماه ۵۹ موفق به تشکیل ۲۶۴۴ شورا در روستاها شده است.

یکی از اعضاء شورای مرکزی جهاد سازندگی در این مورد گفته است:

"شورای روستا یکی از اصلی‌ترین مسایل روستا می‌باشد و ما نیز معتقدیم که این مردم هستند که می‌توانند کارشان را بهتر درک کرده و حل نمایند و این مسئله تنها در شوراهای روستائی شکل می‌یابد.

برای تشکیل شورا در روستاها جهاد سازندگی فعالیت‌های چشمگیری داشته و در اکثر استانها برادران جهاد شوراهایی تشکیل داده‌اند که در ارتباط مستقیم با شورای روستا می‌باشند و مشکلات روستاها نیز از طریق همین شورا در جهاد منعکس می‌گردد". (در مصاحبه مطبوعاتی بمناسبت دومین سالگرد انقلاب. نشریهٔ "جهاد"، شمارهٔ ۴، نیمهٔ اول اسفند ۵۹ صفحه ۶).

فعالیت چشمگیر و انقلابی دیگر جهاد سازندگی، تلاش پیگیر این نهاد انقلابی در جهت تشکل مبارزات دهقانان علیه بزرگ‌مالکان غارتگر و ضدانقلابی بمنظور احقاق حق این زحمتکشان روستا است. و این از ماهیت انقلابی و ضد بزرگ مالکی جهاد سازندگی نشات می‌گرفت.

جهاد سازندگی و قانون اصلاحات ارضی

با تصویب قانون اصلاحات ارضی در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹، **جهاد سازندگی** یکی از مجریان این قانون شد.

در مواد ۵ و ۷ قانون اصلاحات ارضی از نماینده تام‌الاختیار جهاد سازندگی بعنوان یکی از اعضای هیئت‌های هفت‌نفری و ستاد مرکزی واگذاری زمین نام برده شده است.

نمایندگان جهاد سازندگی همگام با دیگر اعضاء هیئت‌های هفت‌نفری تا قبل از توقف اجرای بندهای "ج" و "د" وظیفه خود را بنحو پیگیر و انقلابی انجام می‌دادند، لیکن توقف اجرای بندهای فوق در عمل ثمربخشی کار بزرگ هیئت‌ها را به مقدار زیادی پائین آورد.

لازم به توضیح است که جهاد سازندگی از جمله نهادها و نیروهای انقلابیست که اجرای مجدد بندهای "ج" و "د" را درخواست کرده است.

جهاد سازندگی و جنگ تحمیلی صدامیان

جهاد سازندگی با آغاز جنگ تحمیلی آمریکایی – صدامی به کشورمان، همگام با همه اقشار و طبقات انقلابی به مصاف با متجاوزان و یاری جبهه‌ها شتافت، **ناطق نوری**، نماینده امام در **جهاد سازندگی**، در این باره گفته است:

"جهاد از همان روزهای اول (جنگ) این مسئولیت را درک کرد که باید فعالیتش را در بعد دیگری ادامه دهد. تاکنون سازندگی بود و عمران و آبادی در روستاها، ولی وقتی که جنگ شروع شد، این اولویت را احساس کرد که برادران و خواهران جهادی ما باید در این جبهه نیز با سایر برادران و خواهران همکاری نزدیک داشته باشند". (مصاحبه خبرنگار نشریه جهاد با ناطق نوری، شماره ۱، نیمه دوم دی ماه ۵۹، صفحه ۳).

در روز سه‌شنبه ۵ مهرماه ۵۹ با صدور اطلاعیه‌ای، ستادی بنام **ستاد هماهنگی و پشتیبانی جبهه‌های جنگ** از سوی جهاد سازندگی تشکیل شد. **عباس آخوندی** عضو شورای مرکزی و مسئول ستاد دربارهٔ این ستاد گفته است:

"... اعلام نیازهای مکرر از نوار مرزی و کمک‌های زیاد و گاه بی‌رویه که موجب بعضی بی‌نظمی‌ها می‌شد، ما را بر آن داشت که ستادی را برای هماهنگ کردن کمک‌ها ایجاد کنیم. به همین خاطر از شعبات جهاد سازندگی استان‌ها خواستیم که حدود امکانات خود را برآورد کنند و از سوی دیگر از جهاد سازندگی شهرهای درگیر جنگ نیز خواستیم نیازهای مردم شهر و قوای مسلح را به اطلاع این ستاد برسانند." (نشریهٔ جهاد، شمارهٔ ۱، نیمهٔ دوم دیماه ۵۹، صفحه ۵).

جهاد سازندگی تا بهمن ماه ۵۹ ۱۱۰ کیلومتر راه جنگی ساخت. همچنین دوازدو گاه در رامهرمز و امیدیه به ظرفیت بیش از ۲۵ هزار نفر از سوی جهاد سازندگی برپا شد. تا همین تاریخ جهاد سازندگی ۴۸ شهید نثار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرد.

فعالیت‌های دیگر جهاد سازندگی

از فعالیت‌های دیگر جهاد سازندگی می‌توان از ایجاد مرکز پژوهش‌های علمی جهاد، جهاد خارج از کشور و جهاد عشایر (فارس) نام برد.

جهاد عشایر فارس برای عشایر زحمتکش اقداماتی در زمینه‌های عمرانی و تأسیساتی (آب‌رسانی، ساختمانی، راه‌سازی) فرهنگی (ایجاد کتابخانه، نمایش فیلم، برنامهٔ رادیویی) کشاورزی (واگذاری دام، توزیع تفالهٔ چغندر، توزیع دارو، توزیع سم، کشت و غیره) انجام می‌دهد. در زمینه کمک به جبهه‌ها نیز جهاد عشایر یاری می‌دهد.

جهاد خارج از کشور فعالیت‌های خود را در سه زمینه فرهنگی، تحقیقاتی و تدارکاتی، در ارتباط با نیروهای انقلابی خارج از کشور و جهاد دانشگاهی انجام می‌دهد.

مرکز پژوهشهای علمی جهاد نیز وظایف خود را براساس اهداف زیر قرار داده است:

الف – "بررسی و شناخت اساسی‌ترین نیازهای علمی و صنعتی جامعهٔ انقلابی ایران و کمک به رفع نیازها با سرمایه‌گذاری‌های مادی و معنوی برای اجرای طرح‌های مناسب در جهت ایجاد تکنولوژی ملی جمهوری اسلامی ایران،

ب – همکاری در تعیین موضوعات تحقیقاتی و پژوهشهای علمی با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقات کشور،

ج – ایجاد شرایط مناسب و مشوق برای رشد و شکوفایی استعدادهای خلاق و سازنده و تامین امکانات تحقیقاتی و اجرایی در حوزه وظایف مرکز،

د – تهیه و انتشار نشریات و کتب علمی و صنعتی در جهت بالابردن آگاهی‌های علمی و فنی جامعه،

هـ – تاسیس مراکز آموزشی در جهت طرحهای اجرایی مرکز"

(نقل از روزنامه جمهوری اسلامی – ۲۳ بهمن ماه ۵۹، صفحه ۹، شماره ۴۹۱)

* * *

آنچه در بالا آمد، مجموعه‌ای از تلاشها و کوششهای شبانه‌روزی، پیگیر و انقلابی اعضاء جهاد سازندگی است. مسلم و روشن است که فعالیت‌های جهادگران انقلابی که متکی بر نیروی عظیم زحمتکشان بوده و هستند، بسیار بیشتر از آن چیزیست که در این گفتار آمد.

جهادگران انقلابی با اقدامات ثمربخش خود تلاش دارند، تا جامعه روستایی را نو و انقلابی کنند و انقلاب شکوهمندمان را عمق بخشند. لذا وظیفه خطیر و حساس همه نیروهای اصیل انقلابی است که با تمام توان، نهاد انقلابی جهاد سازندگی، این دستاورد بزرگ و موثر انقلاب را تقویت و به آن کمک کنند. همچنین و بالاخص بر همهٔ کارشناسان متعهد و انقلابی، که خواهان استقرار عدالت اجتماعی در روستاها هستند، واجب است که در حد **توان، تخصص و استعداد خویش را جهت پیشبرد اهداف جهاد سازندگی، در اختیار این نهاد انقلابی قرار دهند.**

مبادا فراموش کنیم...

بقیه از صفحه ۱

محروم پیوسته بیشتر شده است. انقلاب ضد امپریالیستی، مردمی، و اسلامی ایران می‌رود که وعدهٔ بزرگ ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین را درحق مستضعفان به‌انجام برساند.

ولی کار یک‌چنین دگرگونی بنیادی را نمی‌توان ساده گرفت. راه درازاست ودشوار، ودرهر پیچ وگردنه‌ای راهزنان درکمین. نیروهایی که به‌هرعنوان باپیشروی انقلاب در راستای رهایی زحمتکشان مخالف‌اند هنوز سپرنینداخته‌اند و اهرم‌های قدرت اقتصادی، مالی واداری راآن‌سان که‌باید ازدست نداده‌اند. ازآن‌گذشته، کارگاه تبلیغات منفی، شایعه سازی و نفاق افکنی‌شان همچنان درکاراست وازسوی بلندگوهای امپریالیسم وصهیونیسم وارتجاع شکست خورده نیز تقویت می‌شودوتخم نومیدی وکناره‌گیری وانکار در دلهای ناآگاه میپاشد. این همه برای‌آن‌تانیروهای ثابت‌قدم انقلاب رانسبت به‌هم بدگمان وبدخواه‌سازدو، در مبارزه برضدامپریالیسم به‌سرکردگی آمریکا وپایگاه داخلی آن ـ کلان سرمایه‌داری وبزرگ مالکی، ـ میان‌شان‌جدایی بیفکند. واین‌خطری است که نگرانی ناشی‌ازآن کام دوستان وجانبازان انقلاب راتلخ‌می‌دارد. ازگذشته‌باید عبرت‌گرفت. نباید گذاشت که سرمستی پیروزی ۲۲ بهمن وپیروزیهای پس ازآن خاطرهٔ دردناک شکست ۲۸ مردادرادر ما به‌فراموشی بسپارد.

درواقع، بازماندهٔ آثاربیست‌وپنج سال خفقان‌وشکنجه‌وماتم ناشی‌ازسلطه امپریالیسم و ارتجاع بر سینه‌ها سنگینی می‌کند. جنبش‌ملی کردن‌صنعت‌نفت، باچنان گسترشی که بر اثر پشتیبانی عمومی مردم استعمارزده ایران بدان دست‌یافته‌بود، به‌سبب‌جدایی‌هاودشمنی‌هایی که‌درصفوف‌نیروهای مبارز پدید آورده شد از پیشروی‌بازماند ودرهم شکست و رژیم جنایتکار محمدرضای‌ملعون سرپوشی برای‌سلطهٔ غارتگرانهٔ امپریالیسم آمریکا ومتحدانش‌گردید. امروز نیز عوامل‌تفرقه‌افکن‌درهمان‌کارند، وباتکرارشیوه‌هایی‌که پیش از ۲۸ مرداد به‌کارمی‌زدند، همان هدف‌رادنبال‌می‌کنند: به‌شکست‌کشاندن انقلاب.

آن روزها زبانهایی درکار و قلم‌هایی در گردش‌بودتاباگفتن‌ومکررگفتن "خطرکمونیسم"، باگفتن‌ومکررگفتن "خطرنفوذتوده‌ای‌ها"، با توسل به تفتین‌وشایعه‌سازی‌و برچسب‌زنی، مانع ازنزدیک‌شدن‌نیروهای‌ضدامپریالیست به‌یکدیگر شوند. امروزنیزقلم‌هاوزبانهایی ـ اگر چه در دستهاودهانهای‌دیگر ـ هست که به‌زهرافشانی مشغول‌اندوجوسالم همکاری‌وهمسویی و اتحاد عملی نیروهای پشتیبان‌انقلاب را به سموم بدگمانی‌وپرهیز و طردیکدیگرآلوده می‌سازند. چرا؟ آیاجز برای‌آن‌که میان‌سازمانهای‌مومن به انقلاب گسیختگی‌پدیدآورندوخودانقلاب را آسیب پذیر سازند؟

پس ازپیروزی‌بهمن ۵۷، پرچمداران‌تفرقه ونفاق عبارت بودنداز، اول، عوامل‌شناختهٔ شدهٔ دشمن، یعنی‌وابستگان به‌طاغوت‌وتفاله‌های آمریکایی، مائوئیست‌ها، بازماندگان احزاب ایران‌نوین‌و رستاخیز، دوم، عوامل‌ناشناختهٔ امپریالیسم که‌بعدا افشاو طرد شدند، مانند امیر انتظام، نزیه، مدنی‌ودیگران، وسرانجام عناصر وابسته‌به‌سرمایه‌داران‌لیبرال که‌منافع طبقاتی‌شان‌انقلاب‌رابسوی‌سازش با امپریالیسم امریکا می‌کشاند. اینان باهمهٔ توان‌خویش‌ازتشکیل "جبههٔ متحدخلق" برای پاسداری و پیشبرد انقلاب‌ممانعت‌می‌کردند. باتاسف‌بایدافزود که قشریگری، وانحصارطلبی‌ناشی‌ازآن، دربخشی‌از نیروهای‌صدیق‌انقلابی‌حاکم خواه‌ناخواه زمینهٔ مساعدی برای فعالیت نفاق افکنان آگاه‌وناآگاه فراهم‌آوردوبه‌آنان‌امکان‌دادکه‌باتظاهربه‌دین‌داری خودرادرصفوف‌انقلاب جابزنند و در راه اتحاد نیروهای مومن به انقلاب هر چه بتوانند کارشکنی کنند.

خوشبختانه سیر پیشرونده وعمق‌یابندهٔ انقلاب، بویژه‌درماه‌های‌اخیر، برعملکرددوستان ودشمنان‌انقلاب‌روشنی‌هرچه‌بیشتری‌افکنده‌است وبنی‌صدرها، سلامتیان‌هاوغضنفرپورها را که مظفربقایی‌ها وعبداله‌والاها و خلیل‌ملکی‌های زمان‌خویش‌اندبه‌همگان‌شناسانده‌است، اگر، پس ازاین‌همه‌تجارب زنده وارزنده، هنوز کسانی معیار شناسایی دوستان‌ودشمنان‌انقلاب‌راتظاهر به‌دینداری قراردهند، بایدبه‌یادشان آورد که بنی‌صدرهم "مسلمان" بود، اما هر روزبیشتر از خط‌انقلاب فاصله‌گرفت تاآنجاکه رودر روی‌آن ایستادو، پس‌ازشکست، آشکارا به دامان امپریالیسم پناه‌برد، محمدرضاکلاهی "جانی سال" نیزخود را "مسلمان معتقد" جا زده‌بودتا سربزنگاه‌هفتادوهفت‌تن ازیاران امام را به‌خاک وخون بکشاند.

امیرانتظام‌ها، مدنی‌ها، نزیه‌ها، جواهریان‌ها، دستمالچی‌ها، همه "مسلمان" بودند وچه‌بساکه در تظاهر به‌دینداری تعصب هم نشان می‌دادند، اماانقلابی‌نبودند وهرکدام درمرحله‌ای ازانقلاب دشمنی‌آشتی‌ناپذیر خود را باهدف‌های‌ضدامپریالیستی و مردمی آن آشکار کردند. در عوض، افراد، گروه‌ها، وسازمان‌های‌معینی که‌به‌انقلاب پیش از همه ازجنبهٔ اجتماعی می‌نگرند، باهمهٔ توش‌و توان وتاپای جان‌از انقلاب دفاع‌کرده‌اند ومی‌کنندو خواهندکرد.

ماا‌کنون در مرحلهٔ پیشرفته‌تری‌ازانقلاب هستیم "انقلاب‌سوم "توانسته‌است عناصر وابسته‌به سرمایه‌داری لیبرال راعمدتاازصحنه سیاست‌کشوربروبدوبسیاری‌از گروهک‌های‌ضدانقلابی نفاق‌افکن راافشا وسرکوب کند. در چنین‌فضائی، زمینه همپشتی وهمیاری‌وهمکاری نیروهای‌انقلاب بیش از هرزمان فراهم‌است.

باید فرصت رامغتنم دانست وبه‌هرقیمت از تکرار تجربه دردناک ۲۸ مرداد جلوگیری کرد. انقلاب، بویژه به‌علت تشدید خصلت ضد امپریالیستی ومردمی‌آن، شرایط حساسی را می‌گذراند. امپریالیسم‌جهانی، به سرکردگی آمریکا، ازخارج وداخل مرزها انقلاب را آماج تیرهای‌زهرآگین خودکرده‌است. مبادافراموش کنیم که‌باچه‌خطری روبروهستیم. مبادادربسیج نیروهای‌انقلابی تبعیض رواداریم. در برابر هجوم "جبهه‌متحدضدانقلاب" بیش‌ازهرزمان به "جبهه‌متحدخلق" انقلابی نیاز داریم.

کسانی که‌همچنان در مواضع انحصار طلبانهٔ خود پامی‌فشارند ودیگر نیروهای انقلابی را دورنگه‌می‌دارند یاحتی طردمی‌کنند، فراموش نکنند که در برابر تاریخ، در برابر تودهٔ مستضعف، ودر برابر انقلاب‌مسئولیت بزرگی راپذیرفته‌اند.

وظیفه همه نیروهای راستین انقلابی، قطع نظر از تفاوت‌های عقیدتی ومسلکی‌شان فشردن‌صفوف‌خویش‌در "جبهه‌متحدانقلاب" برای‌درهم‌کوفتن‌وتاروماركردن "جبههٔ متحد ضدانقلاب" به‌سرکردگی آمریکااست. ـ

دراسپانیا خطرکودتای نظامی همچنان باقی است

درتاریخ ۴ اسفند ۱۳۵۹، کودتای‌نافرجامی دراسپانیاصورت‌گرفت‌که‌درهمان‌وقت‌درمطبوعات ایران‌منعکس‌شد. برای‌آشنایی بیشتربااوضاع این کشوردرزیراطلاعات‌فشرده‌ای‌پیرامون تحولات سیاسی، اجتماعی‌واقتصادی‌آن‌درسالهای‌اخیراز نظرخوانندگان‌میگذرد.

نام‌رسمی: اسپانیا

وسعت: ۵۰۴۷۸۲ کیلومترمربع

جمعیت: ۳۷/۴ میلیون نفر. بخش‌عمده جمعیت را اسپانیائی‌هاتشکیل‌می‌دهند. در اسپانیا، فزون براین، اقلیت های کاتالان، باسک و گالاسیر زندگی‌می‌کنند.

پایتخت: مادرید (۳/۳۷ میلیون‌نفر)

پول: پستا = ۱۰۰ سنتیمو (۹۶۰ ریال = ۱۰۰ پستا)

نظام حکومتی: پادشاهی‌مشروطه (رئیس حکومت "پادشاه": خوآن‌کارلوس اول). بالا ـ ترین **مرجع قانونگذاری** عبارتست از: "کورتس" که از "کنگره" و "سنا" تشکیل می‌شود. "کنگره" (مرکب از ۳۵۰ نماینده) از طرف مردم‌انتخاب می‌گردد و در زمینهٔ قانونگذاری و گزینش نخست وزیردارای‌اختیار نهائی‌است. نمایندگان "سنا" را منتخبین استانها و ایالت‌ها و منصوبان‌شاه تشکیل می‌دهند، ریاست **دولت** بانخست وزیراست، که بایداز رای اعتماد پارلمان برخوردارباشد. (نخست وزیرکنونی لئوپولدو کالووسوتلو نام دارد، که روز ۶ اسفند ۱۳۵۹ (۲۵ فوریه ۱۹۸۰) به این سمت برگزیده شد.

تقسیم اداری: اسپانیا از ۵۰ ایالت ترکیب می‌یابد. این کشور همچنین از نظر تحول تاریخی به ۱۴ "منطقهٔ تاریخی" تقسیم می‌شود.

نیروهای‌مسلح: ۳۱۵۵۰۰ نفر (نیروی زمینی: ۲۴۰ هزار نیروی‌دریایی: ۴۰۰۰۰، نیروی هوایی: ۳۵۵۰۰). علاوه براین، بایدازنیروی شبه نظامی "گاردیاسیویل" (ژاندارمری) نام برد، که ۶۵۰۰۰ نفررا در برمی‌گیرد. در پایگاه های ایالات متحده آمریکا در اسپانیا ۹۰۰۰ نفرمستقر هستند.

گوشه‌ای ازتاریخ معاصر: ۵۰ سال پیش (۱۹۳۱) نیروهای دمکراتیک اسپانیا **آلفونس سیزدهم** را، که یکی ازبرجسته‌ترین‌نمایندگان ارتجاع درکشور بود، سرنگون‌ساختندوتاسیس جمهوری را اعلام کردند. پنج سال بعد، نیروهای چپ متشکل در "جبههٔ خلق" در انتخابات پارلمانی پیروز شدند. در ۲۸ تیر ۱۳۱۵ (۱۸ ژوئیه ۱۹۳۶)، **ژنرال‌فرانکو**، با کودتای خود، "جنگ خانگی" ۱۳۱۸ـ۱۳۱۵ (۱۹۳۹ـ۱۹۳۶)، رابرافروخت. **ژنرال‌فرانکو** برخوردار از کمک نظامی آشکار رژیم های فاشیستی آلمان وایتالیا وپشتیبانی‌مهمترین کشورهای امپریالیستی اروپای باختری، "جمهوری‌اسپانیا" رادرهم شکست‌ودیکتاتوری فاشیستی را پایه نهاد. در "جنگ خانگی". اسپانیا، ۲۵۰۰۰ ضدفاشیست کشورهای دیگر نیز شرکت داشتند.

درسال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷)، اسپانیابار دیگر **رسما** به پادشاهی‌بازگشت (رئیس حکومت: **فرانکو**).

درآغاز سالهای ۵۰، جنبش ضدفاشیستی **مرکب** ازنیروهای دموکراتیک، که مجبوربودند **درخفا** به فعالیت بپردازند، رو به گسترش **گذاشت** و درنیمهٔ نخست سالهای ۷۰ سرشت **توده‌ای** یافت. پس از مرگ **فرانکو** در پائیز **۱۳۵۴ و** تاجگذاری **خوآن کارلوس‌اول**، مبارزه نیروهای دمکراتیک در راه استقرار آزادیهای دمکراتیک وعفو عمومی‌برای‌زندانیان سیاسی دامنه گرفت. حتی ترور پلیسی نیز، که بارها قربانی‌های فراوانی‌می‌طلبید، نتوانست این جنبش را سرکوب کند. از این رو محافل فرمانروای بورژوازی هرچه بیشتر به این‌واقعیت پی‌می‌بردندکه بصلاح ادامهٔ سیادت‌آنهاست که دمکراسی بورژوائی جانشین دیکتاتوری فاشیستی گردد. بدین ترتیب، **آریاس‌ناوارو**، که دراواخر عمر**فرانکو** نخست وزیر اسپانیابود در ۱۰ تیر ۱۳۵۵ (۱ ژوئیه ۱۹۷۶) استعفا دادو **آدولفوسوآرزگونسالس** جانشین اوشد. با روی کارآمدن **سوآرز**، برخی از احزاب اسپانیا، از جمله "حزب سوسیالیست‌کارگری‌اسپانیا" امکان آن‌رایافتند که فعالیت علنی خود را از سر گیرند. ازسوی دیگر **"حزب کمونیست اسپانیا"** براثرفشار راستگرایان افراطی تا بهار ۱۳۵۶ (آوریل ۱۹۷۶) "غیرقانونی" باقی‌ماند. فزون براین، برای زندانیان سیاسی عفوعمومی‌اعلام شد.

در ۲۴ آذر ۱۳۵۵ (۱۵ دسامبر ۱۹۷۶)، اکثریت مردم، درهمه پرسی پشتیبانی خود را ازانتخابات جدید "کورتس" اعلام داشت این‌انتخابات درتابستان ۱۳۵۶ (ژوئن ۱۹۷۷) صورت‌گرفت. برندهٔ انتخابات **"اتحادمرکز دمکراتیک"** (او.ث.د.) بود، که گروه‌های سیاسی گوناگون را از صفوف بورژوازی در بر می‌گیرد **سوآرز** باردیگربه‌نخست وزیری‌برگزیده شد. در ۱۵ آذر ۱۳۵۷ (۶ دسامبر ۱۹۷۸) قانون اساسی، که ازسوی "کورتس" تدوین‌گردیده‌بود، به تصویب اکثریت مردم رسید. این قانون اساسی در ۸ دی ۱۳۵۷ (۲۹ دسامبر ۱۹۷۸) قدرت اجرائی یافت.

اوضاع سیاسی و اقتصادی

اسپانیا کشور صنعتی ـ کشاورزی نسبتا پیشرفته‌ای است. پایه زندگی اقتصاداسپانیا را صنایع سبک، معدنکاری، فولاد، شیمی، انرژی، ماشین و کشتی سازی و کشاورزی و توریسم تشکیل می‌دهند. سرمایهٔ انحصاری خارجی، بویژه سرمایه‌های ایالات متحده آمریکاو جمهوری فدرال آلمان، سبب شرایط مساعدسودآندوزی، که در اسپانیاحکمفرماست دراقتصاد این کشور نقش مهمی بعهده دارد. بحران سرمایه داری جهانی، ازآغاز تاکنون اقتصاداسپانیا درگیر دشواریهای فراوانی ساخته‌است.

رشداقتصادی اسپانیا درسال میلادی ۱۹۸۰ تنهادرحدود ۱٪ بود. بارسنگین بحران اقتصادی اسپانیا بدوش زحمتکشان این‌کشور افتاده است. درسال ۱۹۸۰، نرخ تورم در اسپانیا نزدیک به ۱۵٪ بود و در آغاز سال ۱۹۸۱، ۱/۵ میلیون نفر اسپانیائی‌رسمابیکار بودند. وضع زحمتکشان اسپانیا، به ویژه در مناطق عقب افتاده این کشور، مانندروستاهای جنوب‌اسپانیا، ازاین نیز اسف انگیزتروبیکاری درآنجا ازاین نیز گسترده تراست.

اوضاع کنونی

اوضاع سیاسی اسپانیا، حتی پس از تصویب قانون اساسی ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) و انتخابات ۱۰ اسفند ۱۳۵۹ (۱ مارس ۱۹۷۹)، که به پیروزی **"اتحادیه‌مرکزدموکراتیک"** (او.ث.د.) انجامید، همچنان متشنج و پرتضادباقی ماند. نیروهای فاشیستی، بویژه در نیروهای مسلح ودستگاه دولتی، هنوز از مواضع کلیدی برخوردارند. فزون براین، چند سازمان تروریستی افراطی راست به‌تبهکاری‌های‌خود ادامه می‌دهند. این نیروها، که تاکنون گام موثری برای سرکوب آنهابرداشته نشده‌است، می‌کوشدتا زیر شعار "آرامش و نظم "دستاوردهای دمکراتیک سالهای اخیر را نابود وبار دیگر رژیمی فاشیستی را مستقر سازند. نیروهای نامبرده، دربسیاری موارد، خرابکاری‌های سازمان های تروریستی ملی‌گرا ـ چپ‌نما را بهانه دسیسه‌های خویش قرارمی‌دهند. برای نمونه، در پائیز ۱۳۵۷ (نوامبر ۱۹۷۸)، گروهی‌ازافسران‌کوشیدندتا، باکودتائی، زمام امور را به‌دست‌گیرند. درهمان‌دوران، محافل فاشیستی‌به تحریکات گسترده‌ای دست زدند.

وخامت اوضاع سیاسی اسپانیا بویژه در سال گذشته بالا گرفت. راستگرایان‌افراطی و گروهک‌های "چپ" توطئه‌های تحریک آمیز خودراگسترش بخشیدند. بحران اقتصادی تنش‌های اجتماعی را افزایش داد و دولت کوشید تا، بیش از پیش، بارسنگین‌دشواری‌های اقتصادی رابردوش زحمتکشان بگذارد. ازاین‌روبود، که درمیان محافل فرمانروا، ستیزه‌ای سخت دربارهٔ مشی آتی سیاسی و اقتصادی اسپانیا درگرفت. این اختلافات به ویژه در **"او.ث.د."** ژرفش یافت، که هرچند دراین میان، خود را "حزب" می‌خواند، ولی کماکان طیف وسیعی ازجریانات فکری گوناگون را دربرمی‌گیرد.

در ۹ بهمن ۱۳۵۹ (۲۹ ژانویه ۱۹۸۱)، **سوآرز** ازسمت نخست وزیری و ریاست **"او.ث.د."** استعفا کرد. گفته می‌شود که‌استعفای**سوآرز** براثر فشارراستگرایان افراطی، بویژه از سوی برخی محافل رهبری نظامی، بوده است.

فعالیت های این‌نیروهادردوران تشکیل دولت **کالووسوتلو** وسعت یافت وبه کودتای نافرجام ۴ اسفند ۱۳۵۹ (۲۳ فوریه ۱۹۸۱) انجامید. در این کودتا بخش چشمگیری از رهبری نیروهای مسلح دست داشته است. یکی از سرکردگان کودتا، **هام تخرو**، منتسب به **گاردیاسیویل**"، در کودتای ناموفق‌پائیز ۱۳۵۷ (نوامبر ۱۹۷۸) نیزشرکت داشت. وی علیرغم نقشی که درآن توطئه بازی‌می‌کرد، همچنان درمقام خودباقی مانده بود. چنانکه نیروهای دمکراتیک اسپانیا یادآورمی‌شوند، تاهنگامی که گام‌های کارآیی علیه محافل راستگرای افراطی برداشته نشود ونمایندگان آنان مواضع کلیدی را در دست داشته‌باشند، خطر کودتای فاشیستی در اسپانیا همچنان باقی خواهدماند.

وقایع مهم جهان دریك هفته

آمریکابه ضیاءالحق علیه ایران "آواکس" می دهد

به‌گزارش "**دنشنال هرالد**"، روزنامه‌هندی نزدیک به‌محافل دولتی، آمریکاوچین تصمیم گرفته‌اند تا در زمینه پروازهای اکتشافی به پاکستان کمک کنند.

طبق این گزارش، قرار است پاکستان نیز تاپایان سال‌جاری‌میلادی به‌هواپیماهای "آواکس" مجهز گردد. ازاین‌هواپیماها در مرزهای هند، افغانستان‌وایران استفاده خواهد شد.

ازسوی دیگر، آمریکا در بسیج سال‌آینده ۱۵۰هواپیمای "اف-۱۵" به مصر خواهد داد.

به‌گزارش روزنامه "**الاخبار**" (قاهره)، چهل "اف-۱۵". بهار سال آینده به‌مصر واگذار خواهد گردید. علاوه‌براین، مصر تعداد بیشتری‌تانک "ام-۶۰" وصدتانک از آمریکادریافت خواهدکرد. بدین‌ترتیب، "کمک"آمریکا به‌مصربالغ بریک‌میلیاردوسیصد میلیون دلارخواهدبود.

نخست وزیرچین:

سیاست چین و آمریکادر منطقه جنوب خاوری آسیا هماهنگ است

ژائوزی‌یان، نخست‌وزیر چین، سفر فیلیپین خود را پایان‌داد ووارد مالزی شد. وی در سفر خود به‌کشورهای جنوب‌خاوری‌آسیا در پی گسترش نفوذ چین دراین منطقه وجلب کشورهای "**آسئان**" به‌موضعگیری ضد شوروی وضدویتنامی است.

ژائوزی‌یان در کنفرانس مطبوعاتی در مانیل اعتراف کرد که سیاست آمریکا وچین در این منطقه هماهنگ‌است.

اتحادشوروی پیشنهادکردکه مسابقه تسلیحاتی درکیهان منع شود

به‌مناسبت‌سی و ششمین سالگرد بمباران‌هیروشیما وناکازاکی تظاهرات صلح‌درسراسرجهان برگزارشد. درمونیخ هزاران‌نفردرحالیکه مشعل‌هایی به‌دست داشتند، به‌یادقربانیان‌این‌بمباران‌در خیابان‌های‌این‌شهر راه‌پیمایی کردند، درپاریس‌نیزگردهمایی‌هایی با شرکت "**راه‌پیمایان صلح ۸۱**" برگزارشد. گروهی ازآنان‌باروزه‌ای۷۲ساعته قربانیان هیروشیماوناکازاکی را بزرگ‌داشتند.

کنفرانس‌بین‌المللی، که برای منع جنگ‌افزارهای‌هسته‌ای‌چندروزپیش درتوکیوآغاز بکار کرده بود، اجلاس خود را در ناکازاکی ادامه داد. نمایندگان۳۲کشور و۱۳سازمان‌بین‌المللی در این کنفرانس شرکت‌دارند.

درشهرهای‌گوناگون ایالات متحده نیزتظاهراتی علیه‌مسابقه تسلیحاتی برگزارشد. درنیوهیون (**کاناتیکات**) گردهمایی‌برای پیشبرد صلح تشکیل گردید. سخنرانان‌این گردهمایی‌از دولت‌آمریکاخواستندکه‌به‌پیشنهادهای صلح‌شوروی‌پاسخ‌سازنده‌بدهد.

دربریتانیا "هفته مبارزه علیه مسابقه تسلیحات‌هسته‌ای" برگزارشد و هزاران‌هوادارصلح در استرالیا وبرزیل به‌تظاهرات‌دست‌زدند.

ازسوی دیگر، اتحاد شوروی پیشنهادکردکه قراردادی پیرامون منع همه‌گونه‌سلاح در کیهان‌امضاگردد. این‌پیشنهادهمراه‌باپیش‌نویس قرارداد نامبرده از طرف **آندره‌گرومیکو** وزیر خارجه‌شوروی، برای **کورت‌والدهایم** دبیرکل‌سازمان ملل‌متحد، فرستاده‌شد. **گرومیکو از والد هایم** خواست که این پیشنهاددر دستور جلسه‌مجمع عمومی در پائیز گنجانده‌شود.

نیروهای سرکوبگرلندن در "آلستر" تقویت می شوند

درایرلندشمالی، زندگی دیگری در اردوگاه‌کاراجباری "لانگ‌کش" درگذشت. نام‌او **توماس مک‌کلوی** است، که ۶۲روز به‌اعتراض علیه سیاست بریتانیا در "**آلستر**" به اعتصاب غذا پرداخته‌بود. وی نهمین زندانی است‌که‌بدین‌منظورجان می‌سپرد. در مراسم سوگواری **توماس‌مک‌کلوی** دوتن درجریان درگیری با پلیس کشته شدند.

در پاریس تظاهرات وسیعی‌به اعتراض علیه سیاست جنایت‌باردولت بریتانیا در "آلستر" برگزار گردید. تظاهرکنندگان نقض فاحش حقوق بشر را از سوی‌دولت تاچر محکوم کردند.

دراین میان، اعلام‌شدکه "لندن" نیروهای بیشتری برای سرکوب اقلیت کاتولیک به‌ایرلندشمالی اعزام خواهد داشت.

تاکنون بیش ازهزارتن درگامبیادستگیرشده اند

رئیس‌جمهور گامبیا وحدت‌نیروهای‌امنیتی‌کشور خودرابانیروهای‌هم‌طراز درسنگال‌اعلام داشت. ناظران‌این گام‌رابه‌منزله عدم‌اعتماد او به ارتش کشور خودارزیابی‌کردند. نزدیک به‌دو هفته‌پیش‌کودتایی در گامبیا رخ‌داد و **جوارا** رئیس‌جمهور گامبیا، تنهابیاری ارتش‌سنگال‌توانست‌این‌کودتارا در هم شکند. اکنون سربازان‌سنگالی، مجهز به مسلسل‌های‌سنگین‌ازکاخ‌جوارامحافظت می‌کنند. "خبرگزاری فرانسه" ازادامه دستگیری‌ها در گامبیا سخن‌می‌گوید. تاکنون بیش‌ازهزار تن‌دراین‌کشوربازداشت‌شده‌اند.

یاسرعرفات:

اسرائیل باردیگرحمله گسترده ای رابه لبنان تدارک می بیند

اسرائیل وجدایی‌طلبان لبنانی هوادارآن به‌نقض‌آتش‌بس‌ادامه‌میدهند جدائی‌طلبان **حداد**منطقه جنوب لبنان رازیرآتش گرفتند وکشتی های اسرائیلی‌حریم دریایی‌این‌کشوررانقض کردندویک‌قایق‌ماهیگیری رابه‌تصاحب خوددرآوردند. تاکنون‌خبری از سرنشینان‌این‌قایق دردست‌نیست.

ازسوی دیگر، هواپیما های اسرائیلی به‌پروازهای اکتشافی بر فراز لبنان‌پرداختند وچندین‌بار دیوار صوتی رادر بیروت شکستند.

یاسرعرفات "تل‌آویو" رامتهم کردکه‌عملیات‌گسترده‌دیگری را علیه لبنان تدارک‌می‌بیند.

احزاب، جمعیت‌هاوگروه‌ها

اعلامیه جمعیت ایرانی هواداران صلح

روز پانزده مرداد- ششم اوت ۱۹۸۱- دولت رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات‌متحدآمریکا، دستور تولید به‌مقیاس‌عملیاتی وذخیره‌سازی بمب‌نوترونی راصادرکرد. واین‌درست درسی‌وششمین سالگرد بمباران اتمی بندرهیروشیمابود، هنگامی که مردم ژاپن ازیک سو واز سوی دیگر شرکت‌کنندگان‌اروپایی راه‌پیمایی‌صلح سال ۸۱در پاریس به‌یاد یکصد واند هزار قربانی فاجعه دوزخی هیروشیما و ناکازاکی گردآمده‌بودند‌وبرضدتجدید ارتکاب یک چنین جنایت ضد بشری هشدارمی‌دادند وخواستار تحریم‌کلی سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح های کشتار جمعی بودند.

در انتخاب یک‌چنین‌روزی‌برای صدوردستوررسمی‌تولید سلاح‌نوترونی همان‌گستاخی‌مبارزه‌طلبانه، همان قصد باجگیری سیاسی و همان پندار خام فرمانروایی برجهان دخالت داشته‌است‌که‌سی وشش سال پیش، هنگامی‌که ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، بدون کمترین ضرورت جنگی وتنهابه‌انگیزهٔ بهره‌گیری‌سیاسی از انحصار موهوم تملک سلاح اتمی، دستوربمباران دوشهر ژاپنی را بااین سلاح‌هولناک صادر کرد.

تصمیم دولت ریگان به تولید سلاح‌نوترونی- که اگر هم در خاک آمریکا ذخیره وانبار شودبازمحل‌کاربرد آن اروپای غربی است وچنان که وزیرجنگ‌ایالات‌متحدآمریکا گفته‌است به‌فاصله چند ساعت می‌توان آن‌را به اروپا منتقل کرد- جز تشدیدوخامت اوضاع کلی‌جهان، تسریع مسابقه تسلیحاتی وافزایش دیوانه‌وار خطر جنگ‌نتیجه‌ای نخواهد داشت. ملت‌های‌سراسرجهان باید بیش از پیش‌بر خطر بزرگ وعاجلی که زندگی وتمدن بشر را تهدیدمی‌کند چشم بکشایند. دعوی آن که کاربرد سلاح‌های‌هسته‌ای‌ونوترونی می‌تواند درسطح‌محدودی نگهداشته‌شود یاآن‌که‌سلاح نوترونی تنهاکسانی را که در شعاع کمی‌ازمحل اصابت بمب هستند می‌کشد و به ساختمان‌ها ودیگر ثروت‌های مادی آسیب نمی رساند دروغ رذیلانه‌ای است‌برای‌به‌خواب‌کردن‌وجدان‌توده‌هاوازکارانداختن‌سلاح‌افکارعمومی. جنگ‌هسته‌ای درهیچ حال‌نمی‌تواند محدودباشدو عواقب وحشتناک تشعشعات‌اتمی هیچ‌کس وهیچ محلی را ایمن‌باقی‌نمی‌گذارد. به‌همین‌سبب مخالفت واعتراض سازمان یافته به مقاصد جنایت‌باردیوانگانی که برای ادامه‌سلطه غارتگرانه‌سرمایه‌انحصاری جهان رابه جنگ فجیع هسته‌ای‌تهدید می‌کنندوظیفه مبرم زمان‌ماست. هم اکنون در پایتخت ها وشهرهای اروپا وآسیا، وحتی درخود ایالات متحد آمریکا، اجتماعات بزرگ وراه‌پیمایی‌های‌اعتراض به‌تولید سلاح‌های‌کشتار جمعی- وازآن‌جمله بمب نوترونی- توده‌های مردمی را که جز زندگی‌وکار صلح‌آمیز، آرزویی ندارندبه حرکت درآورده‌است.

مردم‌انقلابی میهن‌مانیز، به موازات تلاش‌قهرمانانه‌شان در رویارویی باتوطئه‌های شیطان بزرگ، سرکوب ضدانقلاب داخلی وتفاله‌های وابسته به‌امپریالیسم، وجنگ با رژیم تجاوزگر صدام، لازم‌است‌که درمبارزه عمومی‌توده‌های‌سراسرکشورهابرای‌واپس‌زدن خطر جنگ، منع تولید بمب نوترونی، جلوگیری از استقرارموشک‌های میان‌بردپرشینگ و کروزدر اروپا، خودداری از تاسیس پایگاه‌های‌نظامی وانباشت‌سلاح‌ها، دفع حضور ناوگان آمریکاومتحدانش در خلیج فارس و اقیانوس هند، بازگشت به سیاست تشنج‌زدایی و حل مسائل مورد اختلاف از راه مذاکره شرکت‌جویند.

جمعیت‌ایرانی‌هواداران صلح امیدواراست‌که‌دولت جمهوری‌اسلامی ایران‌ازطریق‌دیپلماتیک‌ومراجعه به سازمان‌های ذی صلاح‌بین‌المللی اقدامات‌شایسته‌ای‌دراین‌زمینه به‌عمل آورد.

جمعیت‌ایرانی هواداران صلح
تهران -۲۲مرداد ۱۳۶۰

تشکیلات دموکراتیك زنان ایران

حجت‌الاسلام دکترباهنر نخست‌وزیر جمهوری‌اسلامی‌ایران

بانهایت‌احترام، خرسندی و امیدانتخاب‌شمارابه‌مقام‌نخست‌وزیری ایران‌ازصمیم‌قلب تبریک می‌گوییم. برای‌ماروشن‌است‌که‌شما در این مقام مردم‌ایران رادر راه تثبیت انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران‌راهنمائی‌ویاری خواهیدکرد.

ماآرزومندیم‌که شما در این امر خطیر به‌انجام وظایف دشواروبزرگی که‌در پیش دارید موفق شوید.

راست‌است‌که ماسازمانی کوچک هستیم وقطره‌ای هستیم در میان دریای پرخروش خلق ایران اما با نهایت فروتنی همه‌امکانات خود را دراختیار دولت‌جمهوری‌اسلامی‌ایران وشخص‌شما آقای نخست‌وزیر گذاشته‌و اعلام میداریم هروظیفه‌ای که در راه تثبیت وتحکیم انقلاب و جمهوری اسلامی‌ایران، به‌مارجوع‌شودبا شوق وعلاقه‌فراوان وبا نهایت توان خود انجام‌خواهیم داد.

امیدواریم که‌این تقاضای ما مورد قبول واقع شود.

باامید قاطع به پیروزی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران

تشکیلات‌دمکراتیک‌زنان‌ایران
۱۳۶۰/۵/۲۰

بلندپروازی فزایندهٔ جناح "همبستگی" برای کسب قدرت سیاسی درلهستان

روزنامهٔ لهستانی "**تریبونالودو**" "از اقدامات مسئولیت‌نشناسانه‌عناصرافراطی "همبستگی" به انتقادپرداخت. این روزنامه اقدامات نامبرده را "تعرضی علیه "**حزب متحد کارگری‌لهستان‌ودولت**" خواند.

تریبونالودو" در این زمینه از تظاهرات‌خیابانی واعتصابات‌نام می‌برد، که‌باکارزارتبلیغاتی دشمنان سوسیالیسم هماهنگ‌شده‌است واز "**بلندپروازی‌فزاینده‌جناح‌افراطی "همبستگی" برای دستیابی به‌قدرت‌سیاسی**" سخن میگوید.

به‌نوشته تریبونالودو"

"**دشمنان‌لهستان سوسیالیستی در روند اضمحلال‌دولت و بی‌ثباتی زندگی سیاسی شانسی برای تضعیف جامعه‌کشورهای سوسیالیستی‌می بینند**".

ژنرال**یاروزلسکی**، نخست‌وزیر و وزیر دفاع‌لهستان، در ورشو مارشال **کولیگوف**، فرمانده‌کل‌نیروهای‌مسلح‌پیمان ورشو"، رانزدخودپذیرفت. آنهادرباره فعالیت‌های‌کنونی‌نیروهای‌مشترک و آمادگی رزمی ارتش لهستان به مذاکره نشستند.

ازسوی دیگر، **اتحادیه‌کارگران ساختمانی‌لهستان**، که‌نیم میلیون عضو دارد، نگرانی‌خود را از عمیق‌تر شدن بحران‌کنونی آن‌کشور ابرازداشت. بیانیه این‌اتحادیه‌خواستارمقابله با تبلیغات خصمانه‌وسوءاستفاده از طبقه کارگربرای بازی‌های‌شوم سیاسی گردید.

راه‌پیمایی‌ها، اعتصابات و تظاهرات‌اخیرنشان‌داده‌اند، که جناح افراطی "همبستگی" درپی افزایش‌تشنج ورویارویی با "**حزب متحد کارگری لهستان‌ودولت** یاروزلسکی است. بر پایه تخمینی، درآمدلهستان امسال در مقایسه باسال گذشته ۲۰درصد کاهش یافت. به‌گزارش کارشناسان چنانکه هرج و مرج‌فعلی ادامه یابد. این‌رقم به بیش از ۳۳خواهد رسید.

ازسوی دیگر، پلنوم‌کمیته مرکزی **حزب‌متحدکارگری‌لهستان** در ورشوبرگزار شد. **کانیا**، دبیراول حزب یادآور گردیدکه‌این‌پلنوم در" **شرائطی بس متشنج وسخت "کار خود را آغاز میکند**" وی گفت:

"**همه‌نیروهارا بایدبرای‌جلوگیری ازوخامت‌بیشتر اوضاع سیاسی کشوربسیج کرد.**"

کازیمیربارشیکوفسکی، یکی از اعضای هیئت‌سیاسی کمیته‌مرکزی "**حزب متحدکارگری لهستان**، فعالیت های "**همبستگی**" راکه اوضاع کشوررابسرعت به‌نابسامانی می‌کشاند، به‌شدت محکوم کرد. به‌گفته‌وی، همه‌شرایط برای تثبیت اوضاع درکشور موجود است، ولی "**همبستگی**" از این روند جلوگیری‌می‌نماید.

بارشیکوفسکی گفت:

"**گروه‌های‌تجاوز کار در"همبستگی" به‌کارزاری بهتان‌آمیز علیه‌حزب‌و دولت دست‌زده‌اندوبااعتصابات‌وراه‌پیمایی‌هابخشی از حیات‌کشوررافلج‌می‌سازند. برخی از رهبران این اتحادیه آشکارا شعارهای ضد شوروی می‌دهندو مبارزه رابرسرقدرت‌شروع‌کرده‌اند.**"

به‌گفته بارشیکوفسکی، **حزب متحد کارگری‌لهستان** با دشمنان سوسیالیسم که‌تعهدات بین‌المللی لهستان و قوانین جامعه سوسیالیستی رازیرعلامت سئوال قرارمی‌دهند، به‌شدت‌به‌پیکاربر خواهد خاست.

آیزنهاورلومومبا راکشت

به‌گزارش‌خبرنگار "دیلی‌تلگراف" (بریتانیا) در نیویورک، پرزیدنت **آیزنهاور** بیست‌سال پیش‌شخصادستور قتل**لومومبا**میهن‌دوست‌بزرگ‌کنگو، را صادرکرد. این‌خبرنگاردراینباره‌به‌کتابی استنادمی‌نماید، که‌قراراست‌به‌زودی در ایالات‌متحده‌انتشاریابد.

تظاهرات مردم زلاندنو علیه تیم "رگبی" نژادپرستان "پرتوریا"

درسراسرزلاندنو، تظاهرات‌اعتراض‌آمیزی‌علیه‌تیم‌راگبی "اسپرینگ‌باکس" که‌تنهاسفیدپوستان‌آفریقای‌جنوبی‌رادر برمی‌گیرد، برگزارشد. این‌تظاهرات، از جمله، درولینگتن‌و**اوکلند**صورت گرفت. تظاهرکنندگان‌سیاست آپارتیدوستم‌سبعانه‌دولت‌آفریقای‌جنوبی‌رامحکوم کردندواز دولت‌زلاندنوخواستندتا همه گونه‌مناسبات، ازجمله‌مناسبات ورزشی، راباآفریقای‌جنوبی قطع کند.

اتحاد مردم
ارگان اتحاددمکراتیک مردم ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ابه آذین)
آدرس: منطقه ۱۳ پستی
صندوق پستی - ۳۱۴/۱۱۱۷